

فرد نامه

• مسابقات خانهای کودک و پیش دبستان

• مسابقات دبستان

• مسابقات متوسطه‌ی یک

• مسابقات متوسطه‌ی دو

• هایکو

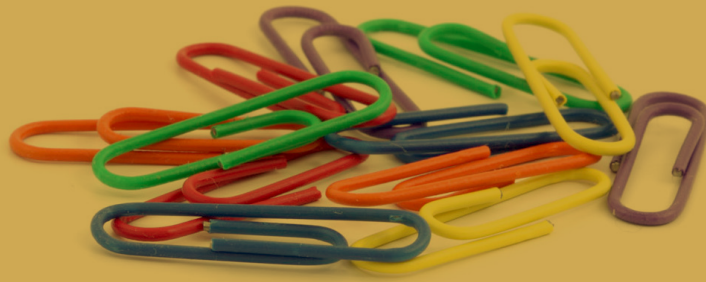
• In Other Words

خردنامه / نشریه دانش آموزی الکترونیکی

مدرسه‌ی خرد / شماره ۱۲ / زمستان ۱۳۹۷

ویژه‌نامه‌ی مسابقات دهه‌ی فجر

به نام خدا



خردنامه/ نشریه‌ی دانش‌آموزی الکترونیکی مدرسه‌ی خرد/ شماره ۱۲/ زمستان ۱۳۹۷ (ویژه‌نامه‌ی مسابقات دهه‌ی فجر)

سر دبیر: مرضیه مدنی‌رزاقی

تحریریه: روژین فروزندگان، فرانک ضرغامیان، زینب سهراب‌پور، یاس یعقوبی، سناسادات ذبیحی،

سارا صلاحی‌مقدم

با همکاری: سارا سازگاری، مها ربیعی، صنم قانع

دبیر بخش انگلیسی: مونا رحیم‌پور

رابط دبستان: آذین محمدزاده با همکاری مهناز عسگری، یاسمین الیاسی

مدیر روابط عمومی: شقایق خرسندی

طراحی و صفحه‌آرایی: ثریا علی‌جان‌زاده

عکس: سانیا سمیعی، هستی صلصالی، زینب سهراب‌پور، سائنا برنجکار، نهال مشکاتی

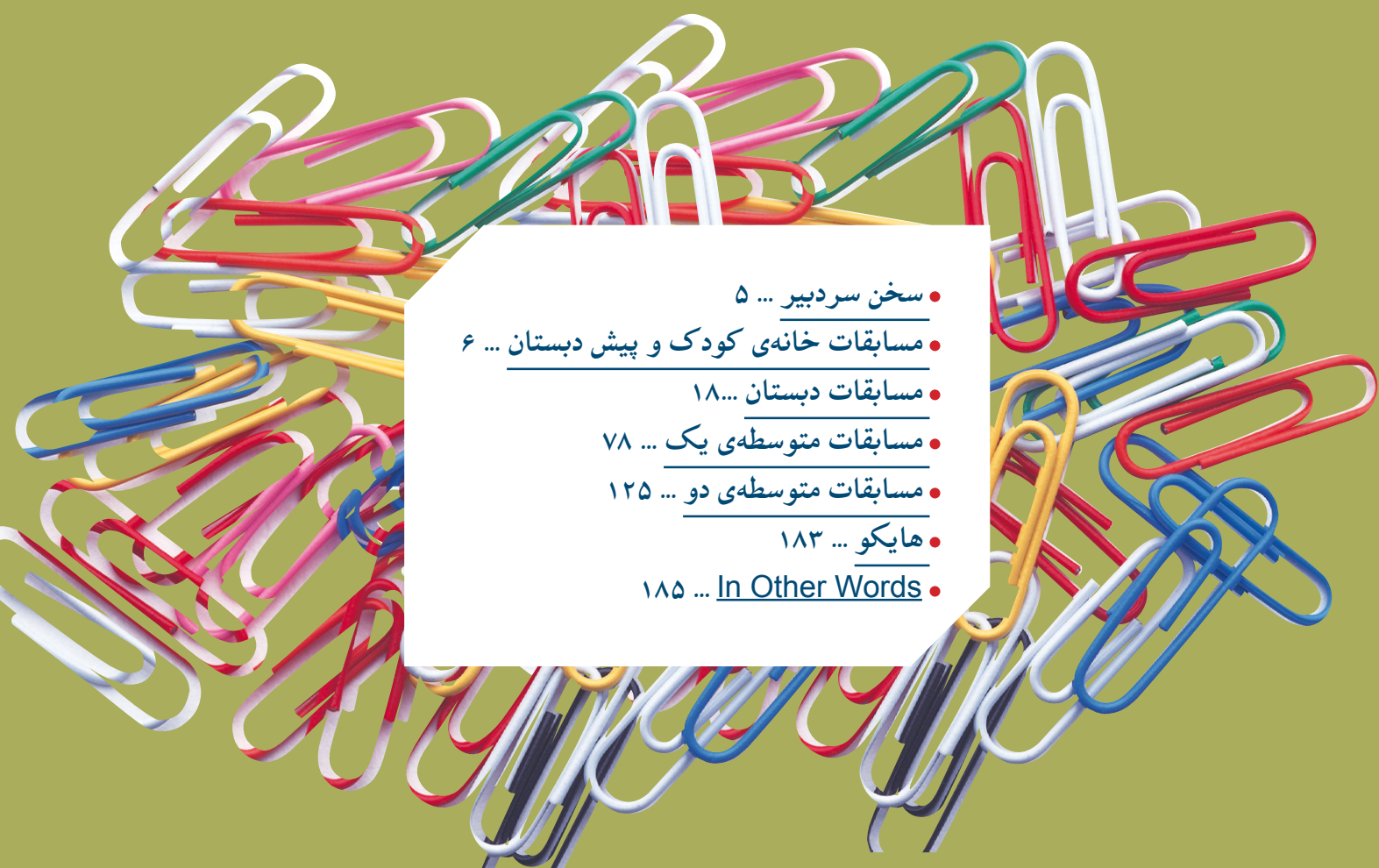
ویراستار: مهدیه قرقچیان

طراحی لوگو تایپ: کیانا ابریشمی

با آثاری از: الناز احزن، سپیده اکبری‌جوکار، النور ترابی، پرتو حدائق، مهسا رئیس‌کرمی، مهتاب زهتاب، سناسادات ذبیحی، سارا سازگاری، صبا سلطانی، زینب سهراب‌پور، نیکی شاکری، پرنیا شمس، سوگل صانعی، سارا صلاحی‌مقدم، روناک صیادی، فرانک ضرغامیان، سپیده طبق‌چی، توکا فاضل، روژین فروزندگان، ملیکا کاظمی، مانلی کلاهی، مهرسا ملک، سونیا مهدوی، آرمیتا مهرشاهی، یلدانامی، یاس یعقوبی، سارا یکرنگی

با تشکر از: پری نیامیر، سودابه سادات تنکابنی، فاطمه معارف، دلارام ولی‌زاده، مژده هنری، صبا اسلامی، سمانه اصغریان، سوده اصغریان، سپیده برنجی، محیا بهاریان، ترگل بهرامی، پگاه‌پور گلدوز، مریم جعفرآبادی، مرانک خسروی، سمن دریاب، هاجر شیخ‌ها، نسیم فتاحی، سپیده فلاح‌فر، گلاله کاوه، غزاله کریمانی‌پور، زینب کلاهدوز، الهه محبی، ریحانه محمدپور، شیرین مولایی، بهناز میرزا زاده، مریم یزدان‌پرست

با تشکر از بخش معاونت در مدارس خرد



- سخن سردبیر ... ۵
- مسابقات خانه‌ی کودک و پیش دبستان ... ۶
- مسابقات دبستان ... ۱۸
- مسابقات متوسطه‌ی یک ... ۷۸
- مسابقات متوسطه‌ی دو ... ۱۲۵
- هایکو ... ۱۸۳
- In Other Words ... ۱۸۵

سخن سردبیر

خردنامه‌ی الکترونیک زمستان ۹۷:

این همان چیزی است که بچه‌های خردنامه خواستند و شد.

خردنامه‌ی زمستان تا بوده کاغذی بوده و مختص جشنواره‌ی دانش‌آموزی. اما این بار ما سنت‌شکنی کرده‌ایم شاید هم سنت‌گشایی و تصمیم گرفته‌ایم که خردنامه‌ی الکترونیک زمستانی هم داشته باشیم تا گزارش مسابقات دهه‌ی فجر در فصل خودش و زمانی که هنوز از شور و شوقش کم نشده به دست شما برسد. البته این یکی از تصمیمات بچه‌های خردنامه بوده‌است، تصمیم بعدی این بوده که از این به بعد خردنامه‌ها در ابتدای هر فصل منتشر شوند. حالا با انتشار این نشریه تصمیم دومی هم انجام گرفته؛ یعنی خردنامه‌ی کاغذی می‌شود نشریه‌ی شماره‌ی بهار که در اول فصل منتشر شده. خردنامه‌ی زمستان ظرف چهارده روز با تلاش و همکاری گسترده‌ی همکاران ما آماده شده و درواقع گزارش مسابقات دهه‌ی فجر در مدارس خرد است. خبرنگاران، گزارشگران و عکاسان خردنامه سعی کرده‌اند همه‌ی مسابقات را به شکلی پوشش بدهند و چیزی را از قلم نیندازند تا تلاش و برنامه‌های متنوع همه‌ی گروه‌ها به نحوی به تصویر کشیده شود. اگر در میان عکس‌ها یا گزارش‌ها جای خالی‌ای دیدید به علت همین فشردگی و فرصت کوتاه بر ما ببخشید.

نکته‌ی دیگری که حال و هوای این شماره را متمایز می‌کند آن است که تعداد همکاران خردنامه بسیار زیاد شده. خیلی از بچه‌ها اولین همکاری‌شان را با خردنامه ضمن تهیه‌ی گزارش‌ها آغاز کردند و طعم توانایی‌های خودشان را چشیدند و همکاری جدی‌شان با ما پا گرفت. نکته‌ی جالب دیگر این که این همکاری از نوشتن فراتر رفت و به بخش طراحی صفحات نیز رسید؛ نمونه‌اش صفحه‌آرایی بخش هایکوست که پیشنهاد می‌کنم حتماً آن را ببینید.

دیگر چه می‌توانم گفت از خردنامه که همه‌اش رفاقت و خلق و تجربه و پویایی است، دعوت‌تان می‌کنم که مهمان کلامش باشید.

مرضیه مدنی‌رزاقی

خانه‌ی کودک و
پیش دبستان



شادی‌های کوچک ما دهه‌ی فجر در خانه‌ی کودک خرد

سوده اصغریان

به ماه بهمن که نزدیک می‌شدیم با مربی‌ها در این فکر بودیم که برای مسابقات دهه‌ی فجر چه برنامه‌هایی تدارک ببینیم تا بچه‌ها در کنار رقابت سالم لحظاتی شاد و پرشور نیز داشته باشند. برنامه‌ریزی برای بچه‌های پنج‌ساله قطعاً پر از چالش بود.

تصمیم گرفتیم ابتدا در مورد کشورشان و تاریخ عجیب و پرهیجانش برای‌شان صحبت کنیم. در کلاس‌ها با هم درباره‌ی ایران گفتگو کردیم. شکل کشورمان، پرچم‌مان و اینکه در قلب همه‌ی ما چه جای بزرگی را گرفته. با هم پرچم درست کردیم و ریشه‌های سبز و قرمز و سفید. برای اینکه یادمان بماند چقدر این پرچم برای‌مان عزیز است و بعد همه جا را با آن تزیین کردیم. دست‌های‌مان را روی قلب‌مان گذاشتیم و با هم سرود ملی را خواندیم. بعضی‌های‌مان با خواندن سرود اشک ریختیم. یادمان آمد برای این سرزمین چه فداکاری‌ها شده و ما چه مسؤولیت بزرگی برای سرافراز کردنش داریم.

بهترین گزینه را برای مسابقات، بازی‌های حرکتی گروهی دیدیم. سه‌شنبه شانزده بهمن، خانه‌ی کودک مملو از نشاط و هیجان بود. بچه‌ها می‌دانستند قرار است با هم رقابت کنند. سرود ملی را خواندیم و عزم‌مان را جزم کردیم که با شادی و نشاط اما جدی و دوستانه رقابت کنیم. از ابتدا

آنقدر زیاد بود که ما مربیان را هم سرذوق آورد. ما هم دو گروه شدیم و دو سر طناب را گرفتیم و میان فریاد و تشویق بچه‌ها طناب را کشیدیم و چقدر لذت بخش بود برایمان رقابت کردن وقتی بچه‌ها تماشاچی ما بودند. در آخر همه با هم به زمین چمن رفتیم. بچه‌ها برای اعلام برندگان سر از پا نمی‌شناختند. برندگان کلاسی در هر رشته معرفی شدند. کلاس‌های برنده در زمینه‌ی مهارت‌های قانونمندی، همکاری، رعایت دستورالعمل و داشتن سرعت عمل به صورت گروهی تشویق شدند و روز ما با لبخند و رضایت به پایان رسید. رضایت ناشی از تمرین دوستی.

قرار گذاشتیم غیر از برگزاری مسابقات ورزشی، همدلی، همکاری، قانونمندی و سرعت عمل را هم در کنار هم تمرین کنیم، اگر دوستانمان زمین خوردند دست‌شان را بگیریم و بلندشان کنیم، حتی اگر رقیب ما باشند. بازی‌ها با حمل توپ با قاشق شروع شد و ماست خوری با دستان بسته مسابقه‌ی بعدی بود. صورت‌های ماستی بچه‌ها همه را به خنده انداخته بود. بچه‌ها دستمال برداشتند و به هم کمک کردند تا صورت‌های‌شان را تمیز کنند. یادمان نرفته بود که قرار است همکاری را تمرین کنیم. نوبت به جابه‌جایی توپ در حالت نشسته رسید و طناب‌کشی آخرین بازی ما بود. شادی و هیجان بچه‌ها









روزهای رنگین کمانی

سمانه اصغریان

مسابقات دهه‌ی فجر پیش دبستان

سبز و سفید و سرخ. کاغذ و رنگ و شوق. همه چیز با پرچم ایران شروع شد، پر از شور و غرور. نیکا و بهار و نورا، روشا و باران و دینا، همه و همه پرچم‌های کاغذی را در دست‌های کوچک‌شان گرفتند و رژه آغاز شد. طنین «ای ایران، ای مرز پر گوهر» در فضا پیچید و شادی منتشر شد؛ قدم‌هایی مصمم به سوی فردا. مربی‌های ورزشی سکان‌دار بودند و شش‌ساله‌های نازنین گوش‌به‌زنگ، گروه‌به‌گروه. رقابتی یادماندنی از دو مارپیچ امدادی تا ورزش تعادلی، از طناب‌زنی تا بازی وسطی. پشت‌مان به همدیگر گرم بود و دست‌های‌مان در دست هم. قصد مبارکی داشتیم: به هوای بزرگداشتِ خاطره‌ای که برای‌مان آرامش آورده بود و امنیت، دورهم جمع شده بودیم و حالا، دل‌مان قرص است به همکاری و همدلی‌مان و مطمئنیم روزهای پیش‌رو رنگین‌کمانی خواهد بود.















دبستان

مهناز عسگری

هیجان، دل‌نگرانی، شادی

دوباره ماه بهمن فرارسیده، ماهی که دبستان از شور و حال دیگری برخوردار می‌شود. از زبان همه - از آموزگاران و دست‌اندرکاران گرفته تا دانش‌آموزان، این جمله را می‌شنوی که با هیجان تکرار می‌کنند: «وای! باز هم مسابقات دهه‌ی فجر. این بار قرار است چه بمبی در مدرسه منفجر شود؟»

در این میان، دیدن صورت متعجب کلاس اولی‌ها و چهره‌ی پرغرور دومی‌ها از هر چیز شیرین‌تر است. اولی‌ها از شنیدن کلمه‌ی قلمبه‌سلمبه‌ای به نام مسابقات دهه‌ی فجر هاج و واج مانده‌اند و دومی‌ها در پی آن‌ها می‌دوند تا تجربه‌ی نه چندان زیاد سال پیش خود را به رخ‌شان بکشند. سومی‌ها و چهارمی‌ها در آرزوی برنده‌شدن در این مسابقه‌ها هستند و پنجمی‌ها و ششمی‌ها از همان اول خود را برنده می‌بینند. رقابت‌های پرماجرایی امسال در دو روز - شانزدهم و هفدهم بهمن - اجرا شد که گزارش فشرده‌ای از جریان اجرای این مسابقات را در پایه‌های مختلف دبستان در اینجا می‌خوانید. امیدواریم با خواندن این گزارش کوتاه بتوانید موج هیجان، دل‌نگرانی و شادی‌های یک مسابقه‌ی جدی اما دوست‌داشتنی و خاطره‌برانگیز را در فضای دبستان احساس کنید.

مسابقات دهه‌ی فجر

دبستان - پایه‌ی اول

شیرین مولایی



دانش آموزان پایه‌ی اول روز سه شنبه شانزده بهمن از ساعت هفت تا ده صبح در سالن همایش رقابت‌های خود را برگزار کردند. در این دوره از مسابقات، گروه‌بندی کلاس اولی‌ها به شکلی جالب و هیجان‌انگیز آغاز شد. در ابتدا معلم‌ها داستانی از نخودی را تعریف کردند. بچه‌ها ضمن شنیدن داستان و حل معما، با استفاده از شکلات‌های میوه‌ای در هفت طعم مختلف، در هفت گروه هنر، علوم، زبان انگلیسی، کامپیوتر، زبان آموزی، ریاضی و قرآن گروه‌بندی شدند و مسابقات را آغاز کردند.

ایستگاه زبان آموزی

در این گروه، بچه‌ها جمله‌ی به هم ریخته‌ی «جانوران جنگل الفبا به یکدیگر کمک می‌کنند» را مرتب کردند.

ایستگاه کامپیوتر

بچه‌های این گروه ابتدا کلمه‌ی کمک را از شکل فارسی به انگلیسی در آوردند و بعد آن را به کد باینری (۰ و ۱) تبدیل نمودند، سپس طبق کد باینری و با استفاده از مهره‌های رنگی، دست‌بندی زیبا درست کردند.

ایستگاه زبان انگلیسی

بچه‌های این گروه یکی از جانوران جنگل الفبا را انتخاب کردند و چند جمله به زبان انگلیسی در مورد آن حیوان نوشتند و سرانجام درگیر حل معمای حیوانات شدند.





ایستگاه علوم

دانش آموزان شرکت کننده در این گروه با استفاده از کاغذ رنگی، رول دستمال کاغذی، مقوای رنگی، پولک، دکمه، کاموا، سی‌دی، بطری آب‌معدنی، به شکلی معماگونه مشغول ساخت یک جانور شدند.

ایستگاه هنر

عجب ایستگاه جذاب و پرشور و حالی! بچه‌های این ایستگاه برای جانوری که در گروه علوم ساخته شده بود، خانه درست کردند.



ایستگاه قرآن

بچه‌های گروه قرآن سرگرم درست کردن پازل شدند و پس از چیدن قطعه‌های پازل در کنار هم، متوجه شدند که عبارت قرآنی «بسم الله الرحمن الرحيم» به دست‌شان چیده شده است.

ایستگاه ریاضی

گروه ریاضی با استفاده از کدهای مربوط به مرتب کردن جمله‌های نامرتب، توانستند جواب عبارت‌های ریاضی را به دست آورند.



مسابقات دهه‌ی فجر

دبستان - پایه‌ی دوم

یاسمن الیاسی
گل‌اله کاوه
صبا اسلامی
نسیم فتاحی

دانش‌آموزان پایه‌ی دوم روز دوشنبه پانزده بهمن مسابقات خود را از صبح آغاز کردند. پس از آشنایی با ایستگاه‌های مختلف مسابقه، بسته‌های مربوط به ایستگاه خود را تحویل گرفتند، سپس هر گروه در ایستگاه مشخص شده قرار گرفت. همین که زنگ مسابقه نواخته شد، نود دقیقه شور و هیجان در سالن به جریان افتاد و گروه‌ها در ایستگاه‌های زیر مشغول رقابتی خاطره‌انگیز و پرهیاهو شدند:

ایستگاه اریگامی

در این ایستگاه بچه‌ها با استفاده از کاغذهای سبز و قرمز مشغول ساخت اریگامی گل‌لاله شدند. بچه‌ها در گروه‌های خود کاغذهای قرمز و سبز را با خط کش اندازه‌گیری کردند و مربعی به‌دست آوردند. این کاغذ قدم اول برای ساخت اریگامی گل‌لاله بود. مرحله‌ی بعدی درست کردن ساقه و برگ و گلبرگ‌های سرخ آن بود.





ایستگاه کاردستی

بچه‌ها در ایستگاه کاردستی گروه‌بندی شدند. راستش بچه‌ها به مناسبت جشن انقلاب راهرو طبقه‌ی خودشان را چراغانی کردند، اما ضمن رقابتی سنگین و پرهیاهو. آنها ابتدا ریشه‌ای بلند ساختند، سپس زیر نظر مربی‌شان شصت و هشت لامپ رنگارنگ را از میان ریشه‌ها رد کردند و رهسپار ایستگاه بعد شدند.

ایستگاه فارسی

همین که بچه‌ها وارد این ایستگاه شدند، تعداد زیادی مقوای رنگی در مقابل خود دیدند... داستان از چه قرار بود؟ درواقع دانش‌آموزان باید پازلی به‌هم‌ریخته را کامل می‌کردند. این پازل داستان قطعه‌قطعه‌شده‌ی روباه ناقل و خروس زرنگ بود. طفلک خروس که کلکش نگرفت و خوراک روباه بلا شد.



ایستگاه زبان انگلیسی

به نظر شما جدول حل کردن کار حوصله‌سری است؟

خب باید بگویم که اشتباه می‌کنید! ما بچه‌های کلاس دوم با کلی انرژی و هیجان جدول کلمات متقاطع را حل کردیم و بعد از کامل شدن هر کلمه برای خودمان هورا کشیدیم!

ما با یک کار گروهی پر از شادی و هیجان، توانستیم جواب سؤال‌های جدول را پیدا کنیم، حروف انگلیسی را در جای درست‌شان در جدول قرار بدهیم، کلمه‌های صحیح بسازیم و برای گروه‌مان امتیاز کسب کنیم. آفرین به این همه پشتکار!



ایستگاه هنر

وای که چه قدر خوشمزه بود این ایستگاه!

دانش‌آموزان پایه دوم به مناسبت جشن پیروزی انقلاب کیکی تدارک دیدند. البته کیکی نمادین با شرایطی خاص! هر دانش‌آموز یک طرح سینی مقوایی از بین

یک عالم طرح انتخاب کرد. در مرحله‌ی بعد، با توجه به هندسه‌ی سینی، طرحی که با آن سازگار بود، انتخاب شد و سرانجام بخش شیرین مسابقه شروع شد: بچه‌ها پیش‌بند بستند و آستین بالا زدند و با خمیر بازی و وسایل تزئینی مشغول کیک‌پزی شدند. بعد از ده دقیقه تعداد زیادی کیک زیبا حاصل تلاش دانش‌آموزان توی صف بود تا سرآشپه‌های خوش‌ذوق طعم و شکل دلپذیر آنها را ارزیابی کنند.



ایستگاه کامپیوتر

سال‌هاست که مخاطب اندیشه‌های ما، تنها آدم‌ها نیستند، کامپیوتر هم یکی از مهم‌ترین این مخاطب‌هاست، اما زبان ارتباطی انسان و کامپیوتر بر اساس کلمات نیست براساس صفر و یک است. از آنجایی که این ارتباط روز به روز از اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، تصمیم گرفتیم به دانش‌آموزان مان این نوع ارتباط را آموزش بدهیم و تصمیم گرفتیم از ابزار قدیمی انسان‌ها، یعنی موسیقی و آواز، برای دل‌نشین‌تر کردن زبان صفر و یک استفاده کنیم.

وقتی بچه‌های پایه‌ی دوم صبح روز سه‌شنبه وارد سالن همایش شدند، صدایی شنیدند که تا آن لحظه به گوش‌شان نخورده بود: بو بو بو با با...

بچه‌ها بعداً متوجه شدند که بو بو معادل صفر و با معادل یک است و آنها باید با به‌دست‌آوردن این اعداد و تبدیل آنها به کلمه‌ی انگلیسی موردنظر، رمزی را که به زبان کامپیوتر به آنها گفته می‌شد، پیدا کنند. آنها برای اولین بار توانستند به زبانی که همیشه در همه‌ی زندگی‌شان وجود دارد اما تا آن‌موقع به آن توجه نکرده بودند، گوش کنند و با آن ارتباط بگیرند.

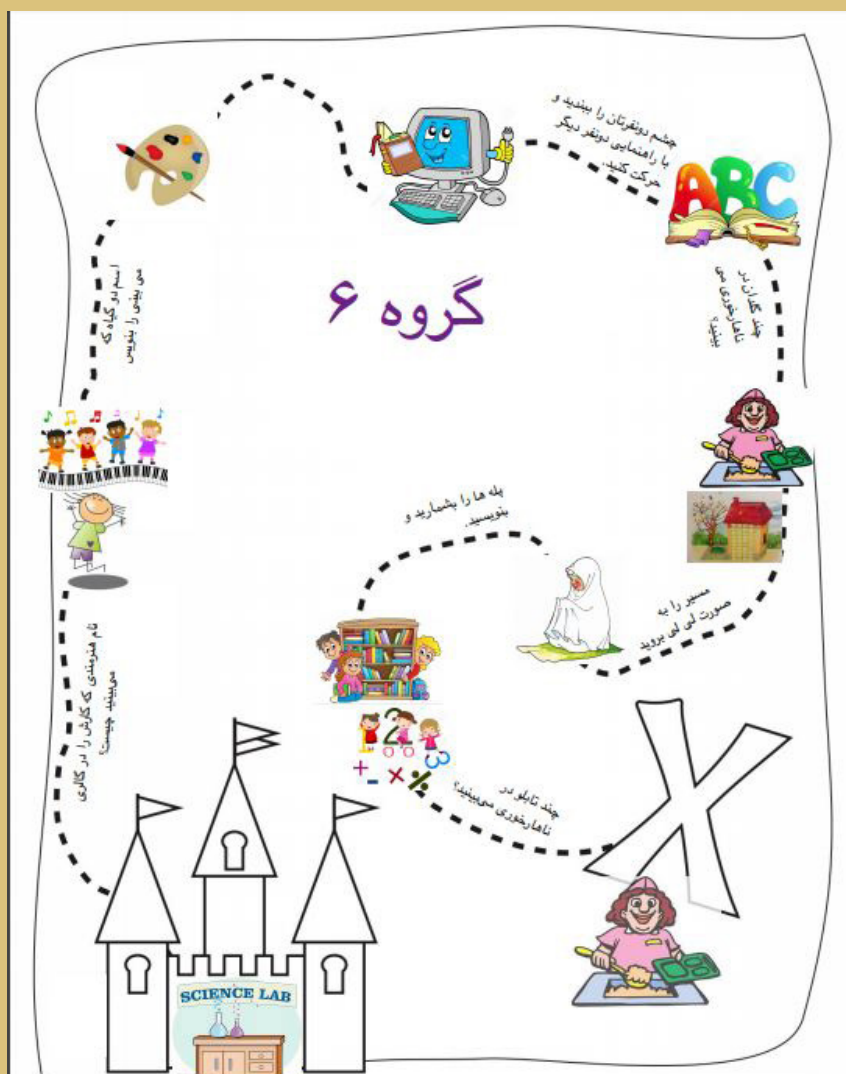


مسابقات دهه‌ی فجر

دبستان - پایه‌ی سوم

دانش‌آموزان پایه‌ی سوم روز دوشنبه پانزدهم بهمن با استفاده از نقشه‌ی راهنمای مسیر که هشت ایستگاه مسابقات در آن تصویرسازی شده بود، رقابت را آغاز کردند. آنها در راه رسیدن به ایستگاه‌ها گرم صحبت و مکاشفه و جستجو می‌شدند و کنجکاوانه طی مسیر می‌کردند. این گفتگوهای عالمانه و دلپذیر واقعاً شنیدنی بود.

هاجر شیخ‌ها
ریحانه محمدپور
یاسمن الیاسی
ترگل بهرامی
بهناز میرزازاده
نسیم فتاحی
غزاله کریمانی‌پور



ایستگاه علوم

در این ایستگاه، بچه‌ها باید ترکیب شیمیایی معروفی را به نام «خمیردندان فیل» درست می‌کردند. ابتدا مقداری مخمر در اختیار هر گروه قرار گرفت. در این فاصله، تا مخمر آماده شود، بچه‌ها با موضوع کیمیاگری و شیمی آشنایی مختصری پیدا کردند، سپس مقداری آب اکسیژنه در استوانه‌ی مدرج، دو بشر یکی حاوی مخمر عمل آمده و دیگری حاوی مایع صابون در اختیار هر گروه قرار گرفت. در پایان، بچه‌ها با همکاری هم هر سه ماده را مخلوط کرده و خمیردندان فیل را تولید کردند. به‌راستی بچه‌ها خود را در جامه‌ی دانشمندان می‌دیدند و سر تا پا غرق غرور و افتخار بودند. جای‌تان واقعاً خالی بود.



ایستگاه فارسی

در ایستگاه سه‌بخشی فارسی، هر گروه هر سه بخش را به‌نوبت انجام داد. بچه‌ها در مرحله‌ی اول خود را زبان‌دان‌هایی می‌دیدند که قرار است توانایی‌های‌شان را در دستور زبان فارسی، به‌خصوص صرف افعال به‌نمایش بگذارند. در مرحله‌ی دوم استادان معناشناسی شدند و با مرتب کردن جورچین معنای کلمات، کارت‌های هم‌معنی را کنار یکدیگر قرار دادند و در مرحله‌ی آخر، که بیشتر از مراحل قبل هیجان داشت، دارت به دست صفحه‌ی یونولیتی پر از کلمه‌های هم‌خانواده را نشانه گرفتند. محل مسابقه مملو از شور و خنده بود.





ایستگاه اجتماعی

تمرین همکاری و حمایت: قرار بود بچه‌ها با کمک یکدیگر کتابی را بدون استفاده از دست در طی یک مسیر هولاهویی شانه‌به‌شانه هم حمل کنند و مواظب باشند کتاب روی زمین سقوط نکند. همچنین در طی مسیر باید به یکدیگر کمک می‌کردند که همه‌ی اعضای گروه داخل هولاهوپ باقی بمانند. این تازہ اول ماجرا بود؛ هرگروه می‌بایست در طول مسیر یک عدد بند کفش و یک عدد کفش را از روی زمین بردارد؛ بدون آن‌که کتاب‌ها از شانه‌شان

بیفتند. در مرحله‌ی آخر، دانش‌آموزان سرگرم بستن بند کفش شدند و سرانجام در حالی که بادی به غبغب انداخته و آواز پیروزی سر داده بودند، خود را به ایستگاه بعدی رساندند.



ایستگاه هنر و موسیقی

این مسابقه عنوان قشنگی داشت: گوش بده... تصویر کن...

در این ایستگاه، هفت قطعه‌ی کوتاه موسیقی برای بچه‌ها پخش شد و آنها ضمن شنیدن صدای سازها و شناسایی آنها، حداقل چهار ساز و نوازنده را به دلخواه انتخاب کرده و نقاشی کردند. بچه‌ها در این ایستگاه هنری علاوه بر تقویت درک شنیداری و آشنایی بیشتر با سازها، توانستند تصویرسازی آنها را هم تجربه کرده، به تناسب میان ساز و نوازنده نیز توجه کنند.



ایستگاه زبان انگلیسی

دانش آموزان با استفاده از نقشه‌ای که در دست داشتند به ایستگاه ما رسیدند که فعالیت‌های متفاوتی را مانند , riddles , tongue twisters, spot the differences برای‌شان در نظر گرفته بودیم و بی‌صبرانه منتظر حضورشان در کنار خود بودیم. هیجان گروه‌ها برای درست انجام دادن مراحل و کمک به همدیگر همه را سر شوق آورده بود.

دنبال کردم تعدادی از بچه‌ها را دیدم که به شکل دایره روی زمین نشسته‌اند. در دست هر کدام دو میوه بود و جلوشان روی زمین، یک کاغذ به رنگ میوه‌شان.

میوه‌ها حکم پیام و ترمینال را داشتند که در شروع مسابقه به‌طور رندوم بین بچه‌ها پخش شده بود. قانون بازی این‌طور بود که هر کس یک میوه در دست داشت ولی با دست خالی‌اش می‌توانست از دو نفر بغل دستی خود هم میوه بگیرد. به این ترتیب میوه‌ها به گردش می‌افتادند و بازی ادامه پیدا می‌کرد تا وقتی که میوه‌های هر کس به



دست خودش برسد. نکته‌ی جالب بازی این بود که باید با رقیب‌های خودت همفکری و همکاری می‌کردی تا بتوانی میوه‌های خودت را به‌دست بیاوری. گاهی مجبور بودی میوه‌ی خودت را بدهی تا میوه‌های شخص دیگر به دستش برسد و بعد میوه‌های تو به خودت برگردد. هدف بازی مدل‌سازی یک شبکه بود؛ یعنی پیام هر کس باید در انتها به دست خودش می‌رسید و فقط در این صورت بود که برنده می‌شدی و همه هم در انتها به هدف‌شان می‌رسیدند.

ایستگاه کامپیوتر

هر روز که از خواب بیدار می‌شوم تا موقعی که می‌خواهم، پیام‌های زیادی بین من و افراد مختلف رد و بدل می‌شود. از آنجا که هم‌زمان با من میلیون‌ها نفر دیگر هم در حال ارسال پیام هستند، همیشه برایم جالب بوده که بدانم پیام من چگونه مقصد خودش را به‌سوی مخاطبم پیدا می‌کند و پیام طرف مقابل بعد از طی چه مسیری به من می‌رسد. روز مسابقه وقتی از روی نقشه مسیرم را تا سایت کامپیوتر

ایستگاه ریاضی

دستورالعمل، درست کردن پازلی را که روی میز قرار داشت، آغاز می کردند. در حین مسابقه نیز ضرب هایی را که روی تکه های پازل بود با هم چک می کردند تا تکه های پازل درست کنار هم قرار بگیرند.

– هفت هشت تا چهل و شش تا؟

– نه بابا پلنگ و شش تا!

گروهی که کارش را زودتر تمام می کرد می توانست روی میز دیگر کتابخانه سراغ پازل ضرب و تقسیمی جدید برود و آن را حل کند. وقتی کار همه ی گروه ها تمام شد بچه ها کنار هم ایستادند و به پازل های ساخته شده در هر سه گروه نگاه کردند.

پازل هر گروه عددی را نشان می داد: ۲۲ – ۱۱

با کمی همفکری و دقت، بچه ها متوجه تاریخ ۲۲ بهمن شدند.



ایستگاه هدیه های آسمانی

بچه ها بدو بدو وارد نمازخانه شدند. ابتدا به توپ ها نگاه کردند و بعد با تعجب به من.

– آخه توپ بازی و هدیه های آسمانی! مگه می شه؟

بچه ها با یک دنیا سؤال جلو آمدند و من به سمت پاکت سؤال ها و توپ ها راهنمایی شان کردم.

– جواب سؤال روی هر پاکت را از روی نوشته های روی توپ پیدا کنید.

اول فکر می کردند کار ساده ای است، ولی سؤال ها چالش برانگیز بود و جواب ها به هم نزدیک... ده دقیقه درگیر پیدا کردن پاسخ ها شدند و در آخر پاسخ ها را به سمت سبد خود نشانه گیری و پرتاب کردند.



مسابقات دهه ی فجر

دبستان - پایه ی چهارم

دانش آموزان پایه ی چهارم روز سه شنبه شانزده بهمن به قول خودشان رقابتی سنگین و نفس گیر را در شش ایستگاه به نمایش گذاشتند.

بهناز میرزازاده
نسیم فتاحی
سپیده برنجی
هاجر شیخها
مریم یزدان پرست

ایستگاه زبان انگلیسی

قبل از شروع مسابقه بچه ها با چهره های مشتاق در تیم های سه نفره در کلاس حضور داشتند.

رقابت سه مرحله داشت و هر تیم تلاش می کرد تا بیشترین امتیاز را برای کلاسش کسب کند و هر مرحله را سریع تر تمام کند تا به معمایی دست یابد که آنها را به مکان مرحله ی بعد راهنمایی می کرد.

در مرحله ی اول جدولی را حل کردند و در مرحله ی دوم در مسابقه ی spelling bee شرکت کردند که باید دیکته ی صحیح کلمات را می نوشتند.

در مرحله ی پایانی مسابقه هم باید تصویری را که به آنها داده شده بود، برای هم تیمی خود طوری توصیف می کردند که بتواند آن را رسم کند. تلاش بچه ها برای توصیف درست تصاویر دیدنی بود.





ایستگاه هدیه‌های کامپیوتری
سفر ماجراجویانه‌ی بچه‌ها رأس
ساعت دوازده ظهر روز آغاز شد.
بچه‌ها وارد ایستگاه کامپیوتر
شدند. از هر کلاس دو نفر در این
سفر همراه ما بود. چشمان‌شان
برق می‌زد و گوش‌های‌شان آماده‌ی
شنیدن بود.

بعد از توضیح مربی، بچه‌ها سریع
کارشان را شروع کردند.
مسابقه با خواندن کتاب داستان

به کد باینری، یا صفر و یک بود، کد باینری رمزشان را
به‌دست می‌آوردند. ولی این پایان ماجرا نبود...
وسایلی در اختیار گروه‌ها قرار داده شد و بچه‌ها با سلیقه‌ی
خود، دو رنگ از یک وسیله را (به منزله‌ی صفر و یک)
انتخاب کردند و با استفاده از کد باینری به دست آمده،
با آن وسایل یک کاردستی ساختند. قهرمان ایستگاه
ما گروهی بود که اعضایش با یکدیگر همکاری زیادی
داشتند و با رفتار مناسب، تقسیم کار، سرعت و دقت بالا،
همه‌ی مراحل را کامل طی کردند.

هیجان‌انگیز بدون عنوانی شروع شد که جلدش با کاغذ
رنگی پوشانده شده بود. بعد از خواندن کتاب بچه‌ها باید
عنوان مناسبی را برای آن انتخاب می‌کردند که پیام اصلی
کتاب را نشان می‌داد. این کلمه، کلمه‌ی رمز بود که با آن
وارد مرحله‌ی بعد می‌شدند.
حالا باید رمز را تبدیل به چراغ‌های روشن و خاموش
می‌کردند. این کار را با رنگ کردن چراغ‌ها در برگه‌ای
که چراغ‌های رنگ‌نشده داشت، انجام دادند.
در قسمت بعدی با استفاده از جدولی که تبدیل حروف



ایستگاه عروسک های سخنگو و لباس سحرآمیز

عروسک ها واقعاً می توانند سخن بگویند.

با تکه پارچه، تشک های نوشابه، سیدی شکسته و دکمه های رنگ و رو رفته، می توان زیباترین و پرجزئیات ترین لباس ها را برای شاهزاده ها، کولی ها و پیرزن های درون قصه طراحی کرد. می توان شخصیت ها را از دل قصه ها روی صفحه های سفید کاغذ آورد یا برای تصاویر بی نام و نشان شخصیت های عجیب و غریب، قصه های

جذاب و شنیدنی نوشت. وقتی فعالیت های مسابقه ای فارسی و هنر و اجتماعی را با همکارانم طراحی و آماده می کردیم، فکر می کردم قرار است بچه ها را شگفت زده کنیم، اما وقتی در مراحل مختلف فعالیت ها همراه بچه ها بودم و نتیجه ی کارهای شان را دیدم، من بودم که از آن ها یاد گرفتم و آن ها بودند که مرا شگفت زده کردند. بله، این من بودم که فهمیدم عروسک ها واقعاً سخن می گویند.



ایستگاه علوم و ریاضی

«با اعداد لامپ ها را روشن کن»

عنوان ایستگاه ما این بود.

مسابقه ی علوم و ریاضی در چهار سطح مختلف سؤال داشت. هر گروه چهار پاکت داشتند که در هر کدام سؤالات یک سطح قرار داشت. بچه ها اگر سؤالات یک امتیازی را

جواب می دادند، در ازای آن یک قطعه سیم می گرفتند. حاصل پاسخ به سؤالات سه امتیازی یک لامپ یا آرمیچر بود، اما برای گرفتن باتری حتماً باید سوال پنج امتیازی را

حل می کردند. بچه ها به مرور مدار را می بستند و برای تکمیل آن تصمیم می گرفتند به کدام نوع سؤال جواب بدهند تا مداری کامل داشته باشند.

ایستگاه گفت‌وگو به زبان رپ

در این بخش یک گروه سه نفره از هر کلاس حضور داشتند. به هر سه گروه داستان مشابهی داده شد. داستان ماجرای گفت‌وگوی ناموفقی بین یک مادر و دختر بود. هر گروه بعد از خواندن داستان باید به سؤالاتی جواب می‌داد و سپس گفت‌وگویی را با رعایت اصول صحیح آن می‌نوشت و بعد آن را با ریتم موسیقی رپ اجرا می‌کرد. بچه‌ها به‌خوبی درگیر فعالیت شده بودند و بخش موسیقی برای‌شان بسیار هیجان‌انگیز بود.



مسابقات دهه‌ی فجر

دبستان - پایه‌ی پنجم

ترگل بهرامی
بهناز میرزازاده
مریم جعفرآبادی
سپیده فلاح‌فر
نسیم فتاحی
سمن دریاب
زینب کلاهدوز
الهه محبی

دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم روز چهارشنبه هفده بهمن با هم به رقابت پرداختند. این رقابت‌ها در هشت ایستگاه به نمایش گذاشته شد. شور و هیجان بچه‌ها دیدنی بود؛ مخصوصاً که خود را صاحب کوله‌باری از تجربه در مسابقات دهه‌ی فجر می‌دانستند و از همان شروع رقابت‌ها همگی خود را برنده می‌دیدند.

ایستگاه هنر

بچه‌ها با وسایلی که به‌همراه آورده بودند، مشغول ساختن سه ساز مختلف شدند. هر گروه باید سه ساز گیتار، پن فلوت و کاستانت را با وسایلی مثل جعبه‌ی کفش، کش، پوست گردو، مقوای محکم، نی آیس‌پک به شیوه‌ای می‌ساختند که صدای درستی را تولید کند. رعایت زیبایی و تمیزی در ساخت ساز هم از موارد مورد ارزیابی در این مسابقه بود. در روند انجام این کار، بچه‌ها می‌توانستند مهارت‌ها و آموخته‌های گوناگونی را در خود محک بزنند.





ایستگاه زبان انگلیسی

بچه‌ها در تیم‌های سه‌نفره مسابقه را آغاز کردند. رقابت در سه مرحله بود و هر تیم باید تلاش می‌کرد بیشترین امتیاز را برای کلاسش کسب کند و مراحل را سریع‌تر به پایان برساند و به معمایی دست‌یابد که گروه را به مکان مرحله‌ی بعد راهنمایی کند. در مرحله‌ی اول یک جدول حل کردند، در مرحله‌ی دوم

ایستگاه ریاضی

ساخت حجم‌های متفاوت و رسم اشکال پیچیده‌تر هندسی، چندان جایی در کتاب درسی ما ندارد. من همیشه دوست داشتم بچه‌ها لذت درگیر شدن با این بخش از ریاضیات را هم بچشند؛ به این امید که شاید قلاب‌شان به این کنج ریاضیات گیر کند و شیرینی‌اش به مذاق‌شان خوش آید. هر بهانه و موقعیتی که دست می‌داد، اولین انتخاب من برای طراحی یک فعالیت این بود که بچه‌ها کاری در زمینه‌ی هندسه انجام دهند.

ساخت هرم در قالب گروه‌های دونفره، بدون هیچ پیشینه‌ی ذهنی نسبت به روش انجام کار (رسم گسترده‌ی شکل فقط با پرگار و خط‌کش) و حتی بدون آشنایی با حجم معرفی شده، کاری بود که بچه‌های پنجم به خوبی از عهده‌ی آن برآمدند.



با شرکت در مسابقه‌ی spelling bee دیکته‌ی صحیح کلمات را نوشتند. آخرین مرحله که دوبله‌ی همزمان بود، هیجان‌انگیزترین قسمت این رقابت‌ها بود. سرعت و خلاقیت در این قسمت نقش مهمی داشت. ما بی‌صبرانه منتظر بودیم تا نتیجه‌ی این تلاش گروهی را ببینیم. بعد از بیست دقیقه تیم‌ها آماده‌ی ارائه بودند و ما شاهد اجراهای بی نظیری از دانش‌آموزان بودیم که کار داوری را برای ما بسیار سخت می‌کرد.

ایستگاه فارسی

عادت داریم تنهایی شعر بنویسیم، ولی بچه‌های پنجم امسال کنار هم نشستند و در یک ساعت با هم شعر نوشتند. سه گروه چهار نفره با هم خلوت کردند و هر کدام شعری درباره‌ی مهاجرت نوشتند و به این فکر کردند که چقدر مهاجرت برای‌شان جدی است و چقدر تا به حال به آن فکر کرده‌اند و چقدر سودایش را دارند و رفتن برای‌شان چه معنایی دارد. سعی کردند موقع نوشتن وزن و قافیه را هم رعایت کنند. تق تق روی میز می زدند تا خیال‌شان راحت باشد موسیقی مصرع‌ها با هم

یکی است و قافیه‌ها درست است، شعر معنا دارد و آن را در فرم درستی منتقل می‌کند.

نتیجه‌ی کارشان عالی بود. بعضی‌ها مهاجرت را در عام‌ترین معنی نشان دادند و بعضی در درونی‌ترین فرم. دیدند که حتی فردی‌ترین شکل بلاغت، یعنی شعر را هم می‌توان به شکلی گروهی تبدیل کرد و دغدغه‌های شخصی را به دغدغه‌های جمعی و درباره‌ی آن سرود.



ایستگاه کامپیوتر

در مرحله‌ی اول مسابقه‌ی رمزگشایی و رمزنگاری کامپیوتر پنجمی‌ها، به هریک از دو نفر عضو گروه چند کلمه‌ی انگلیسی داده شد که باید آن‌ها را با روشی که قبلاً در کلاس آموزش داده شده بود، به کدهای باینری تبدیل می‌کردند. چون این مرحله به سرعت و دقت زیادی احتیاج داشت در سکوت کامل انجام شد. بعد از انجام این مرحله، یک بورد با پنج چراغ در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. بچه‌ها باید به وسیله‌ی چراغ‌های این بورد کلمات باینری شده خود را به دوست‌شان منتقل می‌کردند، به این صورت که هر چراغ روشن نمایش‌دهنده‌ی عدد یک، هر چراغ خاموش نمایش‌دهنده‌ی عدد صفر و پنج چراغ خاموش نمایش‌دهنده‌ی پایان هر کلمه بود.

دانش‌آموزان از دیدن بوردها و نحوه‌ی کار با آن‌ها ذوق‌زده شده بودند و برخلاف مرحله‌ی قبل، مرحله‌ی انتقال کلمات به وسیله بورد حسابی پرسروصدا برگزار شد.

بعد از آن که هر کدام از اعضا کلمات خود را به دیگری انتقال داد، عدد باینری به دست آمده را به کلمات انگلیسی تبدیل کردند. از ترکیب کلمات نفر اول و دوم یک جمله به دست می‌آمد که نشان‌دهنده‌ی پایان مسابقه بود.

ایستگاه اجتماعی

در این ایستگاه بچه‌ها برگه‌ای دریافت کردند که روی آن اسم چند پدیده‌ی جغرافیایی نوشته شده بود. آن‌ها تاکنون نام چنین پدیده‌هایی را نشنیده بودند. بچه‌ها به کتاب‌خانه رفتند و معنی پدیده‌ها را جست‌وجو کردند، نتایج را یادداشت کردند و تصاویرشان را به ذهن سپردند. بعد دوباره به یکی از کلاس‌های محل برگزاری مسابقه بازگشتند و به کمک وسایلی که بخشی از آن‌ها باز یافتی بود و بقیه به معنی واقعی کلمه خرت و پرت، مشغول ساختن پدیده‌های جغرافیایی شدند. مواجهه با این وسایل به گفته‌ی خودشان «به‌دردنخور» شوری اضطراب‌آلود ایجاد کرده بود:

– حالا چه‌طوری با این تکه‌پاره‌ها دلتا، کلوت، جنگل‌های استوایی و شبه‌جزیره درست کنیم؟
اما دست به کار شدند و زمانی نگذشت که وسیله‌های به‌دردنخور، حسابی به‌دردبخور شدند و همه ما از دیدن این همه دست‌ساخته حسابی ذوق زده شدیم و متعجب! با دیدن این همه جنب و جوش و تکاپو، یاد حرف خانم تنکابنی افتادم که می‌گفت شاید لازم نباشد خلاقیت را به بچه‌ها یاد بدهیم، فقط کافی است آن را نکشیم.

ایستگاه علوم

چطور می‌توانیم با وسایلی که روی میز داریم، یک وسیله‌ی بزرگ را در وان حمام قایم کنیم؟ بله، درست فهمیدید! مسابقه با همین پرسش شروع شد. همه می‌دانیم که بچه‌ها همیشه دوست دارند یک چیزهایی را قایم کنند تا کسی از کارشان سردر نیاورد.

پس از اعلام زمان شروع مسابقه، دانش‌آموزان با دقت و شور و اشتیاق وسایل روی میز را بررسی کردند. باهم پیچ می‌کردند و هر از چندگاهی زیر چشمی نگاهی به معلم می‌انداختند.

یکی از بچه‌ها پرسید:

– خانم از این محلول آبی هم باید استفاده کنیم؟

هم گروهی‌اش گفت:

– هیس سؤال نکن! امتیاز کم می‌شه از مون، خودمون پیداش می‌کنیم.

ناگهان صدایی از آن گروه بلند شد:

– آها بچه‌ها! فهمیدم، ببینین...

– نه بابا، این که نمی‌شه...

– خانم ما نمی‌فهمیم باید چی کار کنیم...

– ببین مگه خانم نگفته بود که...

– وای خانم بیابین این رو ببینین، چه باحال شد!

در یکی از بشرها کف آبی رنگی ایجاد شده بود که داشت از آن بیرون می‌ریخت.

سرکه و جوش‌شیرین با هم واکنش داده بودند و به کمک مایع‌ظرفشویی، کف زیادی تولید کرده بودند و سنگ‌ریزه زیرشان مخفی شده بود. این بود جواب سؤال.



ایستگاه هدیه‌های آسمانی

خودم شاید بیشتر از بچه‌ها هیجان داشتم، چون هم عاشق مسابقه‌ام، هم عاشق فیلم آواز گنجشک‌ها. بچه‌ها دو روز قبل از مسابقه، فیلم را دیده بودند. روز مسابقه از صبح می‌پرسیدند:

– خانم! یعنی هیجان هم داره؟!

جای‌تان خالی! با هم رفتیم اتاق زبان. شش نفر بودند، شش نفری که هر کدام‌شان کلی کتاب خوانده بودند.

بخش اول مسابقه دو تا سؤال داشت که به نظرشان ساده و عادی می‌آمد. در بخش دوم مسابقه بچه‌ها توانستند مرا به شدت تحت‌تأثیر احساسات و انگیزه‌های فردی‌شان قرار بدهند. در این بخش باید از روی عبارت‌هایی که با قرعه‌های رنگی قسمت‌شان می‌شد، سکانس‌های

فیلم را بازگو می‌کردند.

و اما بخش سوم مسابقه، فعالیتی که واقعاً دوستش داشتند: اجرای پانتومیم. بچه‌ها چقدر شفاف و اصیل احساس خود را منتقل کردند و چقدر زیبا پانتومیم اجرا کردند. مسابقه بود اما انگار مسابقه نبود. بچه‌ها از ته دل هم را

تشویق می‌کردند و برای هم کف می‌زدند:

– خانم آن‌قدر بهمان خوش گذشت که اصلاً نفهمیدیم مسابقه است.



مسابقات دهه‌ی فجر

دبستان - پایه‌ی ششم

محیا بهاریان
بهناز میرزازاده
مرانک خسروی
ترگل بهرامی
نسیم فتاحی
پگاه پورگلدوز

دانش آموزان پایه‌ی ششم روز سه‌شنبه شانزده بهمن با هم به رقابت پرداختند. این رقابت‌ها در هفت ایستگاه بسیار جذاب و دیدنی به نمایش گذاشته شد. شور و هیجان ششمی‌ها وصف‌ناپذیر بود؛ مخصوصاً که از همان شروع رقابت‌ها محکم بر طبل پیروزی می‌کوبیدند و خود را برنده‌ی میدان می‌دانستند.

ایستگاه رادیو مدرسه

صبح روز سه‌شنبه، رأس ساعت هفت صبح، سه گروه شرکت کننده در ایستگاهی به نام رادیو مدرسه به هم رسیدند. همگی سرحال و قهقراک و سرتا پا شور و اضطراب بودند. آغاز کار به یک شعر و یا متن ادبی اختصاص داشت. هر گروه فراخور سلیقه‌ی خودش شعری را آماده کرده بود: یکی با موضوع مدرسه، یکی با موضوع زمستان و دیگری با مفهوم بخشش و ایثار. یکی متن را نوشته بود و یکی موسیقی زنده می‌نواخت و دیگری با لحنی درست گوش‌مان را مهمان واژه‌هایش می‌کرد.

در بخش دوم مسابقه، هر گروه ده دقیقه فرصت داشت تا خود را برای نمایشی رادیویی آماده کند و آن را در حضور داوران و اعضای شورای مدرسه و معلمان اجرا کند. گروه اول از تولد و مرگ برایمان حرف زد. گروه دوم ما را به جنوب برد، با لهجه‌ی زیبایی که نشان از تلاش بچه‌ها برای شخصیت‌سازی داشت. آخرین گروه هم از داستان‌های کهن برایمان گفت.





ایستگاه طراحان خلاق

دانش‌آموزان که در واقع طراحان خلاق میدان مسابقه به حساب می‌آمدند، دست خالی نیامده بودند. آن‌ها مداد رنگی و ماژیک همراه خود داشتند. سؤال مسابقه این بود: لوگویی طراحی کنید که با وجود برخورداری از تقارن، تقارن مرکزی نداشته باشد. عجب چالشی! بچه‌ها ابتدا سخت در فکر فرو رفتند اما بعد به سرعت دست به کار شدند. طرح را کشیدند و شروع به رنگ‌آمیزی کردند. رعایت زمان اعلام شده، تمیز بودن کار، انجام کار گروهی و مشورت از امتیازهای این مسابقه بود.

بخش سوم با هیجان بیشتری دنبال شد. هر گروه بیست دقیقه وقت داشت تا اخباری درباره‌ی مدرسه آماده کند. اخبار، چاشنی طنز به خود گرفته بود و اجراها را دلنوازتر از چیزی کرد که انتظارش را داشتیم. وقت به پایان رسیده بود و ما در اشتیاق بچه‌ها غرق شده بودیم، حالا ما بیشتر از بچه‌ها هیجان‌زده بودیم. ریز نمرات هر بخش را نه یک‌بار و دوبار، که سه‌بار جمع زدیم و دیدیم که توانایی بچه‌های مان به رقم و عدد در نمی‌آید، به وصف هم نمی‌آید. ما فقط در یک ایستگاه لذت‌بخش، همگی در کنار هم لحظه‌های شیرین و به یادماندنی را جشن گرفته بودیم...



ایستگاه زبان انگلیسی

مسابقه‌ی زبان انگلیسی برای پایه پنجم و ششم یکسان طراحی شده بود، بچه‌های ششم هم در سه مرحله با هم رقابت کردند: حل جدول، مسابقه‌ی spelling bee و دوبله‌ی همزمان. اجراها همچنان جذاب و دیدنی بود و کار داوری برای ما همچنان هیجان‌انگیز و مشکل.



باید به وسیلهی چراغ‌های این مورد، کلمات باینری‌شده‌ی خود را به دوست‌شان انتقال می‌دادند، به این صورت که هر چراغ روشن نمایش‌دهنده‌ی عدد یک، هر چراغ خاموش نمایش‌دهنده‌ی عدد صفر و پنج چراغ خاموش نمایش‌دهنده‌ی پایان هر کلمه بود. بچه‌ها از دیدن بردها و نحوه‌ی کار با آن‌ها خیلی ذوق‌زده شده بودند و برخلاف مرحله‌ی قبل، مرحله‌ی انتقال کلمات به وسیله مورد با شور و هیجان خاصی برگزار شد.

بعد از آن که هر کدام از اعضا کلمات خود را به دیگری انتقال داد، عدد باینری به دست آمده را به کلمات انگلیسی تبدیل کردند. از ترکیب کلمات نفر اول و دوم یک جمله به دست می‌آمد که کلید رفتن به مرحله‌ی دوم مسابقه بود. در مرحله‌ی دوم بچه‌ها به سایت www.code.org مراجعه کردند و چند مرحله از برنامه‌نویسی بلاک‌بیس را انجام دادند که مرتبط با کدهای باینری بود. گروهی که بدون خطا، با همکاری بیشتر و دقت و سرعت بالا مراحل را پشت سر گذاشته بود، بالاترین امتیاز را دریافت کرد.



ایستگاه هنر

طراحی شهری خیالی، ساختن شهری پر از خط و فرم و درگیر شدن بچه‌ها با آموخته‌های‌شان از پنج ماه مدرسه و کلاس هنر. آنها در گروه‌های دونفره شهری را تصور می‌کردند و شکل ساختمان‌ها، رنگ‌ها، نور صبحگاهی یا شبانگاهی، درختان و آسمان را از ذهن خود بیرون می‌کشیدند. در میان سفیدی کاغذ، شهری زنده و پرجنب‌وجوش را به تصویر می‌کشیدند، به آن جان می‌دادند و با استفاده از قوانین رنگ‌های مکمل، منظره‌ای از شهر در دل زمستانی سرد یا در آغوش بهاری دلپذیر یا تابستانی گرم می‌آفریدند.

ایستگاه کامپیوتر

مسابقه‌ی رمزگشایی و رمزنگاری کامپیوتر با حضور دو دانش‌آموز از هر کلاس انجام شد. در مرحله‌ی اول به هر کدام از اعضای گروه چند کلمه انگلیسی داده شد تا با روشی که قبلاً فراگرفته بودند، آنها را به کدهای باینری تبدیل کنند. در مرحله‌ی بعد بچه‌ها



ایستگاه پویش اجتماعی

ما در برابر جامعه‌مان مسؤول هستیم. مطالعات اجتماعی درسی است برای ایجاد امید به بهبود جامعه. نیاز به عمل دارد، نیاز به تلاش. نمی‌توان و نباید ایستاد و منفعل بود. هر اجتماعی می‌تواند و باید خودش خود را بسازد. بهبود جامعه یعنی عمل و در هر عملی امید نهفته است. امید برای بهبود، برای ساختن جامعه‌ای که جای بهتری برای زندگی همه‌ی ما باشد. در هر لحظه‌ای که هستی، در هر جایی که ایستاده‌ای شروع کن.

و ما شروع کردیم. از همین حالا که ششم دبستانیم، از همین کلاس و طبقه و مدرسه‌مان. تلاش کردیم برای آگاه کردن، که آگاهی اصل تغییر است. هر کلاس یک موضوع را که به نظرش مسئله‌ی جامعه‌مان بود انتخاب کرد. یک گروه سه نفره موضوع حمایت از حیوانات، گروه دیگری موضوع تبعیض جنسیتی و کلاس دیگر فخر فروشی

با تکیه بر ظواهر مادی را به عنوان مسئله‌ای برای آگاهی جامعه‌ی خود انتخاب کرد. هر گروه درباره‌ی موضوع خود مطالعات زیادی انجام داد و بروشوری تهیه کرد. هر گروه یک نشان داشت و رنگ خاصی را برای خود در نظر گرفت تا آن را در روبان‌هایی که به نشانه‌ی تلاش برای تغییر به دور دست‌های مصممش می‌پیچید، منعکس کند. روز سه‌شنبه فرا رسید. از صبح همه‌جا رنگ بود و موضوع‌ها دهان به دهان، دست به دست، ذهن به ذهن و قلب به قلب می‌گشت.

بچه‌ها به راه افتادند، به هر کس که رسیدند، شروع کردند به گفت‌وگو، به تبادل اطلاعات و روشن کردن شمع ذهن تا نور ایجاد شود، نورهایی کوچک، به امید اینکه هر کس به ذهن‌های دیگری نور ببخشد و روزی به جامعه‌ای برسیم روشن و آگاه.

گزارش تصویری

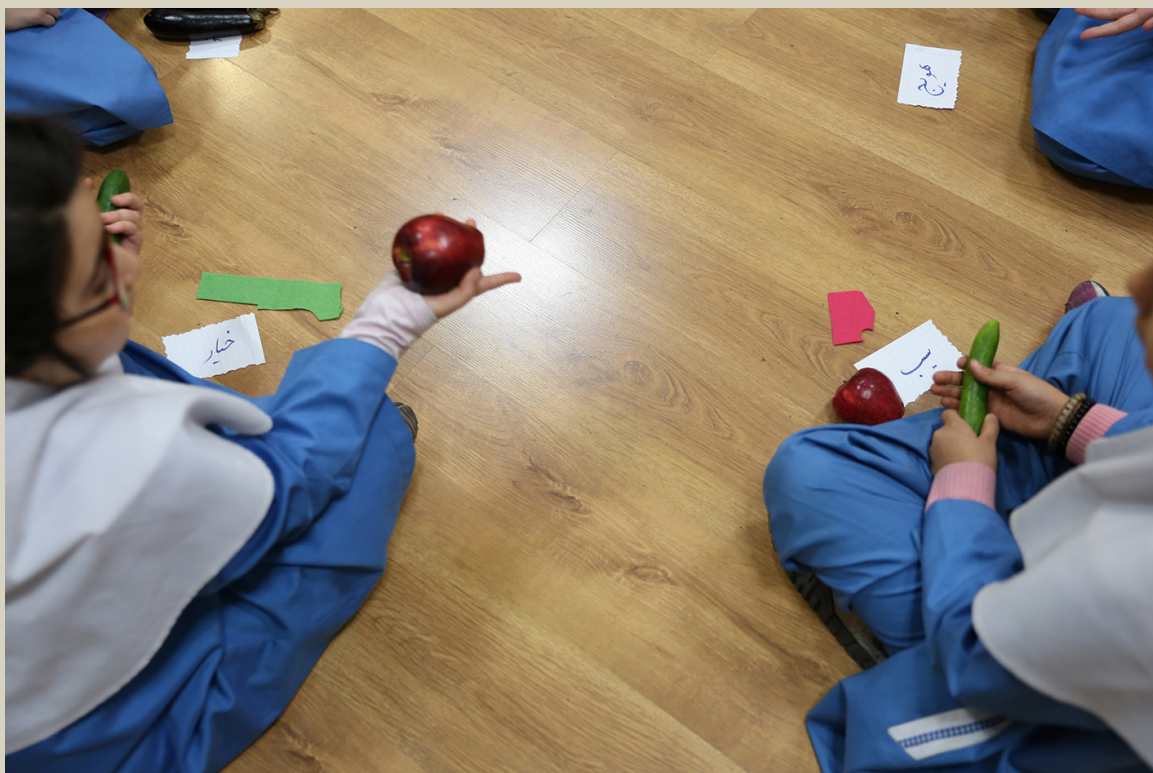
مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



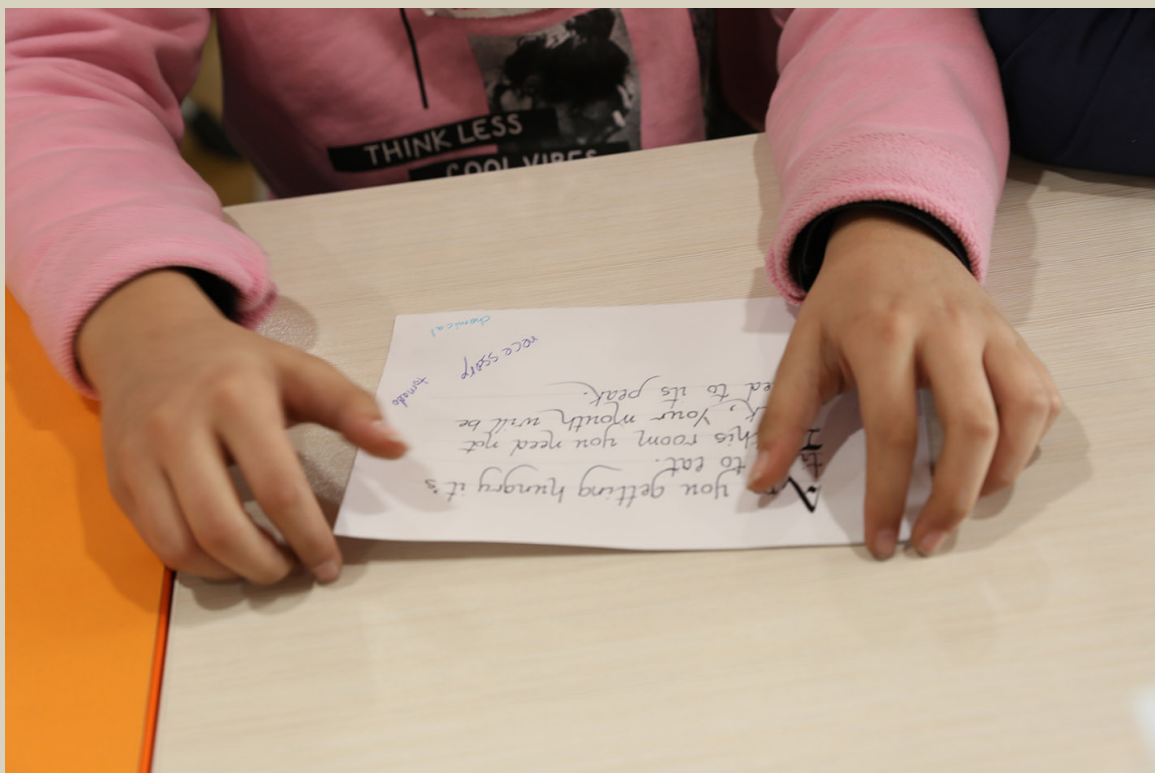
مسابقات دهی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهی فجر دبستان به روایت تصاویر



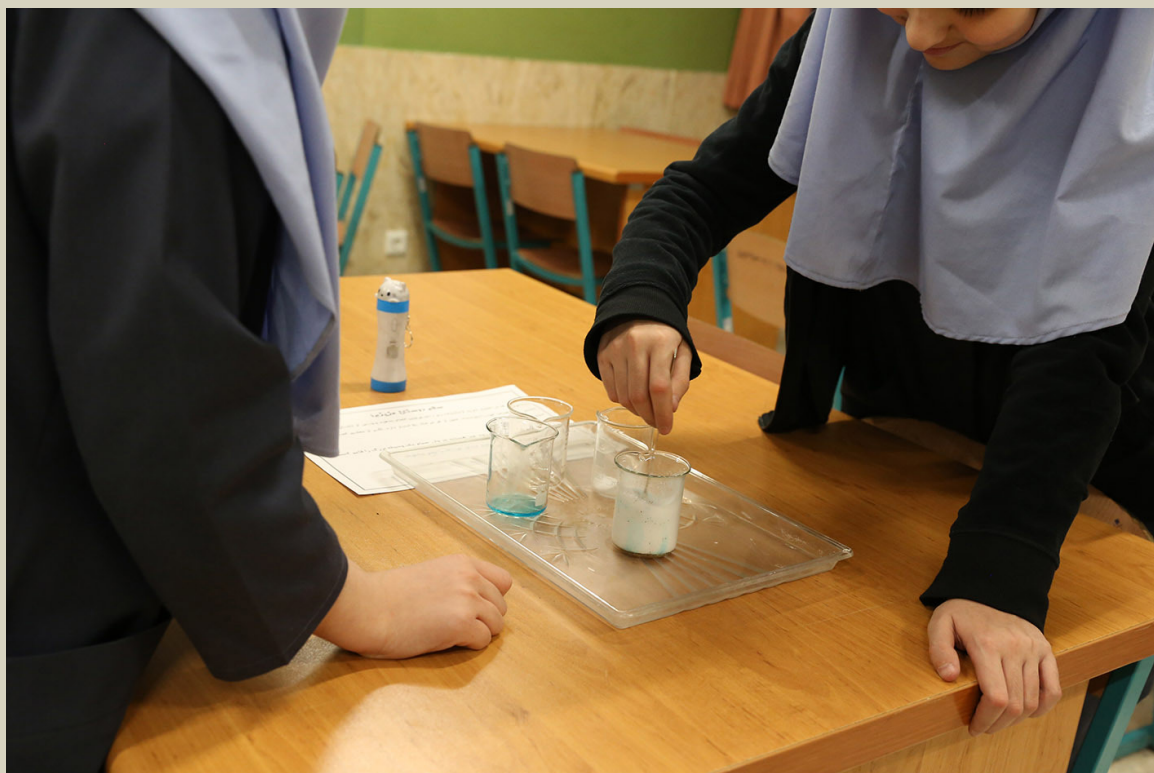
مسابقات دهی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر دبستان به روایت تصاویر





متوسطه‌ی یک



توانا بود هر که دانا بود

مسابقه‌ی مشاعره

مسابقه‌ی مشاعره هر سال در روزی جدا از دیگر مسابقات دهه‌ی فجر برگزار می‌شود و به‌همین دلیل، شور و اشتیاق خاص خودش را دارد. ساعت یک‌ونیم روز سه‌شنبه نهم بهمن بود. بچه‌ها کماکان وارد سالن می‌شدند. بیست‌وچهار صندلی به‌صورت نیم‌دایره روی سن آمفی‌تئاتر چیده شده بود و چهار صندلی با یک میز برای داوران مسابقه در گوشه‌ی سمت راست آن.

صبا سلطانی

داوران روی صحنه آمدند که با تشویق بچه‌ها همراه بود. خانم خطایی، خانم حاتمی، خانم مولایی و خانم محمدزاده. کلاس‌ها با قرعه‌کشی، از سمت چپ صحنه صندلی‌ها را پر کردند. کلاس ۸/۴ اولین و کلاس ۹/۴ آخرین کلاس بود. همه‌ی بچه‌ها بلند شدند و خود را برای شروع مسابقه آماده کردند. مرحله‌ی اول، ده دور داشت که بچه‌ها باید در این مرحله شعر سنتی می‌خوانند. قاعده‌ی این مرحله این است که هر کلاسی که نتواند دو بار شعر بخواند، اعضای گروهش باید بنشینند و از مرحله‌ی اول حذف می‌شوند. در پایان دور پنجم، دو کلاس حذف شدند، ولی می‌توان گفت که نسبت به تجربه‌شان، خوب کار کردند.

بعضی از بچه‌ها بیت‌ها را با احساس می‌خواندند و حس شعر را کاملاً به ما منتقل می‌کردند، انگار که خودشان شاعر شعر هستند؛ در مقابل، بعضی به‌بی‌روح‌ترین شکل ممکن شعر می‌خواندند. صدای یکی از بچه‌ها هم گرفته بود و وقتی

اشعار نو کمک گرفتند.
دو شعر حفظی کلاس
ادبیات؛ یعنی «بی تو
مہتاب شبی...» و «آی
آدم‌ها»، در این مرحله
به دو کلاس نهم کمک
ارزنده‌ای کرد.

مرحله‌ی دوم پس از دو
دور تمام شد و بچه‌ها با
اشعاری که خود ساخته



بودند، پایه‌ی خود را تشویق کردند. اشعار گرانمایه‌ای مانند
«توپ، تانک، فشفسه»، شعر نوستالژی کلاس‌نهمی‌ها و
شعرهای دیگر، جو مسابقه‌ی ادبی را به کلی عوض کرد.
در مرحله‌ی سوم و آخر، بچه‌ها باید با کلمات و
کلیدواژه‌های داده‌شده، شعری با مفهوم داده‌شده، می‌خواندند.
در این مرحله بچه‌ها می‌توانستند بیشتر، از رباعی‌های خیام
کمک بگیرند.

ستایش خدا، کنترل خشم و خویشتن‌داری، ارزش علم،
آزادگی و آزادیستی، نیک‌نامی، وطن‌دوستی، خودشناسی،
تفکر در جهان خلقت، از جمله کلمات و کلیدواژه‌هایی
بودند که در این مرحله به بچه‌ها داده شده بود. در این مرحله
هم بچه‌ها تمام توان خود را به کار گرفتند و با مفاهیم
داده‌شده، اشعار مرتب‌تری خواندند که احتمالاً معلمان امیدوار
بودند بعضی از پیام‌های این اشعار، آویزه‌ی گوش ما شود(!)
صدای تشویق و شعرهای بچه‌های حاضر در سالن دوباره
شنیده شد. مسابقه‌ی شاعرانه‌ی سال ۱۳۹۷ هم بالاخره
به پایان رسید و حالا من مانده بودم با نوشتن یک گزارش
مفصل از یک مسابقه‌ی مفصل‌تر.

شعر می‌خواند، سکوتی آملی‌تئاتر را در برمی‌گرفت و فقط
صدای او به گوش می‌رسید.

در پایان دور ششم بچه‌ها می‌توانستند شعر خود را با آوای
آخرین حرف شروع کنند؛ مثلاً اگر آخر بیتی حرف «ظ»
بود، نفر بعدی می‌توانست بیتش را با هر سه حرف «ز، ظ،
ض» شروع کند. در این مرحله اشعار شاعرانی مانند سعدی،
حافظ، مولانا و فردوسی خوانده شد که چه خوب، چه بد،
نمره‌ای به آن‌ها تعلق گرفت. این را هم بگویم که مثل هر
مسابقه‌ی شاعرانه‌ای، ابیات «میازار موری که دانه‌کش
است»، «توانا بود هر که دانا بود» و «چو ایران نباشد تن
من مباد»، بچه‌ها را از حذف شدن نجات داد. مرحله‌ی اول با
خواندن بیت «دوست آن باشد که گیرد دست دوست/ در
پریشان حالی و درماندگی» پایان یافت.

در مرحله‌ی دوم، به هر گروه یک پاکت داده شد که حاوی
دو کلمه بود. زمانی که نوبت هر گروه می‌شد، باید یکی از
کلمات را بیرون می‌آوردند و شعری می‌گفتند که خود
آن کلمه، در شعر باشد. در این مرحله، بچه‌ها مجاز بودند
هم شعر سنتی و هم شعر نو بخوانند که بیشتر بچه‌ها از



مسابقه‌ی ادبی

مهسا رئیس کرمی

این کتاب‌ها را حتماً بخوانید

وقتی دوستم گفت: «تمام!»، بلافاصله کرنومتر را متوقف کردم و گفتم: «هفت دقیقه و بیست و شش ثانیه». دست‌هایش را به نشانه موفقیت مشت کرد و توی هوا کوبید: «قراره ببریم!»

کار ما برای مسابقه ادبی این بود که کتابی مناسب را انتخاب کنیم و درباره‌ی آن، معرفی بنویسیم و روز شنبه سیزدهم بهمن‌ماه آن را به مدرسه تحویل دهیم، ولی بخش اصلی و هیجان‌آور مسابقه این بود که ما باید در روز مسابقه؛ یعنی یکشنبه چهاردهم بهمن در کتابخانه‌ی مرکزی و در حضور داورها و بقیه‌ی گروه‌ها از متن خود دفاع می‌کردیم و حضار را جوری قانع می‌کردیم که قبول کنند کتاب منتخب ما ارزش خواندن دارد. انتخاب کتاب مناسب، استفاده‌ی درست از کلمات در ارائه، آوردن دلایل منطقی برای جلب توجه خوانندگان و ارائه‌ی مختصر و مفید از معیارهای امتیازدهی بود. داورها خانم خطایی، خانم مولایی، خانم محمدزاده، خانم نصیران بودند.

جذابیت‌های خود را داشت. نتیجه‌ی مسابقه را کمی بعدتر
توی آمفی‌تئاتر اعلام کردند. شور و هیجان برنده‌ها و
البته ناراحتی بچه‌هایی که به امتیاز دلخواه‌شان نرسیده
بودند، غیرقابل وصف بود.

مسابقه‌ی ادبی دهه‌ی فجر هم با تمام خوشی‌ها و
بدی‌هایش به پایان رسید. ناراحت‌کننده است که امسال
سال آخری است که ما نهمی‌ها در این مسابقات حضور
داریم، اما خاطرات خوشی که از این دوران داریم جای
تمام ناراحتی‌ها را می‌گیرد. برای نهمی‌های سال‌های آینده
هم آرزو می‌کنم همین احساس را داشته باشند.

من متن معرفی را نوشته بودم و قرار بود بخش عمده‌ی
ارائه به عهده‌ی هم‌گروهی‌ام باشد، او هم دقیقاً تا وقتی که
نوبت‌مان شد داشت زیر لب متن ارائه‌اش را تمرین می‌کرد
و من هم دیگر از این همه اضطراب او خنده‌ام گرفته بود.
ما برای ارائه، پوستری درست کرده بودیم و جمله‌های
زیبای کتاب را روی آن چسبانده بودیم، این کار از نظر
داورها خیلی خلاقانه بود. بقیه‌ی گروه‌ها نیز ارائه‌های
خوبی داشتند و صادقانه می‌گویم، من به‌شخصه قانع
شدم که بیشتر کتاب‌ها را بخوانم. کتاب‌ها از ژانرهای
مختلف و نویسنده‌های مختلف بود و با این حال، هر کدام





فرانک ضرغامیان

مسابقه‌ی ادبی

ترانه‌های آموزشی

وقتی موضوع مسابقه‌ی زیست و شیمی را فهمیدیم حسابی تعجب کردیم: ساختن موزیک ویدئو آموزشی بین سه تا هفت دقیقه با موضوع بازیافت و آلودگی هوا، نوشتن ترانه و ساختنش به تنهایی کاری سخت است چه برسد به این که بخواهد آموزشی هم باشد. همه‌ی گروه‌ها نزدیک به دوهفته برای تحویل موزیک ویدئوهایشان فرصت داشتند و در طول این مدت نیز کارهای زیادی برای انجام دادن.

در قدم اول در همان اولین روزها از بین دو موضوع داده شده یکی را برای نوشتن انتخاب کردیم. از معیارهای مهم امتیاز گرفتن، یکی هدف اصلی آموزشی و دیگری استفاده از منابع معتبر بود. پس در دومین قدم تلاش کردیم از کتاب‌ها و سایت‌های مختلف و معتبر، اطلاعات جمع‌آوری کنیم. در قدم بعدی، با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده‌مان ترانه‌ای با موضوع انتخابی‌مان نوشتیم. پس از آن می‌توانستیم به ساخت آهنگ و ریتم پردازیم که کاری امتیازی و خلاقانه بود و در آخر کارهای تنظیم و خواندن ترانه و ساخت موزیک ویدئو را انجام دادیم که سخت‌ترین قسمت کار بود. یکی دیگر از معیارهای مهم مسابقه تحویل به موقع؛ یعنی بین ساعت هشت تا ده صبح روز قبل از مسابقه بود. در روز مسابقه همه‌ی گروه‌های کلاسی به همراه داوران، که از معلمان زیست و شیمی بودند، در آزمایشگاه زیست جمع شدند تا موزیک ویدئوهای ساخته‌شده را ببینند.

از مهم‌ترین معیارهای مسابقه‌ی زیست و شیمی طبق گفته داوران: انتقال مفهوم، خلاقیت، منابع معتبر، اطلاعات کافی، هماهنگی متن و موسیقی، و هماهنگی موسیقی و فیلم، کیفیت تولید و تحویل به موقع بود. چند ساعت پس از دیده‌شدن همه‌ی موزیک ویدئوها، نتایج و سهرتبه‌ی برتر در آمفی‌تئاتر اعلام می‌شد.

تلاش‌ها و توانائی‌های بچه‌ها



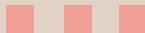
روناک صیادی

بالاخره روز موعود رسید. روز مسابقات دهه‌ی فجر! روز رقابت و اضطراب و هیجان. روزی متفاوت، روز تشویق، روز شادی و سروصدا و مهم‌تر از همه: روزی که هیچ خبری از درس نبود!

برای دیدن مسابقه‌ی عربی به کلاس ۷/۱ رفتیم. هنوز داورها نیامده بودند؛ فعلاً فقط تمرین‌های پایانی بود و اضطراب‌های کم و زیاد بچه‌ها. بعضی اصلاً اضطراب نداشتند و بعضی هم سعی داشتند با تکان دادن پاها یا گره زدن انگشت‌هایشان به یکدیگر، از آن خلاص شوند. بعد از مدتی داورها وارد شدند و لبخند تلخی روی صورت بچه‌ها نشست. همه از کلاس بیرون رفتند و اولین گروه برای شروع مسابقه روی سکو رفت. مسابقه‌ی عربی به این شکل بود که از قبل به گروه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌هایی عربی داده بودند و گروه‌های دوفره باید آن‌ها را به صورت پانتومیم اجرا می‌کردند؛ یعنی یکی اجرا می‌کرد و دیگری آن را حدس می‌زد. گروه‌ها به نوبت داخل می‌شدند. بعضی‌ها ضرب‌المثل‌ها را بهتر از واژه‌ها حدس می‌زدند و بعضی‌ها واژه‌ها را بهتر از ضرب‌المثل‌ها. بیشتر گروه‌ها با وجود اضطرابی که موقع مسابقه هست، خوب اجرا کردند و خوب حدس زدند، طوری که تقریباً تمام گروه‌ها راضی از کلاس بیرون می‌آمدند. من هم از کلاس بیرون آمدم در حالی که فکر می‌کردم بچه‌ها چطور توانسته بودند آن همه ضرب‌المثل عربی را حفظ کنند!

و اما بشنوید از مسابقه‌ی اندیشه! فضای کتابخانه، یعنی جایی که مسابقه در آن برگزار می‌شد، قبل از ورود داورها نسبت به گروه عربی خیلی ساکت‌تر بود. بعضی از گروه‌ها همان موقع هم در حال کامل کردن اسلایدهای‌شان بودند (البته نه موقع ارائه!). در این بخش از مسابقه به بچه‌ها آیاتی از قرآن داده شده بود. هر کدام از این آیات به ویژگی‌های خاصی اشاره داشتند و بچه‌ها باید فردی را که دارای آن ویژگی‌ها بود، پیدا می‌کردند. کار سختی بود به خصوص این که علاوه بر این، بچه‌ها باید آیات مشابه با مفاهیم مشابه را هم پیدا می‌کردند و ارائه می‌دادند. موقعی

که مسابقه شروع شد، گروه‌ها به صورت دو یا سه نفره جلو می‌رفتند و درباره‌ی آثار، ویژگی و زندگی‌نامه‌ی آن شخصیت توضیح می‌دادند. شخصیت‌ها خیلی متنوع بودند: آدم‌های معروف و قدیمی، شخصیت‌های کتابی، فیلمی و سریالی و حتی آدم‌هایی که اسم‌شان به گوش ما نخورده بود. به هر حال این بخش هم به خوبی اجرا شد. به نظر من که تلاش‌ها و توانایی‌های بچه‌ها واقعاً قابل توجه بود. همه‌ی این‌ها فقط بخش کوچکی از مسابقات بزرگ آن روز بود. حالا باید منتظر می‌ماندیم تا بقیه‌ی مسابقات در بخش‌های دیگر شروع شوند.



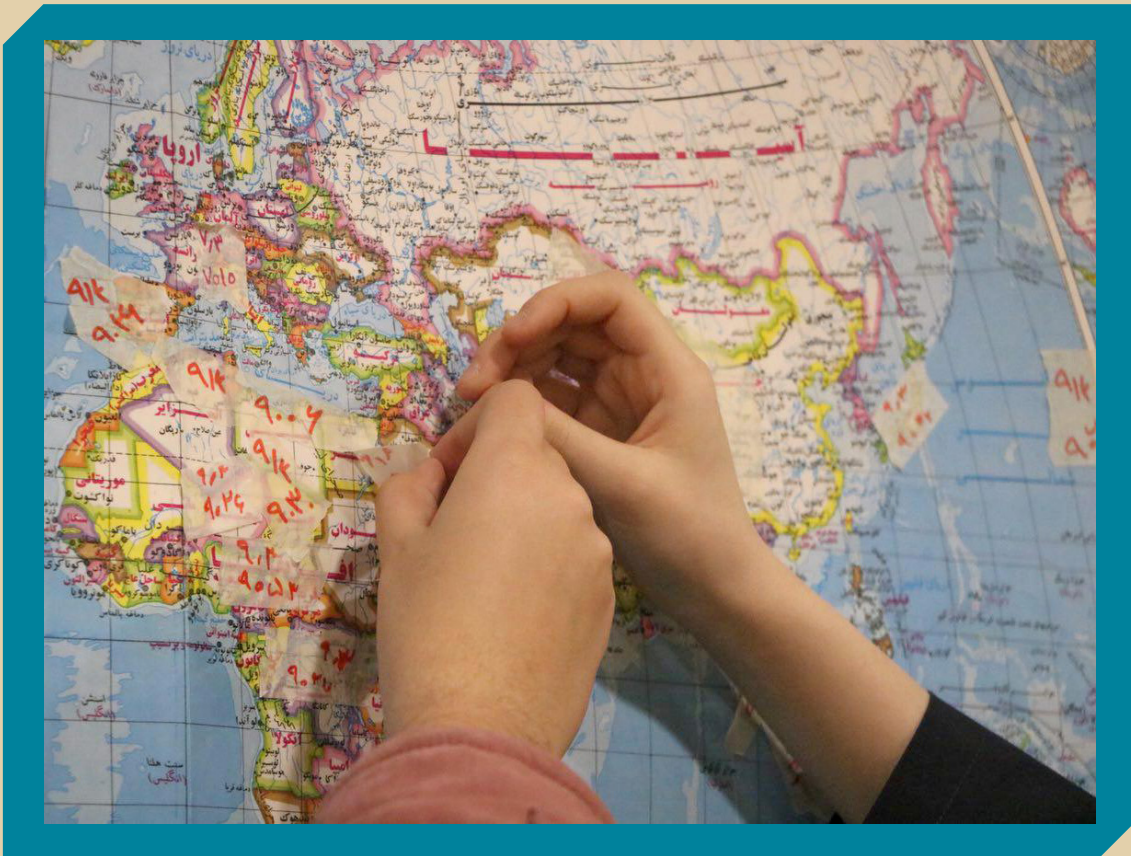


مسابقه‌ی اجتماعی و جغرافی

سارا یکرنگی

چهار ایستگاه

مسابقه‌ی اجتماعی حدود ساعت هشت شروع شد. ابتدا به هر کلاس یک برگه‌ی زرد رنگ دادند که در آن اسم هر کلاس و چهار جهت جغرافیایی: شمال شرقی، شمال غربی، جنوب شرقی و جنوب غربی نوشته شده بود که هر کدام نشان‌دهنده‌ی یک ایستگاه بود که با توجه به ترتیب آن، ترتیب ایستگاه‌ها نیز مشخص می‌شد. ایستگاه اول برای ما ایستگاه شخصیت‌ها بود. از قبل به هر پایه اسم سه شخصیت را داده بودند و باید در این مدت برای هر کدام از آن سه شخصیت یک دفاعیه و شکواییه می‌نوشتیم. روی تابلویی عکس تمام آن شخصیت‌ها نصب شده بود و هر کدام با شماره‌ای بین یک تا سه مشخص شده بودند. با قرعه‌کشی شماره‌ی یک شخصیت مشخص می‌شد و بعد از تشخیص او از روی عکسش شروع به دفاع و شکایت از او می‌کردیم. گروه‌ها دونه‌به‌دونه بود، یکی از ما از شخصیت دفاع و دیگری از او شکایت می‌کرد و سعی می‌کردیم تمام رویدادهای مهم زندگی او را بیان کنیم. تعدادی از معیارهای ارزیابی، مستند بودن گفته‌ها، فن بیان و استفاده از زبان بدن بود. در آخر هم از ما سؤالی می‌پرسیدند که باید با تحلیل زندگی شخصیت موردنظر، جواب آن را می‌دادیم تا با این کار نحوه‌ی برخوردمان را با سؤالی که جواب آن را از قبل نمی‌دانیم و باید برای پاسخش تحلیل کنیم، بسنجند. با صدای سوت، ایستگاه‌مان را عوض کردیم و به ایستگاه طراحی رفتیم. در ایستگاه طراحی بخشی از عکس‌های



می توانستیم هر چه قدر که می خواهیم کلمات مان را عوض کنیم، ولی به محض اینکه یک کلمه را درست می گفتیم، داور این بخش کرنومتر را متوقف می کرد و نوبت به پایهی بعدی می رسید. کلمات هر پایه متفاوت بود و هر بار که هر سه پایه یک کلمه را درست می گفتند، دور بعدی شروع می شد و تا وقتی زمان به اتمام نرسیده بود، این روند ادامه داشت.

با شنیدن صدای سوت برای بار آخر، مسابقه ای اجتماعی دهه ای فجر تمام شد و داورهای ایستگاه های مختلف جمع شدند و شروع کردند به جمع زدن امتیازها. داورهای سه ایستگاه جغرافی، شخصیت ها و پانتومیم، معلم های اجتماعی بودند و داور بخش طراحی یکی از معلم های هنر بود. مسابقه حدود ساعت ده و نیم تمام شد و ظهر نتایج را در آمفی تئاتر اعلام کردند.

بناها و آثار تاریخی کتاب اجتماعی هر پایه موجود بود که باید با نقاشی آن را تکمیل می کردیم. معیارهای این بخش از مسابقه سنجش کیفیت طراحی، مطابقت با اصل اثر، تمیزی، همکاری گروهی و رعایت زمان بندی بود.

ایستگاه بعدی جغرافی بود. هر گروه پانزده سؤال از پاکت های مخصوص هر پایه برمی داشت که پاسخ سؤالات مکانی روی یکی از چهار نقشه ی روی دیوار (نقشه ی ایران و جهان) بود. جواب هر کدام از سؤالات را باید با چسب روی مکان مورد نظر چسبانده و اسم و شماره ی سؤال را روی آن می نوشتیم. برای هر پاسخ درست، امتیاز در نظر گرفته می شد.

ایستگاه آخر، ایستگاه پانتومیم بود. در این مرحله یکی از اعضای گروه روی گوشش هدفون می گذاشت و دیگری بارعایت قوانین پانتومیم، یک کلمه را به او می گفت.

خلاقیت و دیگر هیچ!

یکی دیگر از مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک مسابقه‌ی ریاضی است. از بزرگ‌ترین تفاوت‌های این مسابقه با دیگر مسابقات این است که شرکت کنندگان نمی‌توانند از قبل برای بهتر کردن امتیاز خود تمرین به خصوصی انجام دهند. همه‌چیز به سرعت عمل و ایده‌های خلاقانه‌ی آنها در زمان مسابقه بستگی دارد و همین نکته رقابت را مهیج‌تر می‌کند.

امسال همه‌ی بچه‌های گروه ریاضی همزمان باید با کمک نقشه‌ای که به همراه داشتند سؤالات را پاسخ دهند. در نقشه یک سؤال و تعدادی خط تقارن مشخص شده بود. بچه‌ها باید مکان سؤال اول و سپس مکان مسئله‌های متقارن را بر اساس خط‌های تقارن پیدا و حل می‌کردند. به همین دلیل، هم پیدا کردن مسئله‌ها و هم حل کردن

درست آنها مهم بود، البته سرعت عمل هم امتیاز داشت. مسئله‌ها برای همه‌ی پایه‌ها یکسان بود و بنابراین دانسته‌های قبلی به اندازه‌ی خلاقیت به آنها کمک نمی‌کرد، حتی با وجود سختی‌های مسابقه، همه‌ی بچه‌ها به دلیل بازی‌مانند بودن مسابقه، خیلی از آن لذت بردند.





مهرسا ملک

در قالب شکسپیر

مسابقه‌ی زبان انگلیسی

برای مسابقه‌ی زبان دهه‌ی فجر به هر گروه چند کلمه‌ی هم‌قافیه داده شده بود که باید با آنها یک شعر در قالب‌های شعری خواسته شده می‌نوشتیم. قالب‌ها اینها بودند:

Italian ,Shakespearian Sonnet ,Spensenan Sonnet

باید شعرها را به‌طور خاصی ارائه می‌دادیم؛ مثلاً یک گروه، فیلم درست کرده بود و یک گروه به‌صورت زنده موسیقی داشت. موضوع‌هایی که بچه‌ها درباری آنها شعر نوشته بودند، باوجود یکسانی کلمه‌ها، بسیار متفاوت بود؛ مثلاً یک گروه درباره‌ی روزهای تابستان و یک کلاس راجع به دروغ و دماغ پینوکیو شعر نوشته بود. گروه‌ها در این مسابقه، دونفره بود و داورها معلم‌های زبان‌مان بودند.



استاپ‌موشن‌های فیزیکی

صبا سلطانی

مسابقه‌ی فیزیک

ثانیه‌ای تهیه می‌کرد. استاپ‌موشن یکی از سبک‌های انیمیشن است؛ اگر فرض کنید که روند یک انیمیشن کندتر شده، تقریباً به یک استاپ‌موشن دست یافته‌اید، یا مثلاً اگر در فیلمی، تصاویر به صورت مُقطع نمایش داده‌شود، این فیلم یک استاپ‌موشن است؛ به هر حال ما باید همچنین چیزی می‌ساختیم. آزمایش‌های مختلف، خلاقیت در ساخت، نور، کیفیت و گرافیک، هر کدام معیاری برای سنجش کار گروه‌ها بود. برگردیم به آزمایشگاه: نور؛ اولین فیلم درباره‌ی نور بود.

ساعت هفت و نیم صبح با چهره‌ای خواب‌آلود، وارد آزمایشگاه فیزیک شدیم. قرار نبود کار خاصی انجام دهیم، فقط باید نقش بیننده را ایفا می‌کردیم. البته باید به باقی گروه‌ها هم نمره می‌دادیم و این کار باید با رعایت انصاف انجام می‌شد، چون این نمره‌ها نیز در نمره‌ی نهایی لحاظ می‌شد.

داستان فیزیک از این قرار بود که هر گروه باید با یکی از موضوعات گرانش، نور، قوانین نیوتن، الکتریسیته، مغناطیس و گرما یک استاپ‌موشن نود تا صدوبیست

فیلم‌ها پشت سر هم می‌آمدند و می‌رفتند. هر گروه باید
دو سؤال می‌نوشت که انتظار داشت بچه‌ها بتوانند بعد از
دیدن فیلم به آن‌ها جواب بدهند و ما باید بر این اساس
به گروه‌ها در بخش انتقال درست مفهوم فیزیکی، نمره
می‌دادیم.

خانم پروین، خانم محمدزاده، خانم کفایتی، خانم مهدیان
و دیگر معلم‌های فیزیک ردیف جلو نشسته بودند و با

تغییر صحنه‌ی فیلم، چهره‌ی آن‌ها نیز به‌طور مرموزی تغییر
می‌کرد که همین موضوع باعث می‌شد میزان استرس ما هم
تغییر کند (!)

-مرسی بچه‌ها، لطفاً برگه‌های نمره‌دهی را به من بدهید.
با این جمله مسابقه به پایان رسید. اما استرس‌ها، برخلاف
انتظار، هنوز با ما همراه بودند تا فردا ساعت هفت و نیم
زمان اعلام نتیجه‌ها.





مهتاب زهتاب

مسابقه‌ی کامپیوتر لذت یادگیری

وقتی حرف مسابقه‌ی کامپیوتر به میان می‌آید، اغلب فکر می‌کنند که باید پشت کامپیوتر بنشینند و با زبان‌های مشهور کامپیوتری کد بنویسند، اما در مسابقه‌ی امسال هیچ خبری از کدنویسی نبود. قبل از مسابقه باید درباره‌ی الگوریتم‌های مرتب‌سازی و شمارش دودویی مطالعه می‌کردیم و آنها را یاد می‌گرفتیم. منبع خاصی را به ما معرفی نکرده بودند با این حال در پیدا کردن منابع با مانعی مواجه نشدیم و به راحتی توانستیم شمارش دودویی را یاد بگیریم. درباره‌ی الگوریتم‌های مرتب‌سازی مطالب زیادی در اینترنت بود و هر کدام روش خاصی برای اجرا شدن

داشت، بعضی‌های‌شان شباهت زیادی به هم داشتند و برخی اصلاً از قوانین دیگری پیروی نمی‌کردند و این موضوع خیلی گیج‌کننده بود.

مسابقه در سه مرحله انجام شد. در مرحله‌ی اول باید ده لیوان با وزن‌های مختلف را از کم وزن‌ترین تا سنگین‌ترین می‌چیدیم. برای این کار باید از الگوریتم‌های مرتب‌سازی و وسایلی که در اختیار داشتیم: دو لیوان خالی، کاموا، پانچ، خط‌کش فلزی، قیچی و چسب استفاده می‌کردیم. همچنین باید طرز استفاده از الگوریتم انتخابی‌مان را در برگه‌ای شرح می‌دادیم. سه بار فرصت داشتیم که از مسئولان بخواهیم تا چیدمان‌مان را ببینند و بگویند درست است یا نه، بعد از این سه بار، مجبور بودیم از راهنمایی معلم‌ها استفاده کنیم و درازای جواب درستی که به دست آورده‌ایم، سی امتیاز بگیریم و به مرحله‌ی دوم برویم.

در مرحله‌ی دوم با توجه به چیدمان مرتب شده، لیوان‌ها را برعکس کردیم و اعداد باینری‌ای که زیر آن‌ها نوشته

شده بود را به اعداد ده‌دهی تبدیل کردیم و به ترتیب پشت سرهم نوشتیم. عدد به دست آمده خیلی طولانی و عجیب بود. این عدد در مرحله‌ی سوم به عنوان رمز استفاده شد.

در مرحله‌ی آخر، تبلتی را با رمز به دست آمده باز کردیم و با استفاده از آن، از مرحله‌ی اول کارمان فیلم‌برداری کردیم. در آخر، زمان پایان کارمان را یادداشت کردیم و برگه و تبلت را تحویل دادیم.

در تمام مراحل چه قبل و چه حین انجام مسابقه، همکاری و همفکری باعث سرعت گرفتن کارها می‌شد. در مرحله‌ی اول باید کمی خلاقیت به خرج می‌دادیم تا بتوانیم ترازو بسازیم و نباید می‌ترسیدیم که از معلم‌ها راهنمایی بگیریم چرا که اگر راهنمایی نمی‌گرفتیم، نمی‌توانستیم به مراحل بعدی برویم و زمان‌مان را از دست می‌دادیم.

مهم نبود که کدنویسی بلد باشیم یا نه، با کمی مطالعه، تلاش، همکاری و مسئولیت‌پذیری، هم از یادگیری لذت بردیم و هم در پایان از کارمان راضی بودیم.





فرانک ضرغامیان مسابقه‌ی سرود

آوازی که یک کلاس می‌خواند

چند هفته‌ای بود که همه‌ی بچه‌ها سرودهای‌شان را تمرین کرده بودند و حالا برای اجرا هیجان زیادی داشتند. موضوعات مسابقه‌ی سرود امسال فردا و محیط زیست بود و همه دوست داشتند ببینند کلاس‌های دیگر چگونه با این موضوعات کنار آمده‌اند.

کلاس‌ها به نوبت روی صحنه می‌آمدند و ترانه‌ی نوشته شده‌شان را می‌خواندند. شنیدن این ترانه‌ها برای همه واقعاً جالب بود چون هر کلاس ایده و فکری متفاوت درباره‌ی این دو موضوع واحد داشت؛ مثلاً کلاسی درباره‌ی فردای ایران و کلاسی دیگر درباره‌ی عشق نوشته بود. کلاسی دیگر درباره‌ی زندگی و کلاسی دیگر ترکیبی از هر دو را نوشته بود. هر کلاس علاوه بر متن خاص خودش، حرکات بدنی مخصوص به خودش را هم داشت. کلاسی بشکن می‌زدند و کلاسی دیگر با جابه جا شدن روی صحنه، شکل‌های مختلفی را به‌وجود می‌آوردند.

مسابقه‌ی سرود با بقیه‌ی مسابقه‌ها خیلی فرق دارد چون در این مسابقه همه‌ی بچه‌های کلاس بی‌توجه به گروه مسابقه‌ای خودشان، یک گروه می‌شوند و در کنار هم تلاش می‌کنند. در این مسابقه همکاری و همفکری حرف اول را می‌زند و باعث برد یا باخت کلاسی می‌شود.



مانلی کلاهی

هماهنگی و اتحاد

مسابقه‌ی حرکات ورزشی

حرکات ورزشی دهه‌ی فجر امسال، سخت‌تر از سال‌های پیش بود. امسال خودمان باید آهنگ انتخاب می‌کردیم، البته که سال‌های قبل هم باید خودمان آن را انتخاب می‌کردیم ولی حداقل گزینه‌هایی داشتیم. این موضوع، هم باعث خوشحالی ما بود و هم ناراحتی. برای ما آهنگ پیدا کردن مشکل نبود ولی بی‌کلام کردنش زمان زیادی لازم داشت چون خودمان با برنامه‌های مختلف دست به کار شده بودیم. بعد از انتخاب آهنگ، حرکاتی که قرار بود روی آن بگذاریم، مهم بود. ما این حرکات را باید بی‌عیب و نقص برای داورها اجرا می‌کردیم. از سال اول متوسطه‌ی یک به ما می‌گفتند که باید در اجرای مان حرکات ورزشی باشد، برای همین باید همزمان با آهنگ، حرکاتی ورزشی را اضافه می‌کردیم که حداقل یکی از اعضای گروه آن را بلد باشد.

دلیل دیگری که امسال کار بچه‌های حرکات ورزشی را سخت کرده بود، کمتر بودن وقت تمرین

بقیه‌ی کلاس‌ها حرف زدیم و بعد از متقاعد کردن همه‌ی بچه‌های نهم تصمیم گرفتیم که بعد از اجرای مسابقه‌ی آخرین کلاس، گروه حرکات ورزشی همه‌ی نهم‌ها با هم کاری را اجرا کنیم. حرکات ورزشی آخرین و هیجان‌انگیزترین مسابقه بود و برای این فکر عالی آهنگ سال هفتم و حرکات معروف سال‌های پیش‌مان را کنار هم گذاشتیم و برنامه‌ی «پلان ب» را آماده کردیم. پلان ب اختتامیه‌ی غافلگیرکننده‌ای شد که اتحاد نهم‌های امسال را نشان می‌داد و پس از آن همه راضی بودیم.

و هماهنگی بود. بعد از یک عالم فکر به حرکاتی که قرار بود انتخاب کنیم و بعد توافق با بقیه، حالا باید آنها را هماهنگ می‌کردیم. هماهنگی سخت‌ترین کار است به خصوص وقتی حرکات، پیچیده و مشکل باشند. با این حال، با انگیزه‌ی گروه و کلاس و پایه، به کارمان ادامه دادیم و تمرین کردیم.

یکی از روزهای اول ایده‌دادن، یکی از بچه‌های گروه‌مان پیشنهاد داد که همه‌ی کلاس‌های نهم با هم یک کار ارائه بدهند. خیلی از این ایده استقبال کردیم، پس رفتیم با



رتبه‌ی اول مسابقه‌ی ادبی*

[illegible]

«شعر جهان» نام مجموعه‌ای سی و پنج جلدی است که انتشارات مروارید آن را به چاپ رسانده و عناوین دیگری از آن، همچنان در نوبت چاپ این ناشر است. بیشتر کتاب‌های این مجموعه چندین بار تجدید چاپ شده‌اند. این مجموعه که روی جلدی یک‌سان دارد، اولین بار در سال ۱۳۸۱ با انتشار گزیده‌ی اشعار الوالد و یتمن

و معتبر است چرا که از سال ۱۳۴۰ تاکنون با فعالیت مداوم و پرثمر در این زمینه فعال بوده است. این ناشر اولین بار با چاپ اشعار و سروده های شاعران شعرنو ایران؛ مانند فروغ فرخزاد، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو به کتابخانه های فرهیختگان ایرانی راه پیدا کرد و هنوز نیز پس از گذشت پنجاه و هفت سال کار خود را با دقت و وسواس دنبال می کند.

مهمترین ویژگی مجموعه ی شعر جهان، چاپ دوزبانه ی اشعار است؛ بدین معنی که اصل شعر به هرزبانی که سروده شده، در یک صفحه و ترجمه ی آن در صفحه ی مقابلش به چاپ رسیده است. به این ترتیب خواننده می تواند علاوه بر خواندن ترجمه ی شعر، اصل آن را نیز خوانده و از مقایسه ی این دو باهم به جوهره ی اصلی و حقیقی متن نزدیک تر شود. آنچه از دیگر ویژگی های ممتاز این مجموعه به حساب می آید وجود مترجمان توانایی است که ترجمه ی این اشعار را به عهده گرفته اند. شاعران، اساتید دانشگاه و پژوهشگران معتبر حوزه ی ادبیات از جمله افرادی اند که با ناشر همکاری کرده اند.

مطالعه ی آثار ادبی بزرگان جهان اعم از شعر، داستان، مقاله سبب وسعت نگاه و آشنایی با فرهنگ و باورهای دیگر نقاط دنیا می شود و کمک می کند تا در کنار بهره مندی از فرهنگ و ادب ایران، با نگاه های جهانی نیز آشنا شویم و ویژگی های مشترک با آنها را درک کنیم، چرا که هنر، زبان مشترک تمامی مردم جهان است و شعر چکیده ی

این کلام مشترک است. کلامی که می تواند به زیباترین و موثرترین شکل دنیای ما را به هم نزدیک کند. در آخر به بخش هایی از سخنان استفان برت منتقد ادبی، شاعر و استاد دانشگاه هاروارد استناد می کنیم که در سخنرانی خود تحت عنوان «چرا انسانها به شعر نیاز دارند؟» چنین می گوید:

«همه ی ما روزی می میریم. شعر به ما کمک می کند تا زندگی کنیم. وقتی شعر می خوانید تصور می کنید که یک نفر با شما یا برای شما حرف می زند. ممکن است او از شما دور باشد یا حتی فوت کرده باشد اما ما می توانیم به اشعارش پناه ببریم. هرگاه بخواهیم یاد کسی یا چیزی را زنده کنیم یا با کسی خداحافظی کنیم و یا حتی چیزی فراتر از مرگ را تجربه کنیم، شعر در زندگی ما هست و چیزی است که به سادگی از کلمه ساخته شده است. این یکی از دلایلی است که اشعار، مهم به نظر می رسند؛ حتی برای کسانی که در دنیای کلمات زندگی نمی کنند. شعر به من کمک می کند که بخواهم زنده بمانم. مهم نیست که شما کجا زندگی می کنید، شعر می تواند کمک کند تا احساسات تان را بگویید و آنها را نشان دهید. در نهایت همه ی راه ها به سوی نیاز اولیه ی انسان منتهی می شود.»

* در اینجا متن معرفی کتاب کلاس ۹/۴ را که در مسابقه ی ادبی به همراه کلاس ۷/۳ رتبه ی اول را کسب کردند می خوانید. در صورتی که متن گروه های برنده ی دیگر نیز به دستمان برسد آنها را نیز در شماره های بعدی در خردنامه منتشر خواهیم کرد.

موضوعات و معیارهای مسابقات دهه‌ی فجر سال تحصیلی ۹۷-۹۸

مسابقه‌ی آواز گروهی

موضوعات:

(۱) محیط‌زیست

(۲) فردا

(۳) حواس (دیدن، شنیدن، چشیدن، بوییدن، لمس کردن)

به هر پایه سه موسیقی داده خواهد شد.

معیارها:

الف) کیفیت آواز جمعی (خواندن صحیح و کوک درست)

ب) خلق شعر بر اساس یکی از موضوع‌های داده شده.

پ) تلفیق شعر و موسیقی

ت) هماهنگی و نظم در اجرا

ث) خلافت و نوآوری در اجرا (چیدمان گروه/ استفاده از حرکت، بدن کوبه و ...)

مسابقه زیست و شیمی

عنوان: تولید موزیک ویدئویی آموزشی

شرکت‌کنندگان یکی از دو موضوع داده شده را انتخاب کرده و پس از جمع‌آوری اطلاعات، درباره آن یک ترانه آموزشی بنویسند. سپس برای ترانه خود یک موزیک ویدئو طراحی و تولید کنند.

موضوعات:

۱- بازیافت

۲- آلودگی هوا

- زمان موزیک ویدیو بین ۳ تا ۷ دقیقه باشد.
- موزیک ویدیو می‌تواند انیمیشن، رئال، ترکیبی و یا موشن گرافی باشد.
- موسیقی کار می‌تواند از ساخته های خود دانش آموزان و یا هر منبع دیگری باشد. (لازم به ذکر است ساخت موسیقی توسط دانش آموزان، امتیاز ویژه دارد).
- متن ترانه به زبان فارسی و شامل موارد زیر باشد:

ارائه تعریف صحیح و کاملی از مفهوم/ویژگی / کاربرد/ اثرات/ روش‌ها...

*** متن ترانه به صورت تایپ شده به همراه فایل موزیک ویدیو (فرمت mp4) روز شنبه ۱۳ بهمن، ۸ تا ۱۰ صبح به آزمایشگاه زیست تحویل داده شود

معیارها:

- صحت علمی
- رعایت زمان موزیک ویدئو
- هماهنگی متن با موسیقی
- کیفیت تولید (صداگذاری، تصویر پردازی)
- هماهنگی متن و تصویر با موضوع
- آموزش صحیح و روان موضوع
- نوآوری و خلاقیت
- منابع
- تحویل به موقع کار

- تعداد افراد شرکت کننده در هر گروه ۳ نفر است.
- رابط‌های مسابقه خانم‌ها ندا مستوفی و نازنین کلاهی هستند.
- مکان مسابقه، آزمایشگاه زیست می‌باشد.

مسابقه‌ی ادبی

موضوع: معرفی و نقد کتاب شفاهی

دانش‌آموزان در گروه‌های سه نفره یک کتاب یا نشریه را برای معرفی انتخاب می‌کنند. کتاب یا نشریه علاوه بر موضوع ادبیات و قالب داستان، می‌تواند به حوزه‌های دیگر علوم انسانی نیز مربوط شود. کتاب یا نشریه با این اطلاعات معرفی شود:

- ۱- اطلاعات شناسنامه‌ای
- ۲- خلاصه‌ی مطالب (اطلاعات محتوایی)
- ۳- اشاره به ارزش، اهمیت و سایر ویژگی‌هایی که موجب انتخاب این کتاب شده.
- ۴- با دو دلیل مخاطبان را قانع کنند که این کتاب یا نشریه را باید بخوانند.

نحوه‌ی ارائه:

- ۱- متن این معرفی با رعایت اصول صحیح نگارشی و ویرایشی (با رعایت قوانین دستوری، بند، فرورفتگی بند، حاشیه‌ی دو سمت کاغذ و علائم نگارشی مناسب) نوشته شود و یک روز قبل یعنی صبح روز شنبه ۱۳ بهمن ماه به گروه انشا تحویل داده شود. (اندازه‌ی متن از یک تا یک و نیم صفحه ۴۰ باشد). (متن ۴۰ امتیاز دارد).
- ۲- پوستری برای معرفی کتاب تهیه شود که اطلاعات موجود در آن ضمن معرفی شفاهی به کار آید. (اختیاری/ حداکثر ۱۰ امتیاز)
- ۳- یکی از اعضا یا حداکثر دو نفر از آنها معرفی را با توجه به متن نوشته شده‌شان با حرکات مناسب دست و بدن و با صدای رسا و گفتار منسجم ارائه دهند.
- ۴- هر گروه برای ارائه‌ی خود بین ۶ تا ۸ دقیقه زمان در اختیار دارد، رعایت دقیق زمان اعلام شده ضروری است. (ارائه ۶۰ امتیاز دارد).
- ۵- در پایان هر ارائه، اعضای گروه برای پاسخ به سؤالات احتمالی داوران و مخاطبان، تسلط لازم را داشته باشند.

مسابقه‌ی حرکات ورزشی

موضوع: طراحی حرکات ورزشی برای موسیقی‌ای که به شما داده می‌شود.

- | | |
|-------------------------------|---------------------------|
| الف) شروع و پایان خوب و مناسب | ب) انجام صحیح حرکات ورزشی |
| پ) تنوع در حرکات ورزشی | ت) هماهنگی گروه |
| ث) هماهنگی حرکات با موسیقی | |

* افراد شرکت‌کننده حرکات ورزشی را با لباس ورزشی مدرسه انجام خواهند داد.

مسابقه‌ی نمایش

موضوع نمایشنامه:

انتخاب یک شی از بین اشیای پیشنهادی به عنوان موضوع و شخصیت اصلی نمایش (در نظر گرفتن شی به عنوان شخصیت اصلی نمایش)

این مسابقه با شرایط زیر برگزار می‌شود:

- نمایشنامه توسط شرکت کنندگان نوشته می‌شود و سپس روی صحنه اجرا می‌گردد.
- مهلت تحویل نمایشنامه اول بهمن‌ماه است.
- بعد از تایید نمایشنامه بازبینی صورت گرفته و تمرین‌ها شروع می‌شود.
- نمایشنامه باید شروع، میانه و پایان مشخص داشته باشد
- موقعیت زمانی و مکانی نمایش مشخص باشد
- زمان اجرا ۵-۷ دقیقه می‌باشد.
- تعداد اعضا گروه ۳ نفر است که حداقل یک و حداکثر سه نفر بر روی صحنه می‌روند.
- با توجه به زمان کوتاه اجرا پیشنهاد می‌شود که یک یا دو نفر روی صحنه بیایند

مسابقه‌ی ریاضی

امسال در مسابقات دهه‌ی فجر می‌خواهیم در مدرسه جستجو کنیم، در گوشه و کنار مدرسه بگردیم و مساله‌هایی که در نقاط مختلف پنهان شده است را پیدا کنیم. هر مساله کلید پیدا کردن مساله‌ی جدیدی را می‌دهد و به کمک آن می‌توان در مسیر پیچ در پیچ مسابقه گامی به جلو رفت. مسائل مسابقه بیشتر از این که درباره‌ی موضوعات کتاب درسی باشد توانایی حل مساله‌ی شما را ارزیابی می‌کند. برای آمادگی در مسابقه، توصیه می‌کنیم که مسائلی در زمینه‌ی تفکر رایانشی حل کنید.

تعداد اعضای گروه: ۳ نفر

معیارها:

- پیدا کردن ایستگاه بعدی
- صحیح حل کردن سوال هر مرحله
- سرعت عمل
- کشف الگوی کلی مسیر

مسابقه‌ی کامپیوتر

شرح مسابقه:

مسابقه شما دارای سه مرحله است. (مراحل در روز مسابقه شرح داده می‌شود).

برای انجام این مراحل، پیش‌مطالعه موارد زیر مورد نیاز است:

- ۱- در باره‌ی الگوریتم‌های مرتب‌سازی جستجو کنید و به روش کار الگوریتم‌ها مسلط باشید.
- ۲- به تبدیل اعداد از مبنای ۱۰ به مبنای ۲ و بالعکس مسلط باشید.

معیارهای امتیازدهی:

- مطابقت الگوریتم ارائه شده با مراحل انجام شده توسط گروه‌ها
- بهینه بودن الگوریتم
- رمزگشایی
- اتمام هر سه مرحله
- سرعت عمل
- تعداد اعضای هر گروه: ۲ نفر

مکان مسابقه: سایت متوسطه ۲

مسابقه‌ی اجتماعی

موضوع:

مسابقه‌ای در چهار ایستگاه

۱۲ تیم دونفره خواهیم داشت که در چهار ایستگاه با هم رقابت می‌کنند. امتیازهای ایستگاه‌ها با هم متفاوت است. جمع امتیازهای گروه‌ها و کسب بالاترین امتیاز برنده را مشخص می‌کند.

۴ ایستگاه مسابقه عبارتند از:

- ایستگاه پانتومیم- ایستگاه اطلاعات جغرافی- ایستگاه مدل سازی دادگاه شخصیت‌ها- طراحی آثار تاریخی
- مهمات‌های مورد نیاز: خواندن نقشه و تشخیص جهت‌های جغرافیایی
- بیان دقیق و رسا برای معرفی (دفاعیه و شکواییه) درمورد شخصیت‌های تاریخی
- تکمیل طراحی یک اثر تاریخی که از کتاب درسی هر پایه انتخاب می‌شود.
- انتقال مفاهیم از طریق پانتومیم

منابع مورد نیاز ایستگاه جغرافیا:

پایه ی نهم: بخش جغرافیایی کتاب مطالعات اجتماعی نهم و هشتم.

پایه های هفتم و هشتم: بخش جغرافیایی کتاب هفتم.

(اطلاعات عمومی جغرافیا) برای همه ی پایه ها

منابع مورد نیاز ایستگاه طراحی:

تصویری از یک اثر تاریخی (بنا یا شیئی) به صورت ناقص به هر گروه داده می شود و گروه باید آن را کامل کنند. تصویر از بخش تاریخ کتاب هر پایه انتخاب می شود. معیار داوری این بخش مطابقت طرح با اثر واقعی، تمیز بودن کار و کیفیت طراحی است.

منابع مورد نیاز ایستگاه مدل سازی دادگاه شخصیت ها (mood court):

سه شخصیت تاریخی برای هر پایه انتخاب می شود که باید درباره ی اقدام ها و عمل کرد آن ها یک شکواییه و یک دفاعیه آماده کنند. هر گروه برای هر سه شخصیت آمادگی دارند ولی روز مسابقه یکی را با قرعه انتخاب می کنند. (تشخیص تصویر شخصیت تاریخی انتخاب شده نیز بخشی از امتیاز بازی است) معیار داوری این بخش استدلال قوی، استفاده از اسناد و مدارک و شواهد و قدرت بیان ایده ها و نظرات است.

مسابقه ی فیزیک

عنوان مسابقه:

ساخت stop motion ای برای آموزش یک مفهوم فیزیکی

شرح مسابقه:

در این مسابقه دانش آموزان در یکی از حوزه های فیزیکی زیر:

۱- گرانش

۲- نور

۳- قوانین نیوتن

۴- الکتروسیسته

۵- مغناطیس

۶- گرما

مفهومی را انتخاب کرده و stop motion ای برای انتقال آن می سازند و تا تاریخ شنبه ۱۳ بهمن ماه تحویل خانم کفایتی و خانم مهدیان می دهند. در روز مسابقه در محل آزمایشگاه فیزیک کلیپ تحویل داده شده برای داوران و

دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقه فیزیک نمایش داده می‌شود و توسط هر دو گروه بر طبق معیارهایی که در ادامه توضیح داده می‌شود، امتیازدهی می‌شود.

تعداد دانش‌آموزان هر گروه: ۳ نفر

قوانین مسابقه:

- ۱- زمان تحویل روز شنبه ۱۳م بهمن ماه حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰
- ۲- رعایت مدت زمان فیلم (حداقل ۹۰ و حداکثر ۱۲۰ ثانیه)
- ۳- کلیپ تحویل داده شده شامل عنوان، نام اعضای گروه و پایه تحصیلی باشد.
- ۴- رعایت فرمت (فقط mp4 مورد قبول است).
- ۵- حداکثر حجم مورد قبول ۳۰ مگابایت

معیارها:

- ۱- شرایط تحویل (۱۵ امتیاز)
 - زمان تحویل کلیپ به همراه فرم ثبت اطلاعات، روز شنبه ۱۳ بهمن ماه حداکثر ساعت ۱۴:۰۰ (۵ امتیاز)
 - رعایت مدت زمان فیلم، حداقل ۹۰ و حداکثر ۱۲۰ ثانیه (۵ امتیاز)
 - (مدت زمان اسلایدهای شامل عنوان و نام اعضای گروه حداکثر ۱۰ ثانیه باشند).
 - رعایت فرمت (mp4) و حداکثر حجم فایل ۳۰ مگابایت (۵ امتیاز)
- ۲- انتقال درست موضوع فیزیکی (۴۰ امتیاز)
 - صحت علمی موضوع (۱۰ امتیاز)
 - پیوستگی در ارائه مطالب (۱۰ امتیاز)
 - هماهنگی تصویر با توضیح علمی همراه آن (۱۰ امتیاز)
 - آموزش درست و روان موضوع (۱۰ امتیاز)
- ۳- خلاقیت در ارائه مطالب (۱۵ امتیاز)
 - سناریو (۱۰ امتیاز)
 - نوآوری (۵ امتیاز)
- ۴- خلاقیت و کیفیت ساخت (۱۵ امتیاز)
 - نور مناسب،
 - گرافیک،
 - موسیقی متن

۵- امتیاز دانش آموزی (۱۵ امتیاز)

- موفقیت در ارایه (۵ امتیاز)

- خلاقیت در ساخت (۵ امتیاز)

- تحویل فرم داوری در روز مسابقه (۵ امتیاز)

نحوه اجرای مسابقه:

شرکت کنندگان از قبل کلیپ‌های خود را می‌سازند اطلاعات مربوط به کلیپ خود را در فرمی که در آزمایشگاه فیزیک موجود است وارد می‌کنند و تا تاریخ ۱۳ بهمن ماه تحویل خانم کفایتی و مهدیان می‌دهند. برای ساخت stop motion لازم است اپلیکیشن مناسبی روی تلفن همراه خود نصب کنند که برای این منظور می‌توانند به مسؤل سایت کامپیوتر واحد خود مراجعه کنند. در روز شنبه ۱۳ بهمن ماه ساعت ۱۳:۳۰ قرعه‌کشی برای ترتیب نمایش کلیپ‌ها انجام می‌شود. سپس کلیپ‌ها به ترتیب، نمایش داده می‌شوند و توسط هر دو گروه داوران بر طبق معیارهایی که توضیح داده شد، امتیازدهی می‌شود.

زمان و مکان مسابقه:

مسابقه روز یک‌شنبه ۱۴ بهمن ماه در محل آزمایشگاه فیزیک شروع خواهد شد. برای پاسخگویی به سؤالات دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این مسابقه، دفتری در آزمایشگاه قرار داده می‌شود که می‌توانید سؤالات خود را به‌طور کتبی در آن بنویسید و پاسخ خود را دریافت کنید.

مسابقه‌ی زبان

شکل مسابقه:

یک لیست از کلمات هم قافیه به بچه‌ها داده می‌شود تا با استفاده از فرم شعری که به غزل‌های شکسپیری معروف است و استفاده از کلمات هم قافیه شعر بنویسند.

معیارها:

* ساختار صحیح و متنوع (دستوری- انتخاب کلمات)

** تلفظ و لحن مناسب با متن

*** خلاقیت در نوشته و اجرا

*** هماهنگی متن با موضوع داده شده

استفاده از موسیقی و ساز بلامانع است. در صورت استفاده به جا و مناسب امتیاز دارد ولی نداشتن آن امتیازی کم نمی‌کند.

مسابقه‌ی شاعره

مکان: آمفی تئاتر

داوران: خانم‌ها مولایی، خطایی، محمدزاده و حاتمی

تاریخ: ۹ بهمن ماه ۱۳۹۷

مرحله اول: مشاعره سنتی برگزار می‌شود. در این مرحله شرکت کنندگان ۱۰ دور باهم رقابت می‌کنند.
مرحله دوم: در این مرحله شرکت کنندگان با کلیدواژه‌هایی که انتخاب کرده‌اند یک بند شعر نو می‌خوانند، این مرحله دو دور انجام می‌گیرد. هر دور ۱۰ امتیاز
مرحله سوم: در این مرحله شرکت کنندگان با مفاهیمی که انتخاب کرده‌اند یک بیت شعر می‌خوانند. بیت شعر باید دربرگیرنده آن مفهوم باشد. این مرحله نیز دو دور انجام می‌گیرد. هر دور ۱۰ امتیاز.
کلید واژه‌ها و مفاهیم قبلاً با شروع ترم در اختیار دانش آموزان قرار می‌گیرد.

مسابقه‌ی عربی

موضوع اول: انتخاب واژه و اجرای پانتومیم
معیارها:

اجرای خوب پانتومیم

سرعت و زمان

تعداد واژه‌های بیشتر

موضوع دوم: انتخاب واژه و جمله‌سازی
معیارها:

تعداد واژه‌های بیشتر

سرعت

جملات بیشتر

جمله‌ی صحیح از نظر مفهوم و قواعد

موضوع سوم: ضرب المثل

معیارها:

نحوه‌ی صحیح پانتومیم

سرعت و در زمان مشخص شده تعداد واژه‌های بیشتر

تلفظ صحیح عربی

مسابقه در سه مرحله‌ی کلمه، جمله و ضرب المثل اجرا می‌شود.

معیارهای کلی:

سرعت عمل

درستی جمله‌ها از نظر نگارشی

سختی جمله‌ها

رعایت قوانین پانتومیم

لهجه

مسابقه‌ی اندیشه

عنوان: «در جستجوی خُلق خالق»

شیوه‌ی اجرای مسابقه:

در ابتدا دانش‌آموزان آیات (منابع) را مطالعه کرده و ویژگی‌های اخلاقی را از آن استخراج می‌کنند. سپس یک شخصیت با این ویژگی‌ها معرفی می‌کنند. (حداقل ۷ ویژگی). مصادیق این ویژگی‌ها را در شخصیت این فرد نام می‌برند. *** این شخصیت می‌تواند حقیقی و در زندگی خود افراد باشد و یا برگرفته از یک داستان، فیلم یا انیمیشن باشد. *** در صورت معرفی شخصت مزبور از کتاب، فیلم یا انیمیشن، گروه‌ها باید مستندات خود را در تاریخ یکشنبه ۷ بهمن ۹۷ به مسئول فوق برنامه تحویل دهد تا ایشان به دست داوران برساند.

این آرائه شفاهی در دو بخش انجام می‌شود:

۱- به صورت شفاهی و سخنرانی

۲- آرائه‌ی مستندات

گروه‌ها در روز مسابقه مستندات مکتوب و منابع مورد استفاده خود را به صورت یک پاورپوینت ارائه می‌دهند. *** دانش‌آموز می‌تواند آیات اخلاقی دیگری را مورد استفاده قرار دهد.

*** زمان ارائه‌ی مسابقه برای هر گروه ۵ تا ۷ دقیقه است.

معیارهای مسابقه :

۱- حضور به موقع

۲- رعایت زمان بندی

۳- همکاری اعضای گروه

۴- تسلط بر ارائه

۵- توضیح نکات استخراج شده از آیات

۶- معرفی شخصیت :

الف) بیان ویژگی‌های اخلاقی (حداقل ۷ ویژگی)

ب) بیان مصادق مناسب (بررسی این ویژگی‌ها در شخصیت معرفی شده)

*** (حد اقل ۱ مصادق برای هر ویژگی، مجموعاً ۷ مصادق)

۷- پاسخگویی به سوالات داوران

۸- ارائه مستندات

۹- منابع

۱۰- خلاقیت و نوآوری

منابع:

۱- سوره فرقان/ آیه ۶۳

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

۲- سوره اسراء/ ۲۸

وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا

۳- سوره اعراف/ ۱۹۹

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

۴- سوره آل عمران / ۱۵۹

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ * وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ * فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

* فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

۵- سوره توبه / ۱۱۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

۶- سوره لقمان / ۵

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

٧- سورة لقمان / ١٤

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى * وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

٨- سورة حجرات / ٩

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا * فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى * فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى * تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ * فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا * إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

٩- سورة حجرات / ١٢

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ * وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا * أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ * وَاتَّقُوا اللَّهَ * إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

١٠- سورة انفال / ٤٦

وَأَصْبِرُوا * إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

١١- سورة نساء / ٥٨

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ * إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ * إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

١٢- سورة بقره / ٢٤٥

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً * وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

١٣- سورة زمر / ١٨

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ



گزارش تصویری

مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



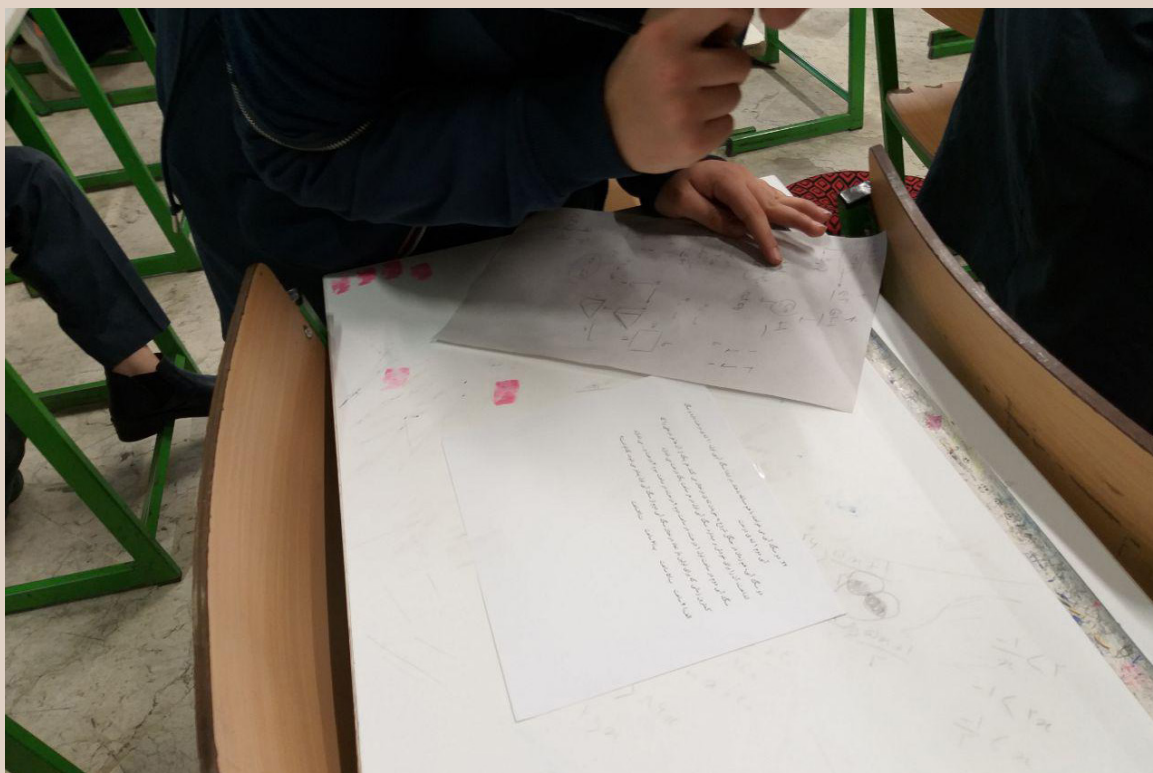
مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



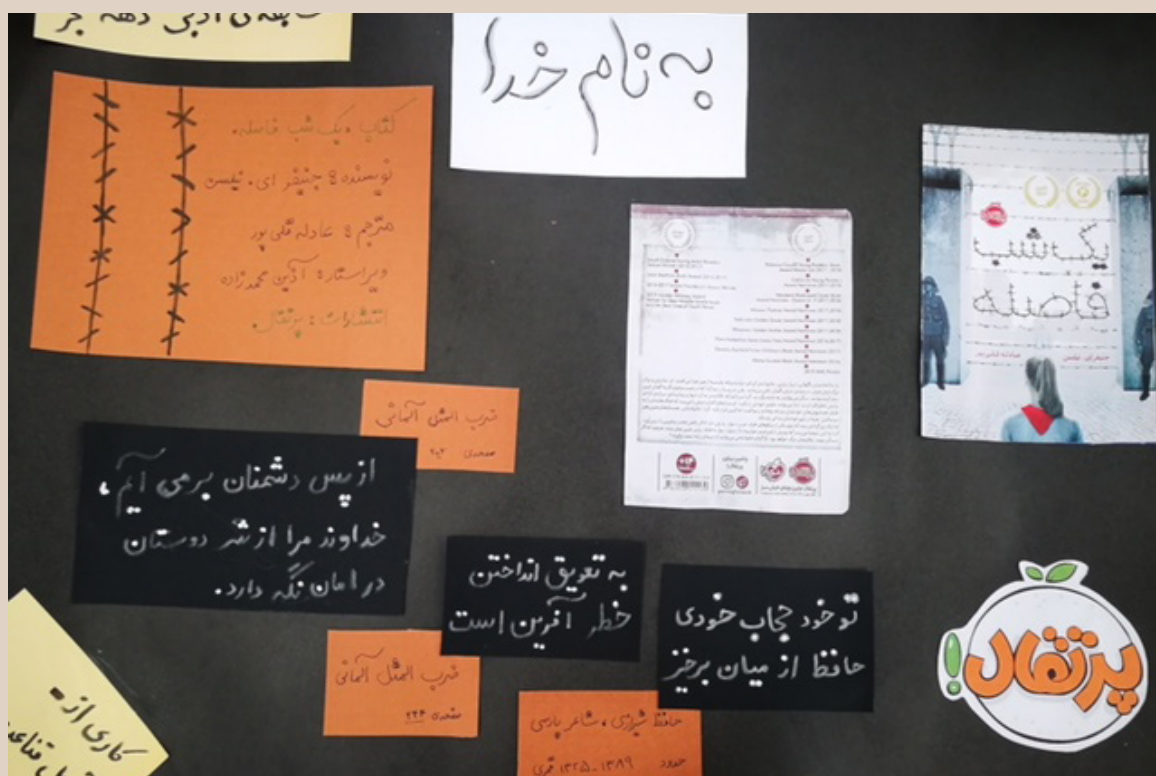
مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی یک به روایت تصاویر



روان ماه خداوند را ببوس

صطفی مستور

هستی آیتی و هلیا تو میدی ۸، ۱

حقّی خدایم در محبت کرمه انزل بین / هستی آیتی یعنی جیستند، تو کجای
یونیس؟
و تو؟ تو کجای بشاید خدایم می بایست هستی مثل محبت کرمه،
خودش را انزل کرد، اشک نگاه بکنند...

مردی هست انگار مرغان میان دولت های جهانی در مورد جیستی خدایم می باشد،
او در این باور است که خدایم اعمال ما نیست
خدا هم جانیست ...

موجود، دوست یونیس، هستی مرغان که در هرگز نزدیک است.
خدایم در این باور است که خدا در علم نیست بلکه که وجود دارد،
نیمی ما هم بر این باوریم که خدایم هست.

تو که عشق بودی و منم که بی وفا بودم / هستی آیتی و هلیا تو میدی، نا آگاهانه هست.

دین بیانی که در مشیست های دانستنا خلاصه شده، قلبی پروا، خدایم با عشق نیست که بوال
دانستنا را بشنود می کند.

[illegible]



متوسطه‌ی دو

پشت درهای رقابت

سنگین تا هنگام خروج فرد خاطی از کلاس، بر صورتش خیره می‌مانند. به نظر می‌رسد که این یک قرار نانوشته و ناگفته است. تنها زمانی در طول سال تحصیلی که... (چه‌طور می‌شود گفت؟) کلاس پذیرای غریبه‌ها نیست. با این وجود پیش می‌آید که صحنه‌هایی غریب و نامنتظره دیده‌شود: دانش‌آموزان چند کلاس که از یکدیگر کمک می‌خواهند. قطعاً پیش می‌آید که کلاسی فیلمش را پیش از موعد به کسی نشان دهند و از او نظر بخواهند. یا دانش‌آموزی شیوه‌ی رمزگذاری یک جمله را از رقیبش در کلاسی دیگر بگیرد. خیلی اوقات کلاس‌ها سرودشان را برای هم اجرا می‌کنند و از نظرهای هم درباره‌ی چینش و نحوه‌ی ورود خود استفاده کنند.

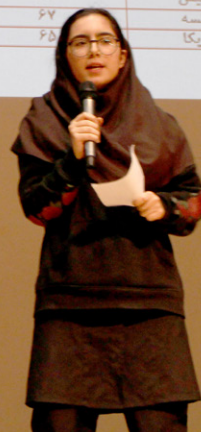
باید اعتراف کرد که مسابقات دهه‌ی فجر وقایع هیجان‌انگیزی‌اند که فرصتی برای شناختن بهتر دیگران و شناساندن خود به دیگران و البته شناساندن خودت به خودت، ایجاد می‌کند.

در هر پنج کلاس یازدهم بسته است و از هر کدام صدای یک جور موسیقی می‌آید. گوشه‌های راهرو دانش‌آموزان در گروه‌های چند نفری نشسته‌اند، یا بر سر هم فریاد می‌زنند یا به یک ایده‌ی فوق‌العاده می‌خندند. هیجانات برانگیخته شده. رقابت شدید است. گاهی یکی زیر گریه می‌زند، گاهی حرف‌هایی زده می‌شود که موجب پشیمانی‌اند. بعضی بدخلق از این‌اند که در مسابقه‌ی موردعلاقه‌شان شرکت نکرده‌اند، بعضی عصبانی از اینکه تعداد زیادی مسؤولیت به طرفشان پرتاب شده و در مقابل، گروهی نالان از اینکه کاری برای انجام دادن ندارند، اما هدف مشترک باعث می‌شود که سخنان تند و تیز به دل گرفته نشود و گریه‌ها آرام شود.

رقابت در کلاس‌ها را بسته نگه می‌دارد. جریان همیشگی رفت و آمد میان کلاس‌ها و رشته‌های درسی مختلف قطع شده‌است. اگر رقیبی برای یافتن رفیقش وارد کلاسی شود، گروه‌ها دست از تمرین بر می‌دارند و نگاه‌های

□ سرانه مطالعه در برخی کشورهای دنیا

ردیف	کشور	سرانه مطالعه (دقیقه)	ردیف	کشور	سرانه مطالعه (دقیقه)
۱	هند	۱۱۲	۷	روسیه	۶۱
۲	ژاپن	۹۲	۸	سوئد	۵۸
۳	چین	۷۴	۹	ترکیه	۵۰
۴	انگلیند	۶۸	۱۰	هائزی	۴۸
۵	فرانسه	۶۷	۱۱	ایتالیا	۴۷
۶	آمریکا	۶۵	۱۲	ایران	۱۳



فن سخنوری

مسابقه‌ی ادبی

روژین فروزندگان
سارا صلاحی مقدم

مسابقه‌ی ادبی (خطابه) آغازکننده‌ی مسابقات دهه فجر متوسطه دو در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود. در این چالش با توجه به موضوع‌های از پیش تعیین شده، گروهی دو نفره از هر کلاس می‌بایست متنی خطابه‌ای را با ۱۵۰۰-۱۰۰۰ کلمه آماده کنند سپس آن را به مدت پنج تا هشت دقیقه به‌طور شفاهی در مقابل داوران و جمعی از دانش‌آموزان ارائه دهند. ارائه دهندگان فرصت داشتند تا در یک دو دقیقه پس از ارائه به سوالات مطرح شده‌ی احتمالی پاسخ دهند.

موضوع خطابه‌ها به شرح زیر بود:

۱- از بین رفتن زبان یک ملت مساوی است با از بین رفتن آن ملت. در طول تاریخ زبان فارسی بزرگراه‌های مهمی بوده است که گویشوران این زبان، زبان فارسی را در خطر دیده‌اند و برای حفظ آن به تلاش‌هایی متمرکز

دست‌یازیده‌اند. صاحب‌نظران معتقدند اکنون نیز در یکی از بزنگاه‌های تاریخی هستیم. شما برای حفظ این زبان چه می‌کنید؟

۲- بسیاری از کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای معتقدند اغلب اقتباس‌های سینمایی رمان‌ها به قوت متن کتاب نیستند و خواندن کتاب را به تماشای فیلم اقتباسی ترجیح می‌دهند. شما کدام را انتخاب می‌کنید: فیلم یا کتاب؟

۳- بعضی از داستان‌ها در میان اقوام تثبیت می‌شوند یا موردپسند و قبول آن‌ها قرار می‌گیرند و سپس سینه‌به‌سینه نقل می‌شوند. این روند را نوعی از اسطوره‌سازی قومی نامیده‌اند. چگونه می‌توان اسطوره‌ها/ افسانه‌های (ملی) را در زندگی امروز بازخوانی کرد؟

از میان دوازده گروه شرکت‌کننده، چهار گروه به موضوع اول، چهار گروه به موضوع دوم و سه گروه به موضوع سوم پرداخته و با استفاده از استدلال و بیان قوی در پی رد یا اثبات موضوع‌های داده‌شد بودند.

نحوه‌ی ارائه در این مسابقه در نوع خود کم‌نظیر بود؛ مثلاً

به نظر می‌رسید بعضی از شرکت‌کنندگان ضمن ارائه تحت فشار بودند، گاه نیاز به لحظاتی مکث، تنفس و لیوانی آب داشتند. بعضی خیلی سریع ارائه می‌دادند و برخی نزدیک به دو برابر زمان اعلام شده را به ارائه اختصاص می‌دادند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد هر گروه پس از ارائه‌ی خطابه‌ی خود باید به سؤالاتی که از سوی داوران یا تماشاچیان مطرح می‌شد پاسخ می‌دادند. چند خطابه‌ی اول با سکوت و بدون سؤال گذشت ولی پس از مدتی دانش‌آموزان سؤالاتی را مطرح کردند که نشان از توجه آنها به خطابه‌ها و هم‌بحث‌انگیز بودن موضوعات داشت و بعضی از سؤالات به بحث، بازخورد دادن و ارزیابی منجر شد. سرانجام سه خطابه با کسب نود امتیاز به‌عنوان برنده‌ی مسابقه اعلام شدند و متن خطابه‌ی کلاس ۱۱/۲ تجربی از طرف داوران به عنوان بهترین متن از نظر تحلیل گام به گام موضوع انتخاب شد. متن سه خطابه از خطابه‌های برگزیده را در صفحات آتی خواهید خواند:



یاس یعقوبی

مسابقه‌ی زیست و شیمی

ترانه‌سرایی با علم

برای مسابقه‌ی زیست و شیمی از دو هفته‌ی قبل، دو موضوع آنزیم‌ها، کاتالیزگرهای صنعتی و نانو ذرات و کاربرد آن‌ها در صنایع اعلام شده بود. هر گروه دو نفره از هر کلاس می‌توانست یکی از این موضوعات را انتخاب کند و با آن یک موزیک ویدئو آموزشی سه تا هفت دقیقه‌ای بسازد. واضح است که موزیک ویدئو باید همراه با تصویر باشد که البته تصاویر می‌توانست یا ساخته‌ی خود دانش‌آموزان باشد و یا از منابع تصویری دیگری مثل اینترنت گرفته شده باشد. لازم بود برای موزیک ویدئو ترانه‌ای هم بنویسیم و ساختن موسیقی موزیک ویدئو توسط خود دانش‌آموزان امتیاز ویژه داشت. در طول هفته‌هایی که به تهیه‌ی موزیک ویدئو مشغول بودیم علاوه بر جلسات توجیهی دو نفر از دبیران زیست و شیمی پاسخگوی سؤالات ما درباره‌ی مسابقات بودند. در طول هفته‌ها با استفاده از تکنولوژی پیشرفته یا ابتدایی، با کمک خواننده‌های بامهارت یا مبتدی و با استفاده از منابع علمی گردن کلفت و یا ساده موزیک ویدئوهای آموزشی ساخته شدند.



کدام نقاط قوت و ضعف خود را داشتند؛ بعضی بار علمی قوی اما خلاقیت اندک داشتند یا صدا و تصویرشان از کیفیت بالایی برخوردار نبود و بعضی برعکس، خلاقیت غیرقابل انکاری در آنها به کار رفته بود، اما از صحت علمی برخوردار نبودند. می‌شود گفت که گروه‌ها وقت و تلاش متفاوتی را برای ساخت موزیک ویدئو خود صرف

یک روز قبل از شروع مسابقات؛ یعنی شنبه سیزدهم بهمن بین ساعت هشت تا ده صبح مسئولین این مسابقه، فایل فیلم‌ها را به همراه متن ترانه‌ها دریافت کردند و بالاخره ساعت ده و نیم صبح داوران و گروه‌های زیست و شیمی از هر کلاس در آزمایشگاه حاضر شدند و پس از استقرار همه روبه روی صفحه‌ی نمایش، پخش فیلم‌ها آغاز



کرده بودند. پس از پایان نمایش فیلم‌ها داوران به ارزیابی و امتیازدهی مشغول شدند. با اینکه مسابقه زیست و شیمی به خاطر کار در زمینه‌های مختلف برای شرکت کنندگان زحمتی مضاعف را به همراه داشت اما چه در طول ساخت و چه در طول مسابقه؛ یعنی در زمان تماشای فیلم‌ها خالی از لذت نبود.

شد. ترتیب نمایش فیلم‌ها بر اساس قرعه کشی مشخص شده بود. داوران پس از تمام شدن هر فیلم از بچه‌ها درباره‌ی منابع صوتی و تصویری‌شان سؤالاتی می‌پرسیدند. بعضی از معیارهای ارزیابی فیلم‌ها این‌ها بودند: بار علمی موزیک ویدئو، خلاقیت در ساخت، زمان بندی مناسب، هماهنگی تصویر و صدا، کیفیت سمعی و بصری. فیلم‌های متنوعی در این مسابقه نمایش داده شد که هر





سنا سادات ذبیحی

متن و اجرا

مسابقه‌ی عربی

به نحوه‌ی نوشتن و دستور زبان برگه‌ها امتیاز دهند. سپس گروه‌ها یکی یکی متن خود را اجرا کردند و پس از آن داورهای مسابقه، امتیازها را جمع‌بندی کرده و نفرات برتر را اعلام کردند: کلاس ۱۰/۲ تجربی، ۱۰/۱ ریاضی و ۱۰/۱ تجربی به ترتیب اول تا سوم شدند.

بعد از اتمام مسابقه با داورها گفتگوی کوتاهی داشتم: به نظر شما مسابقه نسبت به سال‌های پیش چطور بود؟ خانم محمدی: خیلی خوب بود. خلاقیت بچه‌ها بسیار زیاد بود و یکی از موارد ارزیابی که فضا سازی بود را به خوبی نشان داده بودند.

– به نظر شما کار گروه‌ها چطور بود؟

– خانم مقرب: در کل همه عالی بودند، اما گروه‌های پایه‌ی دهم اجرای بهتری داشتند. علاوه بر اجرا، متن هم اهمیت دارد. خیلی مهم است که بچه‌ها بتوانند متنی با کمترین غلط بنویسند و در کل نسبت به یک دانش‌آموز دبیرستانی بچه‌ها عالی نوشته بودند.

بالاخره بعد از هفته‌ها تمرین و آمادگی، مسابقات دهه‌ی فجر شروع شد. در روزیکشنبه چهارده بهمن، متوسطه‌ی دو درس را کنار گذاشت و از ۷:۳۰ صبح تا ۵ عصر مسابقات را برگزار کرد.

بعد از اتمام مسابقه‌ی فیلم‌سازی و سرود نوبت به مسابقه‌های همزمان رسید، از جمله عربی.

امسال موضوع مسابقه‌ی عربی، نوشتن یک کمیک استریپ با توجه به تصاویر داده شده بود. البته به همین آسانی هم نبود، بلکه باید متن را در پانزده دقیقه می‌نوشتیم و با لحن مناسب برای داورها می‌خواندیم.

قبل از شروع مسابقه همه‌ی گروه‌ها استرس زیادی داشتند و هر یازده گروه داشتند تمرین‌های نهایی خود را انجام می‌دادند.

بالاخره مسابقه شروع شد و تک تک گروه‌ها تصویر مورد نظر خود را انتخاب کردند. حدود بیست دقیقه بعد داوران برگه‌ها را تحویل گرفتند تا آنها را ارزیابی کنند و



شما شخصیت تون کیه؟

مسابقه‌ی اندیشه

سارا سازگاری

روی در کتابخانه نوشته بود: لطفاً وارد نشوید. ما در را باز کردیم و وارد شدیم. مثل دیگر حرف‌نشنوی‌های مان. کتابخانه خالی بود، اما نه از دانش‌آموزان، از داوران و معلم‌ها. سمت راست را که نگاه می‌کردی، میز و صندلی‌ها به حالت عادی و همیشگی چیده شده بودند، اما آن آرامش و سکوت عادی و همیشگی در آنجا نبود. صدای تمرین کردن دو نفره‌ی بچه‌ها برای ارائه‌دادن، جو را تا حدودی مضطرب می‌کرد. در انتهای سالن و روبه روی کتاب‌های مرجع و زیست‌شناسی، پرده‌ی پروژکتور و روبه روی آن با فاصله‌ای حدود سه متر، خود دستگاه قرار گرفته بود. روی آن میز می‌بایست داورها می‌نشستند. بچه‌ها میزشان را انتخاب کردند، نشستند و شروع کردند به تمرین. گروه اول - طبق معمول - تلاش مضاعفی برای عوض کردن ترتیب ارائه‌اش داشت: «تو رو خدا شما بیاین جاتونو با ما عوض کنین. زود کارتونو تموم می‌کنین می‌رین خوش‌گذرونی.» و همه با تأکید خاصی می‌گفتند: «امکان نداره.»

داورها وارد شدند. میز روبه روی پرده پر شد و ضربان قلب بچه ها چند برابر. گروه اول داشتند واپسین تلاش های شان را برای تعویض نوبت شان انجام می دادند اما می دانستند که دیگر دیر شده است، پس روبه روی پرده ایستادند. داورها همان طور که جای می خوردند، وسایل شان را روی میز مرتب می کردند. یکی از بچه ها لپ تاپ را تنظیم می کرد و دیگری روبه روی او با برگه ای در دستش آماده می شد تا شروع کند. آنها هم مثل گروه های دیگر شخصیتی مشهور را در نظر گرفته بودند که واجد بیشترین ویژگی های اخلاقی مطرح شده در آیات سؤال مسابقه باشد. از این رو بود که این سؤال بیشتر از همه شنیده می شد: «شما شخصیت تون کیه؟» و به این شکل خود را با رقیبان شان می سنجیدند.

ارائه ی گروه اول که تمام شد، داورها سؤال های شان شروع شد. قسمت ناامن مسابقه که در آن، چشم همه ی افراد حاضر به واکنش های ظاهری و بیرونی داوران بود تا خودشان را برای آن آماده کنند. برخی از داوران در سکوت کامل به سر می بردند اما بعضی هم با سؤال های پشت هم دائم سکوت را می شکستند. گروه اول، گروه دوم و سوم و... بالاخره گروه آخر هم با همین روال پیش رفتند. کتاب خانه با هر ارائه خالی و خالی تر می شد و هر کس که ارائه اش تمام می شد فکر می کرد آب از سرش گذشته و دیگر راحت است و می تواند به آزادی اش بازگردد. اما این تازه شروع ماجرا بود... ماجرای اعلام نتایج هنوز در راه بود.





سونیا مهدوی

مسابقه‌ی ریاضی

مثل بازی مار و پله

- کلاس ۱۰/۲ ریاضی اولین صد ... از الان بیست دقیقه تا اتمام بازی باقی مانده است.

در مسابقه‌ی ریاضی دهه‌ی فجر کلاس‌های یازدهم ریاضی و تجربی و همچنین کلاس ۱۰/۲ ریاضی صد گرفتند. این مسابقه همانند بازی مار و پله یا منج بود که شامل یک صفحه‌ی شطرنجی و یک تاس بود و بازیکنان باید از چهار مرحله یعنی مرحله‌ی A, B, C, D عبور می‌کردند تا امتیاز کامل را از آن خود کنند. در ابتدا به هر گروه بیست سؤال داده‌شد و بازیکنان با دادن پاسخ صحیح به این سؤالات ۴ گزینه‌ای و تحویل دادن سؤالات خود به داور تعیین شده برای آن گروه، به جلو حرکت می‌کردند تا به مرز برسند. برای عبور از مرز شرایطی وجود داشت: هر گروه می‌توانست به مدت ده دقیقه استراحت کند و در نهایت پانزده امتیاز بگیرد و یا تاس بیندازد و به ازای عددی که می‌آمد، یک سؤال با همان امتیاز حل کند. در این صورت اگر سؤال را درست حل می‌کرد، می‌توانست از مرز عبور کند اما در صورتی که اشتباه کرده‌بود به اندازه‌ی امتیاز عقب می‌رفت؛ به این ترتیب مرزهایی که بین مراحل وجود داشت، به نوعی نقش مار را در بازی مار و پله بازی می‌کرد.

در نهایت بازی به همین روال ادامه پیدا کرد و تنها تفاوتی که در مراحل مختلف وجود داشت امتیاز سؤال‌ها بود، به این شکل که در مرحله‌ی A سؤالات پنج امتیازی، مرحله‌ی B سؤالات پانزده امتیازی، مرحله‌ی C سؤالات بیست امتیازی و آخرین مرحله؛ یعنی مرحله‌ی D سؤالات سی امتیازی هستند. البته این نکته نیز باید گفته شود که مثلاً اگر در مرحله‌ی A تعداد زیادی سؤال پنج امتیازی نادرست حل شود به گونه‌ای که سؤال‌های پنج امتیازی تمام شود، از سؤالات ده امتیازی به گروه داده می‌شد.

در این مسابقه هیجان بازی خصوصاً در آخرهای رقابت حسابی بالا گرفت و اعلام اسم برنده‌ها نقطه‌ی اوج و گره‌گشایی این قصه‌ی پرهیجان شد.



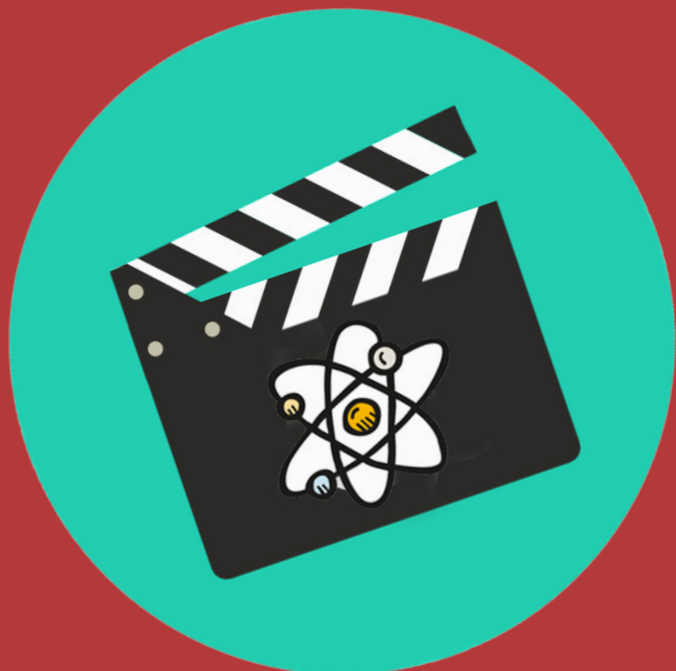
مسابقه‌ی فیلم‌سازی

مستند اجتماعی

یاس یعقوبی

یکی از مسابقات دهه‌ی فجر مثل هر سال فیلم‌سازی بود. هر کلاس در گروه‌های سه‌نفره باید فیلمی مستند می‌ساختند که همه‌ی بخش‌های آن را خودشان تهیه کرده باشند و نمی‌توانستند از فیلم‌های آرشیوی استفاده کنند. موضوعات داده شده برای فیلم‌ها مهاجرت، مکان‌های تاریخی، شهر و محیط‌زیست بود. داوران پنجاه نمره را به فیلم و خلاقیت‌های هنری و پنجاه نمره را به زمینه‌های اجتماعی آن اختصاص داده بودند که کلاً جمع آن صد امتیاز داشت.

بچه‌ها تا روز یکشنبه وقت داشتند که فیلم‌شان را بسازند و روز یکشنبه مسابقات دهه‌ی فجر مدرسه با پخش فیلم‌ها آغاز شد. سرانجام پس از دو ساعت که همه‌ی فیلم‌ها نمایش داده شد، داوران نتایج را اعلام کردند و کلاس ده هنر اول شدند.



فیزیک و هنر فیلمسازی

مسابقه‌ی فیزیک

یاس یعقوبی

نبود به نظرم معیار نمره‌دهی بیشتر براساس فیلمسازی بود و این که بتوانیم بهتر یک مفهوم را آموزش دهیم.

– روند اجرای مسابقه به چه شکل بود؟

بعد از مسابقه‌ی فیلمسازی و سرود ما از ساعت ده و نیم تا دوازده و نیم در آزمایشگاه سر میزها نشستیم. به ما برگه‌هایی دادند که باید به گروه‌های دیگر نمره می‌دادیم. ما درواقع بخشی از داوری محسوب می‌شدیم. همراه با داورها که حدود ده، یازده نفر بودند، فیلم‌ها را می‌دیدیم همان موقع نمره می‌دادیم.

– به نظرت نقطه‌ی تمایز مسابقه فیزیک از سایر مسابقه‌ها چه بود؟

اینکه درواقع هنر را وارد این مسابقه کرده بودند.

– اگر می‌توانستی دراین مسابقه چیزی را تغییر بدهی در چه چیزهایی تغییر ایجاد می‌کردی؟

به نظرم بهتر بود که یک موضوع مشخص بین همه‌ی گروه‌ها وجود داشت. ضمناً فیلم‌ها خیلی باهم متفاوت بود و قطعاً پیشینه‌ی سواد هنری بچه‌های هنرستان در بخش فیلمسازی قوی‌تر از بقیه بود. شاید زیاد بودن تعداد داورها هم باعث تفاوت نظر زیاد در انتخاب کارها می‌شد. من مسابقه‌ی پارسال را که مثلاً ساختن فلاسک و منجنیق و قایق بود بیشتر دوست داشتم، چون فعالیت‌مان در روز مسابقه بیشتر بود.

با یکی از شرکت کنندگان در مسابقه‌ی فیزیک مصاحبه‌ای انجام شده که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید:

– لطفاً درباره‌ی مسابقه و این که باید چه کارهایی می‌کردید و چه چیزی را تحویل می‌دادید توضیح بده.

ما باید یک فیلم یا در واقع یک استاپ‌موشن از یک آزمایش فیزیکی می‌ساختیم. باید یک مبحث فیزیک را در قالب آزمایش یا چیزهای دیگر درس می‌دادیم. به ما از هفته‌های قبل پنج موضوع داده بودند: گرما، نور، الکتریسیته، قوانین نیوتن. و ما تا دو بعد از ظهر روز قبل از مسابقه وقت داشتیم تا پروژه‌مان را تحویل دهیم.

– معیارهای مسابقه‌ی فیزیک چه بود و به نظرت داورها بیشتر برچه اساسی نمره می‌دادند؟

از معیارهای مسابقه این بود که فیلم حداقل دو دقیقه باشد. فیلم باید موضوع را دربرمی‌گرفت. قالبش باید استاپ‌موشن و حجمش کمتر از سی مگا بایت باشد. به ما گفته شده بود که اگر سؤالی داریم باید بپرسیم و با توجه به چیزهایی که ما پرسیدیم و جواب‌هایی که گرفتیم به نظرم معیارها چندان علمی نبود. با توجه به این که سطح علمی شرکت کنندگان در مباحثی مثل فیزیک یکسان

در جستجوی قاتل

اگر کسی در سایت را باز کند با تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستانی متوسطه‌ی دو مواجه می‌شود که با هیجان از جلوی کامپیوترها به سمت کشوها، روبان‌ها و تکه‌های کاغذ می‌دوند. می‌پرسید چه شده؟ قتلی رخ داده که فقط دانش‌آموزان خرد می‌توانند با استفاده از انواع کدها و رمزها سرنخ‌هایی را بیابند و قاتل را پیدا کرده و معما را حل کنند. شرکت کنندگان با موسیقی پوآرو در گوش‌شان با هم رقابت می‌کنند تا قاتل یک معلم کامپیوتر مبتلا به آلزایمر را بیابند که در لحظات آخر زندگی، نام قاتل را جایی در محل کارش پنهان کرده. برای این کار یازده کلاس، یازده نوع

رمزنگاری و شیوه‌ی برگردان آن را فراگرفته و تمرین کرده‌اند. (به علاقه‌مندان به موضوع رمزگذاری و کدهای کامپیوتری پیشنهاد می‌شود کتاب «قلعه‌ی دیجیتالی» نوشته‌ی دن براون را مطالعه کنند.)





النور ترابی

یک مسابقه‌ی کلاسی

مسابقه‌ی سرود

در بین مسابقات دهه‌ی فجر، مسابقه سرود تنها مسابقه‌ای است که تقریباً همه‌ی بچه‌های کلاس در آن، مشارکت دارند. بنابراین شاید بتوان گفت نتایج مسابقه‌ی سرود به نوعی از نتایج بقیه‌ی مسابقات مهمتر است. این مسابقه هم مانند مسابقات تئاتر و فیلم‌سازی در آمفی‌تئاتر برگزار می‌شود و معمولاً تماشای آن بسیار جذاب است. امسال دانش‌آموزان باید شعر و ملودی اثر را خودشان تنظیم می‌کردند. هر کلاس باید از میان سه موضوع فضاهای دوست‌داشتنی شهر، محیط‌زیست و مهاجرت یکی را انتخاب می‌کرد و حول آن شعری می‌سرود یا شعری را انتخاب می‌کرد و بخش‌هایی از آن را تغییر می‌داد. همانند سال‌های گذشته، گروه‌ها در اجرای‌شان از ساز استفاده کردند و بعضی از گروه‌ها از حرکت و بدن کوبه، امتیازها براساس کیفیت آواز جمعی، تلفیق شعر و موسیقی، ملودی و هماهنگی و نظم و خلاقیت در اجرا محاسبه می‌شد.

مسابقه سرود ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ بعد از مسابقه‌ی فیلم‌سازی برگزار شد. چهار گروه اول بدون هیچ مشکلی اجرا کردند. هنگامی که گروه پنجم (کلاس‌های ده و یازده انسانی) روی صحنه آمدند ساز یکی از نوازندگان با مشکل فنی مواجه شد. یکی از زیباترین اتفاقات این بود که حضار داخل سالن به منظور تشویق گروه دست زدند، گروه ده و یازده انسانی بدون اینکه اجرا کنند از سن پایین آمدند و بعد از مدتی دوباره به روی سن رفتند و بدون هیچ مشکلی اجرا کردند. بعد از اتمام مسابقه، دانش‌آموزان به سمت محل برگزاری مسابقات همزمان رفتند.

حوالی ساعت ۱۱:۳۰ بود که نتایج مسابقه‌ی سرود اعلام شد. امسال دو کلاس با امتیاز ۹۳ برنده‌ی این مسابقه شدند: کلاس‌های ۱۱/۱ و ۱۱/۲ ریاضی که موضوعات‌شان به ترتیب، فضاهای دیدنی شهر و محیط زیست بود. البته اختلاف امتیاز رتبه‌ی اول، دوم و سوم زیاد نبود، چنان‌که کلاس ده هنر با اختلاف ۲ امتیاز و با امتیاز ۹۱ رتبه‌ی دوم و کلاس‌های ۱۱/۲ تجربی و ۱۱ هنر با اختلاف یک امتیاز از رتبه‌ی دوم و با کسب ۹۰ امتیاز، رتبه‌ی سوم را کسب کردند.

جمع همه‌ی احساسات

مسابقه‌ی حرکات نمایشی

ملیکا کاظمی



در دهه‌ی فجر یکی از پرهیجان‌ترین و محبوب‌ترین مسابقات، مسابقه‌ی حرکات ورزشی است که همه‌ی بچه‌ها چه به عنوان شرکت کننده و چه به عنوان تماشاچی در آن شرکت می‌کنند. مسابقه‌ای که بعد از سرود، بزرگ‌ترین مسابقه‌ی دهه‌ی فجر است.

در این مسابقه از هر کلاس سه تا پنج نفر انتخاب می‌شوند و به مدت دو هفته بر اساس موضوعات داده شده کار می‌کنند. موضوعات حرکت امسال تضاد، آزادی، امید و تولد بود که هر کدام از گروه‌ها باید این مفاهیم را در قالب حرکت به تماشاچیان و داوران ارائه می‌دادند. نوع حرکات، هماهنگی بچه‌ها با هم، انتخاب موسیقی درست، اعتماد به نفس در اجرا و نشان دادن احساسات به افراد حاضر در سالن، از مهم‌ترین ارکان اجرای حرکت است. این مسابقه با احساسات افراد رابطه‌ی مستقیم دارد. در این مسابقه شرکت کنندگان نه حرف می‌زنند، نه اشاره‌ای می‌کنند و نه چیزی را می‌نویسند. آنها تنها با حرکات‌شان موضوعات مسابقه را به تماشاچیان نشان می‌دهند و آنها را با خود همراه می‌کنند.

یکی از دلایل محبوبیت این مسابقه در بین بچه‌ها حال و هوای خاص این مسابقه است. در سالن ورزشگاه هنگام برگزاری مسابقه همه‌ی بچه‌های مدرسه دور تا دور سالن می‌نشینند و با تمام توان گروه‌های مختلف را تشویق می‌کنند

ولی برای بچه‌های شرکت کننده وضع متفاوت است. به‌طور معمول آنها تا قبل از اجرا کلی استرس می‌کشند و خودشان را برای شرکت در همچنین مسابقه‌ای سرزنش می‌کنند تا وقتی که نوبت به اجرای‌شان برسد. البته این موضوع در باره‌ی همه‌ی گروه‌ها صادق نیست ولی اکثراً تا رسیدن نوبت‌شان در همین شرایط اسفناک به‌سر می‌برند.

مسابقه‌ی حرکت یکی از متفاوت‌ترین مسابقات است که در آن هر نوع احساسی دیده می‌شود: خوشحالی، هیجان، ترس، ناراحتی، استرس، امید و ... ولی این مسابقه با همه این احساسات ضد و نقیضش از خاطره‌سازترین مسابقات برای بچه‌هاست.

روژین فروزندگان

مسابقه ی عکاسی

امید

مسابقه ی عکاسی با موضوعات دوستی، کوچه، امید، مصرف کردن، استفاده کردن و پسماند برگزار شد. گروه ها عکس های شان را که می توانست سیاه و سفید یا رنگی باشد و با موبایل یا دوربین عکاسی گرفته شده باشد، یک روز قبل از مسابقه تحویل داده بودند. عکاسان در صورت ادیت عکس شان باید فایل اصلی آن را نیز تحویل می دادند. کار گروه ها اگر تک عکس بود حداکثر پنج فریم و اگر مجموعه بود حداکثر هفت فریم داشت. برای عکس ها ارائه ی یک توضیح کلی (استیتمینت) درباره ی اینکه با چه تکنیکی کار شده و هدف از این عکس ها چه بوده است، لازم بود. در اینجا نوشته و عکس های گروه منتخب را با موضوع امید خواهید دید:



سپیده اکبری جوکار نیکی شاکری

گوش کن

وزش ظلمت را می شنوی؟
من غریبانه به این خوشبختی می نگرم
من به نومیدی خود معتادم

فروغ فرخزاد

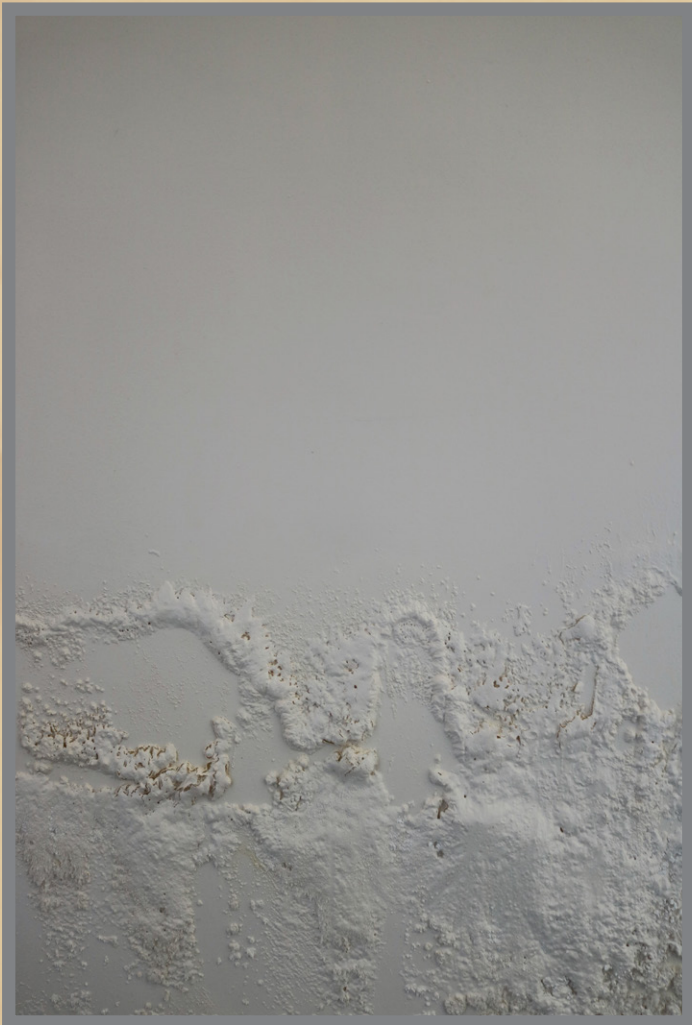


امید، چیزی که به هنگام آتش گرفتن آرزوها
دامن گیرش می شویم و یا شعله ای که در نومیدی
در جست و جوی آنیم تا خود را از آن بالا بکشیم.
امید نقطه ای است سفید بین سیاهی ها و یا ناامیدی
لکه ای است که در اوج یک دستی دیوار ظاهر
می شود و در تمام وجودش پخش می شود.

هر شب بدون شب به خیر گفتن به خواب می رویم.
خسته به خواب می رویم، به پهلوی راست خود
می پیچیم و خواب می بینیم بی آنکه رویا ببینیم.
دوستی، ما از دوستی با خود دست کشیده ایم. آیا
می توان پنجره را گشود و امید را به دام انداخت؟
به راستی امید کجا یافت می شود؟

عکس‌های این مجموعه را می‌توان به دو بخش آ و ب (به اضافه‌ی یک تک‌عکس) تقسیم نمود که دوبه‌دو کنار هم قرار گرفته‌اند و در نهایت همگی با درونمایه‌ای مشترک ارائه می‌شوند. عکس‌هایی که کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، از لحاظ فرمیک و بصری با یکدیگر همخوانی دارند. عکس‌های اول و پنجم با دوربین آنالوگ عکاسی شده‌اند و رنگ و نور تمام عکس‌ها نیز سعی بر افزایش بیانگری محتوا دارند. می‌توان اضافه کرد که عکس‌های گروه آ از فیگورهای واقع‌گرایانه‌تر تشکیل شده و گروه ب شامل اشکال انتزاعی و تجریدی‌تر است.







یاس یعقوبی

مسابقه‌ی نمایش

ماجرای اشیا

هر گروه شرکت‌کننده در مسابقات نمایش دهه‌ی فجر از سه نفر تشکیل می‌شد. از این سه نفر حداقل یک نفر و حداکثر دو نفر باید روی صحنه می‌رفتند. مثل سال‌های قبل نوشتن متن نمایش نیز برعهده‌ی شرکت‌کنندگان بود. نقطه‌ی تمایز مسابقه‌ی امسال را از مسابقات سال‌های گذشته می‌توان حضور اشیا دانست. گروه‌ها باید یک شیء را مانند عینک، کفش، کلاه و ملافه به‌عنوان موضوع اصلی خود انتخاب می‌کردند. متن نمایشنامه از قبل تحویل داده و تایید می‌شد. در آخرین ساعات روز مسابقات، گروه‌های نمایش به‌ترتیب فهرستی که از قرعه‌کشی به‌دست آمده بود، اجرای خود را همراه با طراحی صحنه و لباس- که کارخودشان بود، به روی صحنه بردند و به این‌ترتیب روز پرهیاهوی مسابقات در آرامش اجرای نمایش‌ها رو به پایان گذاشت.

در ادامه‌ی گزارش فن‌سخنوری (در همین شماره) که مفصلاً به مسابقه ادبی متوسطه‌ی دو یا همان خطابه پرداخته است، در اینجا متن چند خطابه را که از نظر اصول نگارشی قوت بیشتری داشته‌اند، می‌خوانید. متن اول و دوم در مسابقه، رتبه‌ی اول را (از نظر برجستگی متن و اجرا) کسب کرده‌اند و متن سوم به لحاظ تحلیل گام‌به‌گام موضوع، از طرف داوران برگزیده و معرفی شده‌است.



شناخت اسطوره‌ها و اهمیت آنها

مسابقه‌ی ادبی

آرمیتا مهرشاهی

یلدا نامی

(۱۱/۲ ریاضی)

برای بررسی موضوع این خطابه ابتدا لازم است به شناخت کاملی از اهمیت اسطوره و نیاز آن در جامعه‌ی بشری دست یابیم.

اسطوره حاصل تفکر و اعتقادات و ناشی از اندیشه‌ی بشر است. یکی از عناصر اصلی سازنده‌ی فرهنگ قومی جوامع نخستین بوده و به عنوان بخشی از هویت اقوام و برآورنده‌ی نیازهای معنوی و مادی انسان به‌شمار می‌رفته است، پس می‌تواند مشخص‌کننده‌ی ساختار حیات اجتماعی یک قوم و ملت باشد. اساطیر در نمادها متجلی می‌شوند. وقتی این نمادها به اساطیر کهن یک سرزمین مربوط می‌شوند، ناخودآگاه بر جان و روان هر فرد تأثیر می‌گذارند.

به گفته‌ی ابوالقاسم اسماعیل‌پور «یکی از سودمندی‌های شناخت اساطیر، آن است که ما با مطالعه‌ی اساطیر یک ملت، تاریخ، تمدن، فرهنگ و اندیشه و سیر پیشرفت آن ملت را می‌شناسیم. باورها و سنت‌های باستانی را می‌توان از درون اسطوره‌ها بیرون کشید. چه‌بسا مطالعه‌ی اساطیر، ما را با گوشه‌هایی از آداب و الگوهای کهن که هنوز در ما زنده است و کارکرد دارد، آشنا سازد، بنابراین با بهره‌گیری از اساطیر، می‌توان رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و روانی ملت‌ها را تجزیه و تحلیل کرد.»



امروز نیز باورهای دارند که در قالب همین اسطوره‌ها بازنمایی می‌شوند، با این تفاوت که به نظر برخی از متفکرین مانند میرچیا الیاده، این اسطوره‌ها شکلی مدرن به خود می‌گیرند.

در زمینه‌ی اسطوره‌سازی رسانه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. رسانه‌ها به ویژه سینما، اقدام به اسطوره‌سازی کرده و مخاطب با سمپاتی نسبت به آن، به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، از آن الگوبرداری می‌کند. انسان

پس از مدرنیته از اسطوره‌هایی پراکنده، الگوهای بسیاری برای تقلید در اختیار دارد. هر چند دگرگونی‌هایی، در معنای اسطوره پدید آمده‌است، اما آرمان‌سازی و الگودهی به یاری قهرمانان تخیلی، شخصیت‌های داستان‌های پرماجرا، ستارگان سینما، در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان اروپایی و آمریکایی تأثیر به‌سزایی دارد.

امروزه هالیوود با اسطوره‌هایش شناخته می‌شود. انواع قهرمانان در فیلم‌ها و سریال‌ها، کارکردهای اسطوره را ارائه می‌کنند. هالیوود در فرایند تاریخی خود، فرمول‌های فیلم‌نامه‌نویسی خود را بر اساس اسطوره‌پردازی تعیین کرده و به‌طور حرفه‌ای در این حوزه اقدام به عرصه‌سازی می‌کند.

اسطوره رسالتی اجتماعی- مذهبی دارد و اصول اجتماعی را به‌بشر یاد می‌دهد. اسطوره، به عنوان یک راهبر، الگوی رفتاری، اخلاقی و اجتماعی را به ما می‌آموزد. از مضامین اساطیری می‌توان به جشن‌های باستانی ایرانیان اشاره کرد. در نوعی گاه‌شماری باستانی هر روز در ماه، به اسم ایزد یا امشاسپندی نامیده می‌شد و همچنین هرماه افزون بر این جشن‌ها ایرانیان در طول سال شش جشن بزرگ که «گهنبار» نام داشت، برپا می‌کردند. بر طبق اساطیر زردتشی آفرینش در این شش هنگام ترتیب یافته بود. این جشن‌ها نمادی از فرهنگ غنی ایران و آینده‌ی تمام‌نمای عقاید و آداب و رسوم ایرانیان است که ریشه در دین و خداپرستی آنان دارد.

نیاز به اسطوره‌سازی

اسطوره در دوره‌ی مدرنیته و تغییر معنای اسطوره در حال به‌گفته‌ی شهید مطهری: «تمایل بشر است به اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی. این هم باز در تمام تواریخ دنیا وجود دارد. در بشر یک حس قهرمان‌پرستی هست، یک حس هست که درباره‌ی قهرمان‌های ملی و قهرمان‌های دینی، افسانه می‌سازد». پس به علت وجود این حس اسطوره‌جویی در بشر، جوامعی که تاریخ اسطوره‌ای و افسانه‌ای در آنها کمرنگ‌تر است با توجه به اهمیت وجود اسطوره در جامعه، شروع به اسطوره‌سازی کرده و اسطوره‌ی مدرن را ایجاد می‌کنند.

رولان بارت معتقد است اسطوره صرفاً به‌چند هزارسال پیش محدود نبوده و در فرایندی تاریخی در اشکال امروزی بازتولید شده و در جامعه حضور دارد. به هر حال، مردم

اشاره‌ی کوچکی به اسطوره‌های ایرانی

اسطوره‌ها نشانگر نمادهای بسیاری هستند. از میان اسطوره‌های ایرانی می‌توان به رستم اشاره کرد که نام‌آورترین چهره‌ی اسطوره‌ای در شاهنامه و به تبع آن مهم‌ترین چهره‌ی اسطوره‌ای ادبیات فارسی است و از ویژگی‌های این پهلوان، دلاوری و قدرت است.

همچنین کاوه‌ی آهنگر نماد انسان‌های زحمت‌کش و ستم‌دیده است که از قشرهای متوسط و پایین جامعه، به‌نشانه‌ی حق‌طلبی از جامعه‌ی کارگر، سر برآورده‌اند و زندگی‌شان پای مال ستم‌دستگاه‌ها کمان شده‌است.

راهکارها

چنانچه گفته‌شد در بسیاری از کشورهای غربی به‌دلیل نداشتن پیشینه‌ی تاریخی و همچنین اساطیر هزار ساله بسیاری از نویسندگان به نام و مشهور به اسطوره‌سازی پرداختند؛ به طور مثال جی.آر.آر. تالکین با نوشتن رمان ارباب حلقه‌ها، اساطیری در بستر تاریخی خیالی خلق می‌کند. این کتاب هم‌اکنون با رکورد صد و پنجاه

میلیون نسخه به‌عنوان یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های تاریخ شناخته می‌شود و فیلم‌ها و آثار هنری اقتباس‌شده از آن هر بار بازار جهانی را به تسخیر خود درمی‌آورند.

حال سؤال می‌شود این است که چرا ایرانیان با داشتن تاریخ تمدنی ۳۵۰۰ ساله و اساطیری که از دل

این تاریخ برخاسته‌اند، نباید در اندیشه‌ی بازخوانی اسطوره‌هایش باشد؟ چرا نسل جدید این سرزمین اسطوره‌های نوظهور غربی همچون بتمن و سوپرمن را می‌شناسد اما با رستم و اسفندیار بیگانه است؟

پاسخ این سؤال‌ها بسیار ساده است. در عصر امروز و با توجه به پیشرفت‌های رخ داده در صنعت سینما و همچنین سرعت رشد تکنولوژی و فضای مجازی، نسل جدید و نوجوانان پیش از آنکه به خواندن متون کهن و ادبیات اساطیری خود روی آورند، جذب فیلم‌های هالیوودی با جلوه‌های ویژه‌ی به کار رفته در آنها، و همچنین رمان‌هایی با ژانرهای علمی-تخیلی، وحشت و ... می‌شوند و از آنها تأثیر می‌پذیرند.

نکته‌ی قابل تأمل در رمان‌های پرفروش غربی مثل هری پاتر و ارباب حلقه‌ها این است که برای جاودانگی و پایداری شخصیت‌های داستان، جامعه‌ی هدف‌شان را نوجوانان قرار می‌دهند و قلم‌شان را متناسب با سلیقه‌ی نوجوانان امروزی انتخاب می‌کنند و به گونه‌ای رمان‌شان را پرورش می‌دهند که برای خواننده جذابیت و کشش داشته‌باشد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا نویسندگان ایرانی به‌دنبال بازنویسی داستان‌های اساطیری ما به شکلی که برای نوجوانان امروزی جذابیت داشته باشد، هستند یا خیر؟ پارسیان و من نخستین رمان سه‌گانه‌ی فانتزی ایرانی است که بر اساس اسطوره‌ها، حماسه‌ها و تاریخ ایران نگاشته شده‌است و مخاطبان



بسیاری را نیز با خود همراه کرده است؛ به طوری که به گزارش روزنامه‌ی شرق، عنوان پرفروش‌ترین رمان نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را به‌دست آورده است، اما انتقادات و نقدهای بسیاری از لحاظ شخصیت‌پردازی به همین کتاب وارد شده است.

کمبود کتاب‌هایی همچون *پارسیان و من* در میان کتاب‌های ما نشان‌دهنده‌ی آن است که اگر می‌خواهیم تا نسل جدید بتواند با داستان‌های اساطیری سرزمینش ارتباط بگیرد، نویسندگان ما باید بیش از پیش به بازنویسی این اساطیر در قالب رمان‌هایی متناسب با سلیقه‌ی نوجوانان بپردازند.

نکته‌ی دیگر این است که بیشترین تأثیر را در یادگیری و به‌ذهن‌نشستن داستان‌ها و اسطوره‌ها در کودکان، انیمیشن دارد. انیمیشن ایرانی رستم و سهراب به کارگردانی کیانوش دالوند که در سال ۱۳۹۳ اکران شد، یکی از بهترین انیمیشن‌های سه‌بعدی است که تاکنون ساخته شده و در جشنواره‌ی فیلم کن نیز شرکت کرده است، اما متأسفانه این فیلم برخلاف انتظارات، نتوانست قشر نوجوان را با خود همراه کند زیرا از لحاظ گرافیکی با انیمیشن‌های کمپانی‌های معتبر جهانی قابل مقایسه نبود. اگر ابرار آموزشی مناسب همچون انیمیشن و کتاب‌های مصور در اختیار والدین و آموزگاران نباشد، یادگیری کودکان کیفیت لازم را نخواهد داشت. قطعاً تأثیر دیدن یک انیمیشن خوب بسیار بیشتر از قصه‌خوانی است. اکنون که می‌دانیم صنعت انیمیشن‌سازی ما با شرکتی مثل دیزنی قابل مقایسه نیست، چرا نباید از بودجه‌ی کشور برای حفظ اسطوره‌های ما، سرمایه‌گذاری کنیم؟

به‌طور مثال چین برای جاودانه شدن یکی از اساطیرش با اختصاص بودجه‌ای معادل نود میلیون دلار آمریکا، اقدام به ساخت انیمیشن مولان توسط شرکت والت دیزنی کرد. این انیمیشن داستان زنی است که برخلاف سنت‌های حاکم بر جامعه، به شکل مردی به جنگ با مغول‌ها می‌رود. این اسطوره نه تنها در ذهن همه‌ی مردم چین نقش بسته است، بلکه پس از نمایش این انیمیشن، تمامی کودکان جهان از مولان الگو می‌گیرند.

به گفته‌ی جلال ستاری: «پرداختن به اسطوره وقتی مؤثر است که آن را تفسیر کنند، امروزه اسطوره‌ها را به‌عنوان قصه یا داستان سرگرم‌کننده می‌بینند، اما اسطوره به‌عنوان قصه مؤثر نیست، اگر اسطوره‌ها را تفسیر کنیم و بدانیم که در ورای آن افسانه، چه می‌خواهد بگوید، علم اسطوره‌شناسی پدید می‌آید؛ ما آن علم را کمتر داریم.» به گفته‌ی او اسطوره اگر بد تعبیر و تفسیر شود ما را همراه می‌کند. اسطوره خود دلکش است، ولی تعبیر می‌خواهد، باید تعبیر درستی از آن کرد، بنابراین باید مکتب اسطوره‌شناسی در ایران پدید بیاید. باید مرکزی باشد تا عده‌ای بتوانند این اختلافات را در تحلیل اسطوره، حل و فصل کرده و آن را از حرف‌های عوامانه جدا کنند.

در انتها باید گفت که بسیار تأسف برانگیز است اگر اسطوره‌های ایرانی در گذر زمان به دست فراموشی سپرده شوند برای جاودانگی این اساطیر نباید از هیچ‌گونه تلاش و هزینه‌ای فروگذار کرد. تمامی اقشار جامعه، از آموزگاران والدین، نویسندگان و فیلم‌سازان گرفته تا دولت‌مردان باید ارزش‌های اساطیر این مرز و بوم را درک کرده و در بازخوانی آن‌ها تلاش کنند.



پرنیا شمس
روژین فروزندگان
(۱۱/۱ تجربی)

پرتقال یا سیب؟

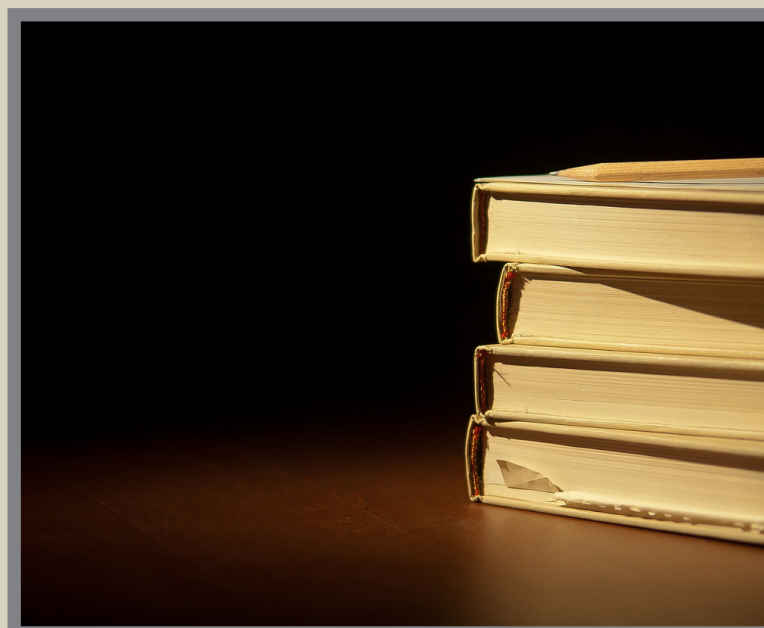
فیلم یا کتاب؟ بسیاری از کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای معتقدند که اغلب اقتباس‌های سینمایی رمان‌ها به قوت متن کتاب آن نیستند و خواندن کتاب را به دیدن فیلم اقتباسی ترجیح می‌دهند. اما این حرف از کجا نشأت می‌گیرد؟ کتاب‌خوان حرفه‌ای کیست؟ اقتباس سینمایی از کتاب به چه معناست؟

به تعریف سایت Netgalley کتاب‌خوان حرفه‌ای کسی است که کتاب می‌خواند و آن را نقد می‌کند و می‌تواند در محیط‌های گوناگون اعم از کتاب‌فروشی و کتاب‌خانه و کلاس درس به دیگران کتاب پیشنهاد دهد.

اقتباس سینمایی به تبدیل یک کتاب یا بخشی از آن به یک فیلم می‌گویند. یکی از روش‌های متداول اقتباس سینمایی استفاده از رمان به عنوان اساس فیلم است؛ به عنوان مثال فیلم‌های کتاب *بینوایان*، *کلبه‌ی عموتام*، *بر باد رفته*، یا حتی مجموعه‌ی *هری پاتر* ساخته شده است. این امر بیشتر در مورد کتاب‌های پر فروش، پر خواننده یا جذاب متداول است.

به نقل از اینستا، در یک نظرسنجی مشخص شده است که ۶۳ درصد از اروپایی‌ها و ۸۲ درصد از آمریکایی‌ها خواندن کتاب را به دیدن فیلم آن ترجیح می‌دهند در حالی که ۸۵ درصد از آسیایی‌ها و آفریقایی‌ها دیدن فیلم اقتباسی را به خواندن کتاب ترجیح می‌دهند. می‌توان گفت که میزان کتاب و کتاب‌خوانی با توسعه و پیشرفت کشورهای رابطه‌ی مستقیم دارد. در کشورهای در حال توسعه از آن جایی که به مطالعه به صورت ملزومات زندگی نگاه نمی‌شود و آن را به

شکل سرگرمی می بینند، بر خلاف کشورهای توسعه یافته فیلم را به کتاب ترجیح می دهند. این در حالی است که به نظر کارشناسان هیچ جا نمی توان فیلمی را پیدا کرد که بتواند داستانی را بهتر از قلم نویسنده خلق کند. گزارش سایت واشنگتن پست هم مدرکی برای این ادعاست: طبق گزارشی که واشنگتن پست آن را تهیه کرده با توجه به نظرات ثبت شده در دو سایت good reads و IMDB



در مورد هشتصد کتاب و فیلم های اقتباس شده از آن ها، در ۷۴ درصد موارد، مردم کتاب را به فیلم ترجیح می دادند و در ۲۲ درصد مواقع اعتقاد داشتند این دو در یک سطح قرار دارند و تنها در ۴ درصد موارد فیلم را به کتاب ترجیح می دادند. چه چیزی باعث این اختلاف فاحش میان این دو شده است؟ چطور ممکن است کتابی بدون وجود تصویر، صدا یا جلوه های ویژه مورد توجه مخاطبان واقع شود؟ اولین موردی که ممکن است به ذهن فردی که با این سؤال مواجه می شود خطور کند، امکان خیال پردازی آزادانه تر در کتاب ها نسبت به فیلم ها است؛ برای مثال وقتی شخصیت

هگرید در کتاب هری پاتر توصیف می شود، خواننده می تواند در یک چارچوب تعیین شده، آزادانه فکر کند و هگرید را خودش در ذهنش بسازد. ولی فیلم این امکان را از مخاطب سلب می کند، هر چند سلب این امکان گاهی موجب آگاهی بیش تر می شود مثلاً در کتاب بینوایان تصویری که هر فرد از خیابان های فرانسه، ژان وال ژان و چیزهای دیگر در ذهنش می سازد، تحت تأثیر اطلاعات پیش زمینه ای، شرایط و سن و سال و محیطی است که در آن زندگی می کند و ممکن است با اصل مکان و زمان داستان مغایرت داشته باشد. گاهی فیلم هایی که با تحقیق ساخته شده است به افراد کمک می کند تصور دقیق تر و نزدیک تری به تصویر واقعی جامعه ی داستانی داشته باشند.

مورد دیگری که توجه مخاطبان را به کتاب جلب می کند جزئیاتی است که فیلم ها از پرداختن به آن به دلیل محدودیت هایی نظیر محدودیت زمانی پرهیز می کنند؛ برای مثال کتاب بینوایان حدود ۴۵۳۰۰۰ کلمه دارد در حالی که فیلمی از آن که در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است تنها ۹۴۵۰ ثانیه است؛ یعنی باید حدود ۴۰ کلمه در هر ثانیه در تصویر یا صدا یا جلوه های ویژه گنجانده شود تا بتوان فیلمی تقریباً مطابق با کتاب داشت. مثال عدم غلبه بر این محدودیت ها فیلم های هری پاتر است که در آن به ناچار برخی قسمت های کتاب حذف شده یا دچار تغییرات عمده شده است.

در کتاب به جزئیات بیش تری پرداخته می شود و برخلاف فیلم که در هر ثانیه ممکن است چند توصیف به کمک تصویر و صدا نمایش داده شود، هر توصیف ممکن است چند سطر طول بکشد از همین رو زمان بیش تری نیاز دارد تا حقیقت خود را به مخاطب نشان دهد؛ مثلاً کتاب بینوایان اگر با سرعت ۲۵۰ کلمه بر دقیقه هم خوانده شود حدود سی

ساعت از خواننده وقت می‌گیرد، در حالی که فیلم آن تنها دو ساعت و پانزده دقیقه زمان می‌برد؛ یعنی در مدت زمانی که فرد می‌خواهد کتاب را تمام کند می‌توانید حداقل ده بار این فیلم را از آغاز تا پایان ببینید، البته با جزئیات کمتر.

از آن جایی که تمام کردن کتاب زمان بیشتری نسبت به فیلم می‌برد و فرد ممکن است هفته‌ها درگیر خواندن یک رمان باشد و از آن لذت ببرد در نتیجه ماندگاری بیشتری در ذهن مخاطب نسبت به یک فیلم که دو ساعت بیشتر طول نمی‌کشد خواهد داشت.

یک نکته‌ی شایان ذکر دیگر گفت‌وگوی درونی شخص با خودش هنگام خواندن یک کتاب است که سبب می‌شود تا درک اقدامات و انگیزه‌های شخصیت‌های اصلی برایش مشکل نباشد، در حالی که بخشی از این گفت‌وگو را ممکن است هنگام تماشای یک فیلم از دست بدهد. بسیاری با دیدن بازیگران زیبا و جلوه‌های ویژه‌ی فوق العاده‌ی فیلم‌ها حواس‌شان پرت می‌شود و طرح و پیشرفت شخصیت که در

قلب داستان نهفته است را از دست می‌دهند، ولی در کتاب‌ها چنین حواس‌پرتی‌ای وجود ندارد و به خوانندگان اجازه می‌دهد تا احساس کنند که شخصیت‌ها را به‌طور فردی می‌شناسند.

فیلم اقتباسی ارتباطش با کتاب چیست؟ شاید بتوان گفت فیلم همان خلاصه‌ی متن کتاب است که با صوت و تصویر و جلوه‌های ویژه همراه شده است، شاید هم بتوان گفت فیلم الهامی از یک کتاب است که فقط هسته‌ی مرکزی آن با کتاب یکی است و انگار که کارگردان با همان شخصیت‌ها و همان موضوع و همان درون‌مایه خودش دوباره داستانی را خلق کرده است ولی این فیلم، همان کتاب نیست چون همه‌ی جزئیات آن را ندارد. حال به پرسش اول باز می‌گردیم: فیلم یا کتاب؟ به قول استفن کینگ: «کتاب و فیلم مثل سیب و پرتقال می‌مانند، هر دو میوه‌اند، ولی طعم‌شان کاملاً متفاوت است.»



پرتو حدائق
سپیده طبق چی
(۱۱/۲ تجربی)

اگر زبان ملتی از بین برود...

برای پاسخ به این سؤال باید تعریف چند عبارت مشخص شود. اول از همه «زبان»، زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط میان انسان‌هاست. زبان انواع گوناگونی دارد؛ مانند زبان گفتاری که بیشترین کاربرد را در زندگی روزمره دارد و یا زبان بدن که برای انتقال بهتر احساسات به کار می‌رود. همین حالا من از زبان بدنم استفاده می‌کنم تا راحت‌تر بتوانم با شما ارتباط برقرار کنم. بعد از زبان به سراغ «ملت» می‌رویم، ملت مجموعه‌ی انسان‌هایی هستند که زندگی گروهی دارند و به یکدیگر و به خاک‌شان تعلق خاطر دارند. آنها با هم اشتراکات زیادی دارند و یک واحد یک‌پارچه هستند. بعد از این دو، عبارت «از بین رفتن» را بررسی می‌کنیم: از بین رفتن شاید لزوماً به معنای نابودی نباشد و معنای تغییر نیز بدهد.

حال که عبارات را تعریف کردیم، یک به یک آنها را کنار هم می‌گذاریم. زبان، ملت، از بین رفتن. با بیان این عبارات، کلمه‌ی زبان بیشتر به چشم می‌آید. زبان، زبان فارسی، بهتر است بگوییم زبان مظلوم فارسی. حتماً می‌پرسید چرا مظلوم؟ من به شما می‌گویم، چون همه‌ی اتفاقاتی که می‌تواند برای همه‌ی آدم‌های کره‌ی زمین بیفتد، جمع شده و بر سر زبان فارسی آمده است.



در طول تاریخ از هجوم مغول تا حمله‌ی اعراب به ایران، بارها فرهنگ پارسی و به دنبال آن زبان فارسی مورد تهدید قرار گرفته و کلمات بسیاری جایگزین کلمات قبلی این زبان شده است. اما در دوران کنونی هم با مهاجمانی روبه‌رو شده‌ایم. نترسید این بار مهاجمان ما بیگانگان نیستند بلکه خودمان هستیم و مخوف‌ترین سلاح‌مان «فضای مجازی» است. وقتی در فضای مجازی صحبت می‌کنیم، فارسی را انگلیسی می‌نویسیم و با افتخار برای آن اسم می‌گذاریم و به آن می‌گوییم: «فینگلیش». به‌تازگی یک فصل جدید هم در دستور زبان فارسی ایجاد شده است: ساختن فعل‌های جدید؛ برای مثال می‌گوییم: «جواب می‌دهی یا بزنگم بهت؟» به این هم راضی نشده‌ایم و عبارات را تا بتوانی مخفف می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم: «ج بده یا ز بزنگم بت.»

چرا این‌طور صحبت می‌کنیم؟ محبوبیت‌مان بیشتر شود؟ خاص به‌نظر بیاییم؟ می‌خواهیم از قافله عقب نمانیم؟ شاید هم اصلاً زبان معیار را فراموش کرده‌ایم. هردلیلی که برای آن داشته باشیم این نوع صحبت کردن مشکلات یکسانی را ایجاد می‌کند؛ مثلاً این که نمی‌توانیم با بزرگ‌ترها ارتباط برقرار کنیم و یا این که متون قدیمی ادبی را درک نمی‌کنیم، در نتیجه هر روز از میراث گذشتگان‌مان و شاهکارهای قدیمی ادب فارسی دورتر می‌شویم تا جایی که ممکن است به فراموشی سپرده شوند و نسل‌های بعدی شاید از وجود چنین آثاری حتی مطلع هم نشوند.

این‌مثال را بچه‌های پایه‌ی یازدهم خیلی خوب درک

می‌کنند: ما امسال داستان «حسنک وزیر» را از تاریخ بیپه‌ی خواندیم که روخوانی از متن آن برای‌مان دشوار بود. فهماندن متنی به زبان کهن فارسی به‌نسلی که قربانی فضای مجازی است و حتی با زبان معیار کنونی هم به‌خوبی آشنا نیست، کار مشقت‌باری برای معلم‌ما، خانم نژادحقیقی بود. حال چکار کنیم؟ اولین گام این است که خودمان را اصلاح کنیم تا در گام بعد بتوانیم بقیه را هم اصلاح کنیم. همه‌چیز از خودمان شروع می‌شود. تمرین خوبی است که سعی کنیم روزانه چندخط به زبان فارسی معیار بنویسیم. ممکن است ارتباط با متون قدیمی و حتی جدید در ابتدا کمی سخت باشد ولی باید به خودمان فرصت بدهیم، صبر کنیم و پیش برویم. پس از مدتی زبان فارسی به کسی که به دنبالش باشد جواب می‌دهد و ارتباط ما با آن برقرار می‌شود.

باید باجدیت به دیگران تذکر دهیم و از گسترش این نوع زبان ساختگی جلوگیری کنیم. بزرگ‌ترها باید از همان ابتدا به کودکان درست آموزش بدهند و باجدیت با این موضوع برخورد کنند.

همگی باید دست به‌دست هم بدهیم تا فرهنگ غنی پارسی را که زبان فارسی بخش مهمی از آن است و به‌وسیله‌ی این‌زبان انتقال می‌یابد، حفظ کنیم. باید بدانیم که این موضوع شوخی نیست و همین حالا باید دست به کار شویم. باشد که این زبان زیبا و غنی را برای خودمان و آیندگان حفظ کنیم.



موضوعات و معیارهای مسابقات ده‌گانه‌ی دهه‌ی فجر سال تحصیلی ۹۸-۹۷

مسابقه‌ی اندیشه

منابع:

وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا
بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام بر می‌دارند. چون نادانان ایشان را مخاطب قرار دهند، به آن‌ها سلام می‌گویند»

وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا
روی زمین، با تکبر راه مرو. نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد.
وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ
هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان
. سلام بر شما. ما خواهان جاهلان نیستیم».

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ
پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدایشان راه
نموده و اینانند همان خردمندان

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت بازگرد درحالی که تو از او راضی هستی و او از تو راضی است

ان في خلق السموات والارض واختلف الليل والنهار لآيت لاولي الالباب

مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است.

مثل الذين اتخذوا من دون الله اولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتا وان اءوهن البيوت لبيت العنكبوت لو كانوا يعلمون
کسانی که غیر از خدا را اولیاء خود برگزیدند، همچون عنکبوتند که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده و سست
ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند

وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ
بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و (به یاد آرید) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، حقا که شما به خاطر پرستش گوساله به خودتان

ستم کردید پس به سوی آفریدگار خود توبه کنید و خویشتن را بکشید که این عمل در نزد خالقان برای شما بهتر است. پس (چون چنین کردید) خدا به شما عطف توجه نمود و توبه شما را پذیرفت، که او بسیار عطف و توبه پذیر و مهربان است.

فرازهایی از خطبه متقین از حضرت علی:

نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نَزَلَتْ فِي الرَّخَاءِ..

حال آنان در بلا همچون حالشان در آسایش و رفاه است.

وَقَفُّوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ

گوشهای خود را وقف شنیدن علم و دانشی کرده اند که برای آنان سودمند است

وَالنَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ، أَبْرَارُ أَتْقِيَاءُ

پرهیزگاران به هنگام روز، دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند،

إِذَا زُكِّي أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ، فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي، وَرَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي!

هر گاه یکی از آنها را مدح و ستایش کنند. از آنچه درباره او گفته شده به هراس می افتد و می گوید: من از دیگران نسبت به خود آگاه ترم و پروردگارم به اعمال من از من آگاه تر است

مراحل مسابقه:

- استخراج صحیح مفاهیم اخلاقی از منابع و تهیه یک لیست از آنها
- پیدا کردن یک شخصیت که واجد بیشترین خصوصیات آن لیست باشد
- شخصیت می تواند حقیقی یا قهرمان یک داستان- فیلم- انیمیشن و ... باشد
- تحویل فیلم و لیست و اسم شخصیت مورد نظر دو روز قبل از مسابقه
- دفاع منطقی از ویژگیهای شخصیت در روز مسابقه و پاسخ به سوالات داوران
- اگر شخصیت مورد نظر حقیقی است منابع موثقی از زندگی فرد ارائه دهد

معیارها:

- استفاده از منابع (۱۰ امتیاز)
 - استدلال صحیح برای تطبیق شخصیت با مفاهیم اخلاقی مورد ادعا (۳۰ امتیاز)
 - پاسخ به سوالات داوران (۲۰ امتیاز)
 - تحویل به موقع مدارک (۲۰ امتیاز)
 - انتخاب گزیده هایی از فیلم یا انیمیشن و آماده سازی پیش از شروع مسابقه (۱۰ امتیاز)
 - نظم و کار گروهی (۱۰ امتیاز)
- موضوع مسابقه: شکل در قالب یک فعالیت بازی و ریاضی اجرا می شود.

مسابقه‌ی ریاضی

معیارها:

(۱) درک عمومی ریاضی (الگویابی و منطق و خلاقیت و تجسم فضایی)

(۲) سرعت عمل

(۳) تعامل گروهی

(۴) بدست آوردن امتیاز

مسابقه‌ی کامپیوتر

موضوع مسابقه: شام آخر

مسابقه به صورت حل یک معمای جنایی است که برای حل آن نیاز به دانستن تعدادی از روش‌های رمزنگاری خواهید داشت. درباره‌ی رمزنگاری اطلاعات کسب کنید، همچنین در مورد روش‌هایی که در زیر آمده‌است تحقیق کنید، به صورتی که در روز مسابقه، به نحوه‌ی رمزگذاری و رمزگشایی آن‌ها تسلط داشته باشید.

- | | | | |
|---------------------------------|----------------------------------|----------------------------|----------|
| 1- Playfair | 2-Scytale | 3-Vigenere | 4-Caesar |
| 5-Morse code | 6-Subliminal channel | 7-Rail fence | |
| 8-Columnar Transposition Cipher | 8-Homophonic Substitution Cipher | | |
| 9- Pigpen cipher | 10- Rosicrucian cipher | 11- Jefferson Wheel Cipher | |

معیارها:

اتمام هر مرحله و سرعت عمل

مسابقه‌ی فیزیک

موضوع مسابقه: انتخاب یکی از مفاهیم

۱- گرانش

۲- نور

۳- قوانین نیوتن

۴- الکتریسیته

۵- مغناطیس

۶- گرما و ساخت استاپ موشن

مسابقه‌ی ریاضی

معیارها:

- شرایط تحویل (۱۵ امتیاز)
- انتقال درست موضوع فیزیکی (۴۰ امتیاز)
- خلاقیت در ارائه مطالب (۱۵ امتیاز)
- خلاقیت و کیفیت ساخت (۱۵ امتیاز)
- امتیاز دانش‌آموزی (۱۵ امتیاز)

مسابقه‌ی شیمی و زیست

عنوان: تولید موزیک ویدیوی آموزشی

- کاتالیزورها و آنزیم‌ها در صنایع
- نانو ذرات و کاربرد آن‌ها در صنایع وابسته به زیست و شیمی

معیارها:

- صحت علمی (۱۵ امتیاز)
- رعایت زمان موزیک ویدیو (۵ امتیاز)
- هماهنگی متن با موسیقی (۱۰ امتیاز)
- کیفیت تولید (صداگذاری، تصویر پردازی) (۱۵ امتیاز)
- هماهنگی متن و تصویر با موضوع (۱۰ امتیاز)
- آموزش صحیح و روان موضوع (۱۵ امتیاز)
- نوآوری و خلاقیت (۱۵ امتیاز)
- منابع (۵ امتیاز)
- تحویل به‌موقع کار (۱۵ امتیاز)

مسابقه‌ی نمایش

موضوع: انتخاب یک شی از بین سه شی پیشنهادی به عنوان موضوع

معیارها:

- نوشتن متن نمایشنامه و اجرا
- آخرین مهلت تحویل متن نمایش اول بهمن ماه
- شروع تمرین و بازیبینی نمایش بعد از تایید متن نمایشنامه
- اشیا پیشنهادی کلاه-صندلی-چمدان-توپ-یک چادر یا شال یا ملافه-عینک-کفش
- نمایشنامه باید شروع و پایان مشخص داشته باشد.
- تعداد اعضا گروه ۳ نفر است که حداقل یک و حداکثر سه نفر بر روی صحنه می روند.

مسابقه‌ی ادبی

موضوع:

۱- از بین رفتن زبان یک ملت مساوی است با از بین رفتن آن ملت. در طول تاریخ زبان فارسی بزنگاه‌های مهمی بوده است که گویشوران زبان فارسی را در خطر دیده‌اند و برای حفظ آن به تلاش‌هایی متمرکز دست یازیده‌اند. صاحب‌نظران معتقدند اکنون نیز در یکی از آن بزنگاه‌های تاریخی هستیم. شما برای حفظ این زبان چه می‌کنید؟

۲- بسیاری از کتابخوان‌های حرفه‌ای معتقدند اغلب اقتباس‌های سینمایی رمان‌ها به قوت متن کتاب نیستند و خواندن کتاب را به تماشای فیلم اقتباسی از آن ترجیح می‌دهند. شما کدام را انتخاب می‌کنید: فیلم یا کتاب؟

۳- بعضی از داستان‌ها در میان اقوام تثبیت می‌شوند یا مورد پسند یا قبول قرار می‌گیرند و سپس سینه به سینه نقل می‌شوند. این را نوعی از اسطوره‌سازی قومی نامیده‌اند. چگونه می‌توان اسطوره‌ها / افسانه‌های (ملی) را در زندگی امروز بازخوانی کرد؟

معیارهای ارزیابی:

مسابقه‌ی خطابه در گروه‌های دو نفره انجام می‌شود.

- متن خطابه را یک روز قبل تحویل دهید. تایپ شده و با رعایت تمام اصول نگارشی. (مثل رعایت فاصله‌ی حاشیه، رعایت پاراگراف‌بندی، علائم نگارشی و ...) بدیهی است تأخیر در ارائه‌ی متن خطابه کسر امتیاز خواهد داشت.
- حجم متن مکتوب بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کلمه است. (حداکثر امتیاز متن خطابه ۴۰ و اجرای آن ۶۰ امتیاز است).
- زمان اجرای خطابه ۵ دقیقه و فرصت برای پاسخگویی به یک یا دو سؤال طرح شده ۳ دقیقه خواهد بود.
- اجرای شما لزوماً حفظ کردن متن خطابه نیست. اجرای شما می‌تواند در همان زمان مذکور، چیزی اضافه بر متن مکتوب شما داشته باشد.

- در اجرای خطابه به نوع ایستادن، حرکات بدن و دست و حالت چهره دقت کنید و برای انتقال مفهوم یا تأثیرگذاری بیشتر، از زبان بدن استفاده کنید.

- دقت کنید که مخاطب شما در اجرای خطابه همه‌ی حاضران هستند و نه فقط هیئت داور.

- شروع مناسب و تأثیرگذار، استدلال‌های قوی برای موضع‌گیری خاص خودتان و آوردن شواهد و مثال، و پایان تأثیرگذار از جمله قسمت‌هایی است که در خطابه امتیاز مشخصی دارند.

- در قسمت پاسخگویی شیوه‌ی استدلال شما و اقناع‌کننده بودن پاسخ شما بخشی از امتیاز اجرای خطابه را خواهد داشت.

- استفاده از ابزارهای ممکن برای ارائه (مثل استفاده‌ی خاص از یک تصویر یا عکس در بردارنده‌ی اطلاعات) که مرتبط با موضوع خطابه‌ی شما و موضع‌گیری شما در خطابه باشد و البته تأثیرگذار هم باشد، امتیاز اضافی (بین ۵ تا ۱۰ امتیاز) خواهد داشت. (تذکر: این مطلب شامل عکسی برای دکور پشت خطابه‌گو یا تصویری زیبا مثلاً در انتهای خطابه نمی‌شود!)

- برای دیدن الگویی از خطابه‌های تأثیرگذار می‌توانید به تداک مراجعه کنید و نمونه‌هایی با موضوعات مختلف ببینید.

مسابقه‌ی زبان

موضوع مسابقه: یک لیست از کلمات هم قافیه به بچه‌ها داده می‌شود تا با استفاده از فرم شعری که به غزل‌های شکسپیری معروف است و استفاده از کلمات هم قافیه شعر بنویسند.

معیارها:

۱) ساختار صحیح و متنوع (دستوری-انتخاب کلمات)

۲) تلفظ و لحن مناسب با متن

۳) خلاقیت در نوشته و اجرا

۴) هماهنگی متن با موضوع داده شده

استفاده از موسیقی و ساز بلامانع است. در صورت استفاده به جا و مناسب امتیاز دارد ولی نداشتن آن امتیازی کم نمی‌کند.

مسابقه‌ی عربی

موضوع: نوشتن داستان با استفاده از کمیک استریپ

معیارها:

- نشر روان و صحیح
- انسجام (ترتیب و توالی / نظم منطقی)
- کشف ویژگی در شخصیت و پردازش آن
- کشف یک محتوای داستانی در تصویر و پرورش آن
- دید تازه و نو به تصویر
- فضاسازی مناسب برای نوشته

مسابقه‌ی آواز گروهی و موسیقی

موضوع:

- ۱) فضاهای دوست داشتنی شهر
 - ۲) محیط زیست
 - ۳) مهاجرت
- * خلق موسیقی و شعر به عهده‌ی دانش‌آموزان است.
- بخش سرود
- کیفیت آواز جمعی (خواندن صحیح و کوک درست)
 - تلفیق شعر و موسیقی
 - خلق ملودی
 - هماهنگی گروه موسیقی (اجرای تمیز و کوک بودن سازها)
 - هماهنگی و نظم در اجرا (هر دو گروه سازی و آوازی)
 - خلاقیت در اجرا (چیدمان گروه/ استفاده از حرکت، بدن کوبه و ...)

مسابقه‌ی عکاسی

موضوع: دوستی - کوچه - امید - مصرف کردن/ استفاده کردن / پسماند

اگر روی عکس ادیت انجام می‌دهند حتما فایل اصلی را هم ارایه دهند.
عکس‌ها می‌تواند سیاه و سفید و رنگی باشد. اگر تک عکس کار شود حداکثر ۵ فریم و اگر مجموعه تا ۷ فریم.
عکس‌ها همراه با استیتمنت باشد (یک توضیح کلی در مورد اینکه با چه تکنیکی کار کرده‌اند و هدفشون از این عکس‌ها چه هست.

عکاسی با موبایل بلامانع است.

تحويل مدارک روز ۱۳ بهمن ماه

معیارهای داوری

- ترکیب بندی و انتخاب کادر مناسب
- زاویه دید خلاقانه
- هماهنگی عکس با موضوع
- کیفیت عکس (تکنیک/ نور/ sharpness)

مسابقه‌ی اجتماعی و فیلم‌سازی

موضوع مسابقه:

سه سرفصل اصلی اعلام شده عبارت است از:

- ۱- مکان‌های تاریخی باتوجه به حوادث و شخصیت‌های تاریخی مرتبط با آنها
 - ۲- مسائل محیط زیستی
 - ۳- پدیده مهاجرت (داخل و خارج)
- دانش‌آموزان می‌توانند یکی از محورهای انتخاب کنند.

معیارها:

گروه علوم اجتماعی:

- ۱- طرح مسئله
- ۲- دانش مرتبط باموضوع
- ۳- سطح تحلیل
- ۴- مستند بودن
- ۵- کار گروهی

گروه فیلم‌سازی:

- تصاویر نباید آرشیوی استفاده کنند و تصاویر باید توسط اعضای گروه تولید شده باشد.
- کامل بودن طرح فیلم (طرح فیلم به صورت نوشته شده، باید قبل از ساخت فیلم به خانه هنر تحويل داده شود.)
- کارگردانی: انتخاب تصاویر (فیلم یا عکس) با توجه به:

- اصول زیبایی شناسی
- ارتباط تصاویر با هم و در ارتباط با موضوع
- تدوین (ارتباط نماهای پی در پی از لحاظ زیباشناسی و اطلاع رسانی و ریتم کلی فیلم)
- استفاده از صدا و موسیقی (استفاده صحیح و با قصد زیبایی شناسانه‌ی خاص از صدا و موسیقی یا عدم استفاده از آن با همین قصد، در هر دو صورت می‌تواند باعث کسب امتیاز شود. تعداد افراد گروه (می‌توانند بازیگران از عوامل باشند یا از بچه‌های کلاس- افراد پشت دوربین. حداکثر ۴ نفر
- زمان فیلم: حداقل ۳ دقیقه / حداکثر ۱۵ دقیقه

مسابقه‌ی حرکت

موضوع: تضاد، امید، انتظار، تولد، آزادی
 * قبل از طراحی حرکت، موسیقی انتخابی شما باید تأیید شود. موسیقی بین ۳ تا ۵ دقیقه باشد.

معیارها:

- شروع و پایان خوب و مناسب
- انجام صحیح حرکات
- تنوع در حرکات
- هماهنگی گروه
- هماهنگی حرکات با موسیقی
- انتخاب موسیقی متناسب با موضوع
- * لباس همه‌ی گروه‌ها بلوز و شلوار مشکی (فقط به حرکت امتیاز داده می‌شود).



گزارش تصویری

مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



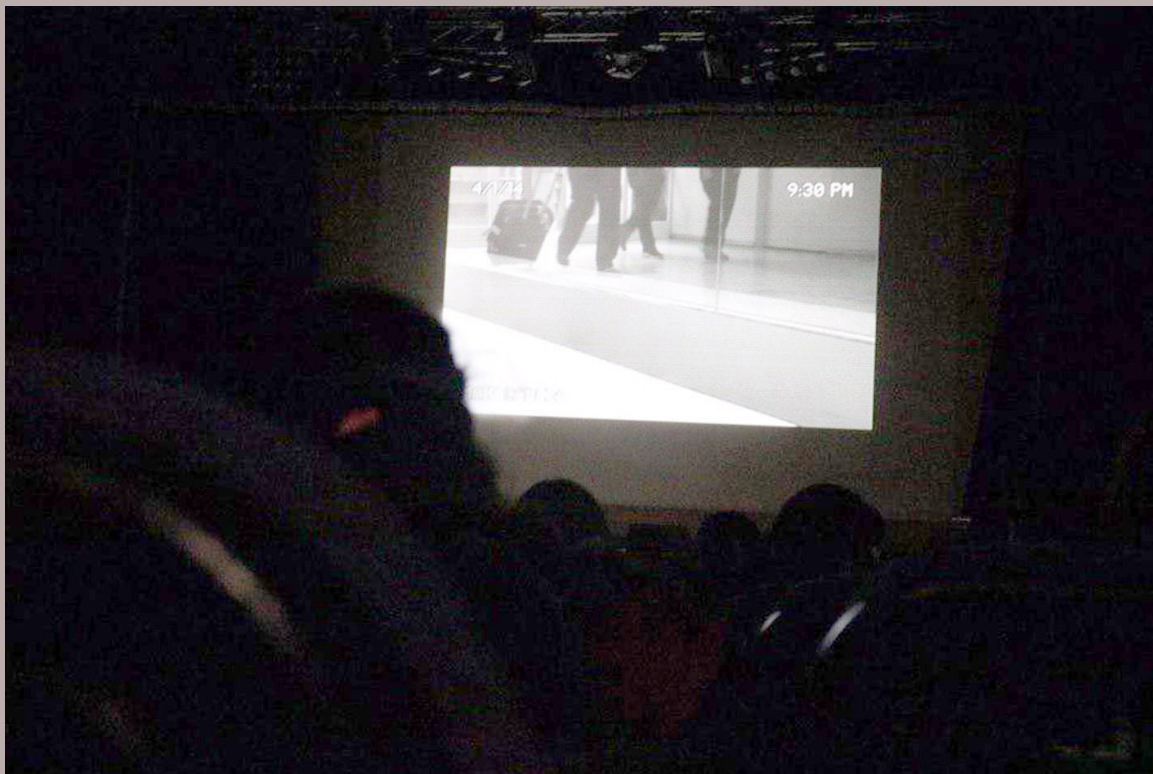
مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



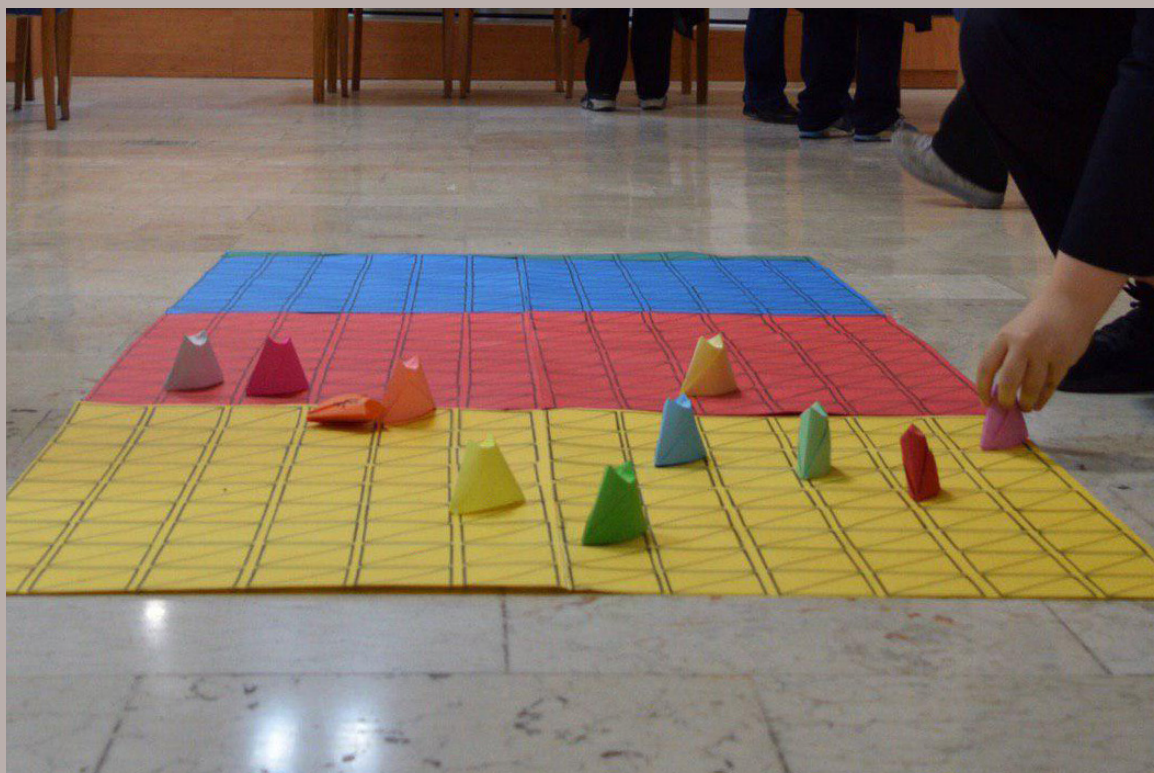
مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر



مسابقات دهه‌ی فجر متوسطه‌ی دو به روایت تصاویر

[illegible]

هایکو



طراحی صفحه
بهار حسن تاش

با او سخن می‌گویم
به آرامی نگاهم
می‌کند؛
دیوار

物いへば
唇寒し
秋の風

حانیه عرب
حسن خانی

رنگین کمان کوچک
کرشمه کرد با پَرش؛
پروانه، پروانه

古池や
蛙飛び込む
水の音

ترنم توکلی

محاصره شده بود؛
دیوار رویاهایش
خیلی بلند بود

旅に病んで
夢は枯野を
かけ廻る

الناز عافی

تیک تیک ساعت
قطره‌های باران؛
او نیامد

閑けさや
岩にしみいる
蟬の声

دنا بارانی

فائزه فروغی

موهای بافته شده
در باد می‌رقصند
خوشه‌ها در گندم‌زار

行春や
鳥啼き魚の
目は泪

سایه‌ای میان گل‌ها
موهایش را می‌افشاند:
دخترک

五月雨を
あつめてはやし
最上川

شیما مولوی

物いへば
唇寒し
秋の風

دریای آلوده

ماهی‌های بی‌حرکت،

ماهی‌گیر برگشت

تارا مصطفوی

古池や

蛙飛び込む

水の音

سکوت مرگ‌آور شب را

با زمزه‌ای شکسته‌اند:

جیرجیرک‌های باغ انار

旅に病んで

夢は枯野を

かけ廻る

開けさや

岩にしみいる

蟬の声

هستی مصوری

در تنگ‌ترین کوچه‌ی شهر

شب تا صبح گریستند:

زیباترین ابرهای دنیا

ریحانه دواپی

行春や

鳥啼き魚の

目は泪

五月雨を

あつめてはやし

最上川

چشمه‌های خشکیده

درختان عریان،

شاعر درمانده

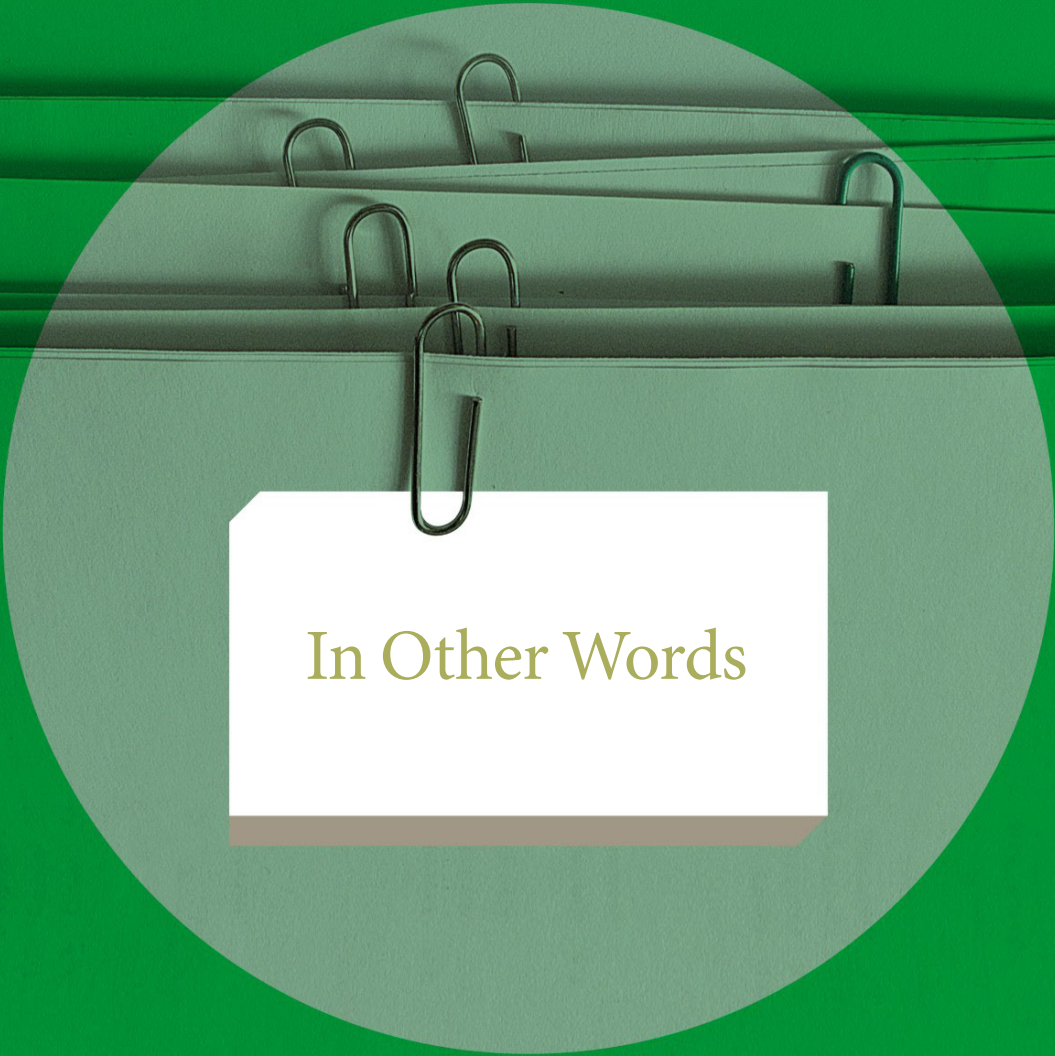
رکسانا خباززاده

در محاصره‌ی ابر

فرو می‌ریزد؛

باران بهاری

پانیز حکمی

A circular inset image showing a stack of papers held together by metal clips. A white tag is attached to the front of the stack. The background of the entire image is a solid green color.

In Other Words



Timeless Poetry

It would as impossible to think of English literature without remembering grand names such as William Shakespeare and Edmund Spenser as to think of Persian literature without its masters such as Hafez and Molana.

For the new edition of Kheradnameh, our talented students were asked to compose English poetry based on the versification pattern, set by Shakespeare and Spenser. the task was challenging as the list of rhyming word were assigned, thus, limiting the choice of diction and structure. The result, however, proved magnificent despite the difficulty. We were blessed with hearing Renaissance poetry, revived, at the hands of our young poets.

Mona Rahimpur



A Shakespearean Sonnet

Moojan Forouzandegan
11.2 Tajrobi

I keep on gazing at the boundless blue
At how the night is swallowed by the light
It makes me wonder whether 'tis a clue,
About the moment life will take its flight

If darkness ebbs, replaced with day so fair
If dies the grandiose night, then I confess
No matter whether thou glimmer or glare
Death has no interest in what you possess

I notice names and dates carved on the bench
Those poor attempts to last under the sky,
There's no escape from it; no lair or trench
Can keep you from the ultimate goodbye

Even though death might seem solemn and grave
Since there's no fighting it, 'tis best to cave



A Shakespearean Sonnet

9.2

Today is a day that the sky is so blue
but at the same time there is no light
hitherto doth anyone hast a clue
why did summer days take that flight

like everyone thou say this is so not fair
I guess today is the day to confess
summer started with the first glare of the sun
when it first shined it did simply possess

all the summer days spent on a bench
looking high at the light in the sky
but that is long gone gone in the trench
it is gone but it never said goodbye

summer days are all buried in a grave
till the next year hiding in a cave.



A Shakespearean Sonnet

9.4

My skies were once gray but now they're all blue
You're a bright star and I orbit your light
Caught by your gravity when I had no clue
A shooting star passed and my heart took its flight

I have a control no more, that's just not fair
My planet to your star has something to confess
First time I drowned in the endless galaxy of your glare
I realized with no doubt my heart you'll possess

Wish we were close like two humans on one bench
But we're millions apart cause you're the star in my sky
Is distant love toxic? Should we burry it in a trench?
I'll be a stray planet to you, I'll say goodbye

I'll float in space; a black hole will be my grave
But I'll spend eternity with you in my heart's dark cave